

نشانه‌ها

نشانه‌های ظهور
حضرت مهملی (عج)

نویسنده:

سید حسین تقوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي هدانا لهذا
أما كنا لنجدن ما كنا نعبد
أدبار العيون
فلا حول ولا قوة الا بالله
الله اعلم

نشانہ ہمار ظہور

حضرت مہدار علیہ السلام

نگارش:

سید حسین تقوی

تقوی، حسین، ۱۳۴۱ -

نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام / نگارش حسین تقوی.
- قم: نورالاصفیا، ۱۳۸۲.

۲۲۴ ص. ۱۰۰۰۰ ریال: ISBN 964-5927-47-1

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۲۱۳ - [۲۱۷]: همچنین به صورت زیرنویس.

۱. مهدویت. الف. عنوان.

ن ۵ ت ۷ / ۵ / ۲۲۴ BP ۲۹۷/۴۶۲

کتابخانه ملی ایران

۳۳۱-۲۰۳۳۱-۸۲م

نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام

نویسنده: سید حسین تقوی

ناشر: بنیاد پژوهش‌های علمی - فرهنگی نورالاصفیا

نوبت چاپ: اول، رقی، ۲۲۴ ص،

چاپ: برهان، تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

مراکز پخش: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۷-۱۴۱۵۵

قم، خیابان صفائیه، کوی ۳۲، کوی میرابوطالبی، پلاک ۵۱، تلفن ۷۷۳۱۶۲۸

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۵۹۲۷-۴۷-۱

کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ است

فهرست مطالب

عنوان	شماره
سخن ناشر	۹
پیش‌گفتار	۱۱
فصل اول	
اهمیت انتظار	
وحشت استکبار	۱۷
الف - فیلم‌سازان آمریکایی مسأله مهدویت را نشانه گرفته‌اند:	۱۷
ب - سیاست‌مداران آمریکا و اسرائیل و تهاجم به مسأله مهدی باوری: ..	۱۹
نظریه صهیونیست‌ها در زمینه اعتقادات آخرالزمانی	۲۱
یأس و امید	۲۵
اهمیت انتظار	۳۱
انتظار چیست؟	۳۱
آثار انتظار	۳۳
انتظار از نظر مستشرقان	۳۵
اهمیت انتظار فرج، در احادیث ..	۳۷
فصل دوم	
چشم اندازی به روند ظهور	
چشم‌اندازی به روند ظهور	۴۵
ارتباط انقلاب اسلامی ایران و ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۴۵
چشم‌اندازی به روند ظهور	۵۲
تبیین و تفسیر حدیث	۵۵
لشکری که در زمین فرو می‌رود .	۷۴
فرو آمدن مسیح از آسمان	۸۶
فصل سوم	
شرایط و نشانه‌های ظهور	
شرایط و نشانه‌های ظهور	۱۰۱
نشانه‌های انقلاب حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .	۱۰۱
نشانه‌های حتمی ظهور	۱۰۶
فرق میان شرایط با نشانه‌های ظهور ..	۱۰۷
تقسیم بندی نشانه‌ها	۱۰۸
فایده نشانه‌ها چیست؟	۱۰۹
وقایع و حوادث قبل از ظهور ..	۱۱۰
وقایع عمومی	۱۱۰
چشم‌اندازی به وضع جهان در آخرالزمان در پرتو سخنان پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۱۰
وضع مسلمانان آخرالزمان از دیدگاه حضرت رسول <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۱۲
وضع زمامداران مسلمانان در آخرالزمان از نظر پیامبر گرامی <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۱۴
وضع اسلام در آخرالزمان از دیدگاه نبی اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۱۵
وضع قرآن در آخرالزمان	۱۱۵
وضع مساجد در آخرالزمان ..	۱۱۶
وضع علماء و دانشمندان آخرالزمان از دیدگاه پیامبر گرامی <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۱۶
وضع مؤمنان آخرالزمان از نظر حضرت رسول <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۱۶
اوضاع اجتماعی آخرالزمان از دیدگاه پیامبر گرامی <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۱۸
اوضاع اجتماعی آخرالزمان از دیدگاه امام صادق <small>علیه السلام</small>	۱۱۹
اوضاع اقتصادی آخرالزمان از دیدگاه پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و امام صادق <small>علیه السلام</small>	۱۲۰
اوضاع اخلاقی، اعتقادی مردم، در آخرالزمان از دیدگاه امام صادق <small>علیه السلام</small>	۱۲۱
فراگیر شدن ظلم و جور	۱۲۲
وقایع خصوصی	۱۲۳
۱- قطع حج و خرابی مسجد برائا	۱۲۴
۲- منع طعام و درهم از عراق ..	۱۲۵



- ۳- زندیق قزوین ۱۲۵
- ۴- ظهور آتشی در حجاز و آب در نجف ۱۲۶
- ۵- خراب شدن بصره ۱۲۶
- ۶- انقراض حکومت بنی عباس ۱۲۷
- ۷- قبهٔ غبراء ۱۲۸
- ۸- فرود آمدن ترکان در جزیره . ۱۲۸
- ۹- آزاد شدن عرب از حکمرانی عجم... ۱۲۹
- ۱۰- اختلاف دو صنف از عجم. ۱۲۹
- ۱۱- برپایی پلی مقابل کرخ در بغداد... ۱۲۹
- ۱۲- فرود آمدن روم در رمله... ۱۲۹
- ۱۳- ظهور مغربی در مصر و تصاحب شام..... ۱۲۹
- ۱۴- فتح قسطنطنیه ۱۲۹
- ۱۵- جنگ‌های صلیبی ۱۲۹
- ۱۶- قیام صاحب زنج ۱۲۹
- ۱۷- ادعای نبوت و امامت ۱۲۹
- ۱۸- خرابی دیوار مسجد کوفه.. ۱۲۹
- نشانه‌های قبل از ظهور..... ۱۳۰
- الف - نشانه‌های نزدیکی ظهور. ۱۳۰
- آیا ظهور نزدیک است؟ ۱۳۰
- ب - نشانه‌های دوران یک سال قبل از ظهور..... ۱۴۸
- ج - فتنه‌ها و جنگ‌های سال ظهور ۱۵۰
- نشانه‌هایی از هنگامهٔ ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۱۵۲
- ممنوعیت تعیین زمان، در روایات..... ۱۵۲
- چرا زمان ظهور، نامعلوم است؟ ۱۵۳
- چگونگی ظهور امام زمان علیه السلام . ۱۵۴
- دو حادثهٔ بسیار مهم نزدیک ظهور..... ۱۵۵
- محتوای صیحهٔ آسمانی چیست؟ ۱۵۷
- زمان و مکان ظهور حضرت مهدی علیه السلام . ۱۵۸
- یاران امام، چه کسانی هستند؟ . ۱۶۰
- الف - اصحاب و یاران حضرت چند نفرند؟..... ۱۶۰
- فرق اصحاب و انصار..... ۱۶۱
- ب - یاران، از چه کشورهایی هستند؟..... ۱۶۲
- یاران حضرت، از چه شهرهایی هستند؟..... ۱۶۲
- تعداد انصار حضرت، دوازده هزار تن می‌باشد ۱۶۹
- آن حضرت، سی و شش هزار تن، محافظ دارد..... ۱۶۹
- ج - شخصیت‌های مشهوری که حضرت را یاری می‌کنند ۱۷۰
- ۱- هاشمی خراسانی ۱۷۰
- ۲- شعیب بن صالح..... ۱۷۰
- آیا نام خراسانی و شعیب، دو نام سمبلیک است یا حقیقی؟ ۱۷۱
- ۳- سید حسنی ۱۷۲
- ۴- یمنی ۱۷۵
- ۵- مصری..... ۱۷۶
- ۶- حضرت خضر علیه السلام ۱۷۶
- ۷- حضرت مسیح علیه السلام ۱۷۷
- ۸- نفس زکیه ۱۷۷
- ۹- حاکم آفریقا..... ۱۷۸
- ۱۰- اصحاب کهف ۱۷۸
- ۱۱- الیاس پیامبر..... ۱۷۸
- ۱۲- ملائکه الهی و امدادهای غیبی ... ۱۷۸
- د - صفات یاران حضرت مهدی علیه السلام .. ۱۷۸
- ۱- جوانی ۱۷۸
- ۲- عجمی ۱۷۹
- ۳- قدرت بی نظیر..... ۱۸۰
- ۴- پارسایان شب و شیران روز . ۱۸۱
- ۵- عاشق و مطیع رهبری ۱۸۱
- ۵- شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام ... ۱۸۲
- دشمنان حضرت ۱۸۲
- ۱- یهود..... ۱۸۲
- ۲- جنبش سفیانی ۱۸۶
- کوتاهی عمر حکومت سفیانی. ۱۸۶

- درگیری ابقع و اصبه با سفیانی ۱۸۷
- سفیانی کیست؟ ۱۸۸
- قساوت سفیانی ۱۸۹
- کینه سفیانی نسبت به شیعیان . ۱۸۹
- سفیانی، از ظهور تا سقوط ۱۹۰
- ۳- ترکان (روس‌ها) ۱۹۲
- ۴- رومیان (غربی‌ها) ۱۹۴
- ارتباط و هم‌سویی غربی‌ها با سفیانی... ۱۹۵
- دو معجزه حضرت مهدی علیه السلام ... ۱۹۶
- خیانت غرب به قرارداد صلح بین
مسلمانان و مسیحیان..... ۱۹۸
- ۵- دَجَّال ۱۹۹
- اهمیت دَجَّال..... ۲۰۰
- زمان خروج دَجَّال ۲۰۰
- مکان خروج دَجَّال..... ۲۰۱
- مشخصات دَجَّال..... ۲۰۱
- آیا دَجَّال واقعی است یا سمبلیک و
کنایی؟ ۲۰۲
- روش‌های دَجَّال در گمراه کردن مردم... ۲۰۴
- آیا دَجَّال، نام شخص معینی است؟ ۲۰۶
- حامیان دَجَّال..... ۲۰۷
- ۱- یهود..... ۲۰۷
- ۲- افراد سفیه و بی‌خرد..... ۲۰۸
- ۳- عرب ۲۰۸
- ۴- زنازادگان، شراب‌خواران،
آوازه‌خوانان و شیطان‌ها..... ۲۰۸
- نابودی دَجَّال به دست حضرت
مهدی علیه السلام ۲۰۹
- مناجات با حضرت مهدی علیه السلام . ۲۱۱
- فهرست منابع ۲۱۳

سلام بر محمد مصطفی؛ خاتم الانبیاء!

سلام بر مهدی؛ خاتم الاوصیاء!

سلام بر وارث انبیاء!

سلام بر خورشید فروزنده!

سلام بر ذخیره خدا!

سلام بر متمم نور الهی!

سلام بر انقلابی بزرگ!

سلام بر مکمل دین!

سلام بر عزت بخش اولیاء!

سلام بر مذلّ اعداء!

سلام بر بقیة الله!

سلام بر بهار انسان‌ها!

سلام بر موعود همه ملت‌ها!

سلام بر مهدی زهرا علیها السلام!

سخن ناشر

کتاب حاضر که توسط یکی از محققان حوزه و دانشگاه تدوین گردیده، فراهم آمده از پژوهشی متدیک برای شناخت هرچه بهتر و روشمندتر مسأله نشانه‌های ظهور است که به تجزیه مباحث مربوط به ظهور آن حضرت پرداخته و هر یک از مسایل مهم - نشانه‌های دور و نزدیک ظهور در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، و روند ظهور را مورد بررسی قرار داده است. و در یک کلام، تلاش دارد تا نشانه‌های ظهور امام عصر علیه السلام را به گونه‌ای منظم و سامان یافته در اختیار خوانندگان قرار دهد، و البته نظم و انسجام موضوعی و مطالبی و فراگیری مطالب این مجموعه از ویژگی‌های کم‌نظیری است که در کتابهای تدوین یافته در این موضوع، به ندرت یافت می‌شود و جای قدردانی فراوان دارد، می‌توان گفت که این امتیاز، نشأت گرفته از زمینه آغازین تدوین این کتاب باشد که نخست در سال ۱۳۷۱ به عنوان پایان‌نامه دوره فوق لیسانس دانشگاه تربیت مدرس جمع‌آوری شده و البته با گذشت ده سال از تدوین نخستین، با تکامل تدریجی و نکات فراوانی که به آن افزوده شده در مجموعه کاملی تحت عنوان: حضرت مهدی علیه السلام از ظهور تا پیروزی به چاپ رسیده و مورد استقبال شایانی قرار گرفته که در مراحل بعد بخش‌هایی از آن که مرتبط با زمینه‌ها و نشانه‌های ظهور امام

عصر علیه السلام بوده گزینش و در این کتاب تقدیم می‌گردد؛ امیدوارم این تلاش گرانقدر از مؤلف محترم - جناب حجة الاسلام والمسلمین سید حسین تقوی زیده عزه - که در سنگر امامت جمعه شهرستان دزفول به میهن اسلامی خدمت می‌نمایند در درگاه حضرت احدیت و اولیای معصوم علیهم السلام مورد پذیرش قرار گیرد. در خاتمه توفیقات هرچه بیشتر ایشان و نیز همکاران را در احیای امر اهل بیت علیهم السلام از خدای منان خواستاریم.

بنیاد پژوهشهای علمی فرهنگی نورالاصفیاء

پیش‌گفتار

خدایا! به سبب ظهور مهدی منتظر علیه السلام دین خودت و سنت پیغمبرت را آشکار کن؛ به گونه‌ای که - از بیم مردم - چیزی از حق، پنهان نگردد و حق‌گویی و حق‌پرستی در همه جا و برای همه کس آزاد باشد. (۱)

خدایا! از تو دولت کریمه‌ای می‌خواهیم؛ که به آن اسلام و اهل اسلام را عزیز گردانی و نفاق و اهل نفاق را خوار سازی و ما را در آن دولت از دعوت‌کنندگان به سوی طاعتت و رهبران به سوی راهت قرار دهی و کرامت و بزرگواری دنیا و آخرت را روزیمان گردانی. (۲)

پروردگارا! تو را شکر می‌کنیم؛ که در قرآن کریم وعده داده‌ای که مستضعفان را پیشوایان و وارثان زمین قرار می‌دهی و مستکبران و طاغوتیان را نابود می‌گردانی. (۳)

پروردگارا! تو را شکر می‌گوییم؛ که بر ما - ملت مسلمان ایران - منت نهادی و ما را زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام قرار دادی. (۴)

۱. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۳. سوره قصص، آیه ۵.

۴. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۸۷.

خدایا! تو را شکر می‌کنیم؛ که امت و امام ما را فریادگر براثت از شرق و غرب، از کفر و نفاق، از آمریکا و اسرائیل و ارتجاع قرار دادی.

آفریدگارا! تو آگاهی که چگونه یک مشت یهودی صهیونیست به کمک آمریکای جهان‌خوار، خون ده‌ها هزار مسلمان بی‌پناه فلسطین را ریخته و «فتنه فلسطین» را در قلب دنیای اسلام و قبله اول مسلمین به وجود آورده و صدها هزار مسلمان مستضعف را از خانه و کاشانه خود، آواره بیابان ساخته و هر روز به جنایات خود ادامه می‌دهند و برای تصاحب سرزمین لبنان و سایر بلاد اسلامی تلاش می‌کنند!

معبودا! تو شاهدی که هر روز بیشتر از فاجعه خون‌بار غصب فلسطین می‌گذرد، سکوت و سازش سران کشورهای به ظاهر اسلامی بیشتر می‌شود؛ تا آن‌جا که اکنون بر سر میز مذاکره با رژیم اشغال‌گر قدس نشسته‌اند؛ غافل از آن‌که این چاره‌اندیشی‌ها سودمند واقع نخواهد شد^(۱) و این مبارزه حق‌طلبانه و مقاومت اسلامی ادامه خواهد داشت تا ظهور مهدی علیه السلام.

خدایا! تو شاهدی که چگونه سران کشورهای اسلامی - این سرسپردگان به غرب - در الجزایر، مصر، عراق، افغانستان، حجاز و... به دستور شیطان بزرگ، فریاد اسلام‌خواهی را سرکوب می‌کنند؛ غافل از آن‌که نور خدا خاموش نمی‌شود.^(۲)

خداوندا! تو را شکر می‌کنیم؛ که ملت مسلمان ایران را در جنگ تحمیلی هشت ساله، پیروز نمودی و صدام و رژیم جنگ‌افروز عراق - که به وسیله دبیرکل از بلندگوی جهانی سازمان ملل، به عنوان متجاوز معرفی

۱. الملاحم والفتن، ص ۴۷.

۲. سوره صف، آیه ۸.

شد - را خوار و ذلیل و سرنگون ساختی و همچنین رژیم هفتاد و چهار ساله الحادی کمونیسم - که بر نیمی از دنیا حکومت می‌کرد - را نابود کردی، و رژیم جنگ افروز آمریکا را در جهان رسوا ساختی.

چندی پیش، مجموعه‌ای با نام «حضرت مهدی علیه السلام از ظهور تا پیروزی» در هفت فصل به چاپ رسید و به لطف خدا مورد توجه شیفتگان آن حضرت قرار گرفت، در پی این استقبال و جهت استفاده تعداد بیشتری از دوستان اکنون سه فصل از آن تحت عنوان نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام به جویندگان راه و عاشقان حضرتش تقدیم می‌گردد.

ثواب این رساله را به روح ملکوتی و مطهر امام خمینی علیه السلام و بسیجیان دلباخته او و برادران شهیدم سید مهدی، سید علی و سید ابوالفضل تقوی و مادر مرحومه‌ام - که از خداوند خواسته بود که پسرانش را از سربازان صاحب‌الزمان قرار دهد - تقدیم می‌نمایم.

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلُنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُرْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ﴾ (۱)

عزیزا! ما و خاندان ما را احتیاج و درماندگی فراگرفته و با سرمایه‌ای اندک به سوی تو رو آورده‌ایم؛ پس پیمانۀ ما را ببریز فرما.

سید حسین تقوی

تابستان ۱۳۸۲ هـ ش

فصل اول

اهمیت انتظار

وحشت استکبار

اهمیت تحقیق در موضوع چگونگی نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام را می‌توان از وحشتی که به این وسیله در دل مستکبران عالم ایجاد می‌شود، فهمید؛ چرا که امروزه تلاش استکبار جهانی، به سرکردگی آمریکا - خصوصاً بعد از فروپاشی نظام شوروی - در این است که خود را یگانه‌تاز میدان قرار دهد و هرگونه ندای مخالف را سرکوب کند و در دل انسان‌های آزاده عالم و مشتاقان عدالت، تخم یأس و پژمردگی بپاشد و افراد را از بهبودی اوضاع و دل بستن به الهی، ناامید کند. مسأله مهدویت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در راستای رسیدن به این اهداف، مطرح شد.

الف - فیلم‌سازان آمریکایی مسأله مهدویت را نشانه گرفته‌اند:

از آن‌جا که جهان امروز، جهان تصویر است و عمده‌ترین بخش فعال در این میدان، سینما و صنعت فیلم‌سازی است و از این طریق می‌توان بر افکار عمومی تأثیر فراوانی گذاشت، فیلم‌سازان آمریکایی، مسأله مهدویت را نشانه گرفته‌اند.

مسأله آینده (فیوچرسم)، برای بشر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ آمریکا با نشان دادن آینده‌ای تاریک و خونبار برای بشر، در فیلم‌هایی که به وسیله هالیوود^(۱) (مرکز فیلم‌سازی آمریکا) به تصویر کشیده می‌شود، سعی کرده است که خود را منجی بشریت معرفی کند! در دهه ۱۹۹۰ دو نظریه جدی پیرامون مدینه فاضله یا آرمان شهر، مطرح شد؛ یکی، «نظم نوین جهانی» که توسط جرج بوش ابراز شد و دیگری، «پایان تاریخ» که از سوی فوکو یاما مطرح شد. این دو نظریه به نحوی از تیت سیاسی غرب، در ایجاد یک فرهنگ جهانی و تحمیل آن بر جهان، پرده برمی‌دارد.

اهداف آنها در مجموعه فیلم‌هایی که ساخته‌اند به وضوح دیده می‌شود؛ در فیلم‌هایی مثل «روز استقلال» که در مورد آن تبلیغات گسترده‌ای به راه انداختند؛ داستان فیلم از این قرار است که یک گروه فضایی به زمین حمله می‌کنند و آمریکایی‌ها دفاع می‌کنند و در نهایت، در روز استقلال آمریکا، اینها دشمن را دفع می‌کنند. پیام این‌گونه فیلم‌ها این است که آمریکا، تنها سیستمی است که جهان را از خطراتی که در آینده رخ می‌دهد، حفظ می‌کند.

در فیلم نوسترا داموس نیز این آمریکا است که در مقابل مسلمانان می‌ایستد و همین‌طور در بازی کامپیوتری مشهور «یا مهدی» که اسم اصلیش «جهنم خلیج فارس» است، خلیج فارس را مرکز حرکت‌های

۱. در هر سال تقریباً ۷۰۰ فیلم تولید می‌کند و سالانه حدود ۱۵ میلیارد دلار، سود خالص دارد و نزدیک به ۷۸ درصد سینماها و شبکه‌های تلویزیونی جهان، از آن تغذیه می‌کنند.

تروریستی جهان جلوه می‌دهد و خود را سردمدار مبارزه با آن معرفی می‌کند.

از بُعد روان‌شناسی، این بازی، افراد را نسبت به امام زمان و لفظ «یا مهدی» شرطی می‌کند؛ ولی باطن قضیه، تلاش برای توجیه حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس است.

چنان‌که در فیلم نوسترا داموس آمده، این مطلب را به مخاطب القاء می‌کنند که «امام عصر علیه السلام فردی بی‌رحم و خون‌ریز است و در اثر جنگ، تعداد زیادی بیوه و یتیم بر جای می‌گذارد؛ آن حضرت را با لباس‌های عربی نشان می‌دهند که هر کاری بخواهد می‌تواند با فشار دادن یک کلید انجام دهد؛ ولی ما باید متحد شویم و جلوی او را بگیریم؛ دنیا باید مانع قیام او شود؛ زیرا او برای مردم جز بلا و مصیبت چیزی به ارمغان نمی‌آورد. باید کاری کرد که مردم از او متنفر شوند».

آنان می‌خواهند چهره فردی که مظهر رحمت و اسعه الهی است را خشن و خون‌ریز جلوه دهند تا مردم از آن بزرگوار فاصله بگیرند و زمینه ظهور فراهم نشود.

ب - سیاست‌مداران آمریکا و اسرائیل و تهاجم به مسأله مهدی باوری

بحث‌های آخرالزمان که توسط افرادی چون تافلر، فوکویاما، هانتینگتون برژینسکی و... مطرح می‌شود، خیلی جدی‌تر از فضای پیرامون ماست؛ آینده‌نگری در غرب، ریشه در روش تجربی علم دارد که به پیش‌بینی پدیده‌ها می‌پردازد. در تمدن‌های علم‌گرا، روان‌شناسی،

جامعه‌شناسی و سیاست نیز آینده‌نگر می‌شوند و به دنبال سیستم‌هایی می‌گردند که به آینده نفوذ کنند؛ فیلم «شبح» می‌خواهد بگوید: انسان معاصر، شیدای شکستن دیوار تاریخ است و چون قدرت علمی دارد، می‌خواهد آینده خودش را بسازد؛ و از بعد سیاسی هم می‌گوید: حتی اگر پیش‌بینی‌های نوسترا داموس هم اتفاق بیفتد، اما ما که قدرت حاکم هستیم، می‌توانیم تغییرش دهیم.

گاسپاروان برگر - وزیر دفاع سابق آمریکا - کتاب «جنگ بعدی» را می‌نویسد و بخشی از آن را به سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ و بخشی از آن را به ظهور محمد منتظر در ایران، اختصاص می‌دهد.

در کنفرانس تل آویو، افرادی مثل برنارد لوئیس، مایکل ام. جی. جنشر، بروبزگ، مارتین کرامر، میشل فوکو و کلر بریر، براین نکته - در تحلیل انقلاب اسلامی ایران - تکیه می‌کنند که شیعیان دارای دو نگاه هستند: یکی «نگاه سرخ»؛ یعنی عاشورا و شهادت و دیگری «نگاه سبز»؛ یعنی انتظار.

جمله مشهوری که دارند، این است که «اینها به اسم امام حسین قیام می‌کنند و به اسم امام زمان، قیامشان را حفظ می‌کنند»؛ و یکی از نتایج بحث آنها این است که انتظار سبز شیعیان را باید سیاه کرد و تصویری سیاه از آن به جهان عرضه کرد و آن را منفور جلوه داد که پس از این کنفرانس، ساختن فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای که به نحوی با مسئله امام

زمان ارتباط دارد، گسترش یافت؛ آنها نمی‌توانند امام زمان را انکار کنند، لکن کتاب‌ها و فیلم‌هایی که عرضه کرده‌اند - نظیر فیلم صهیون، آرماگدون* و... - همه در پی اثبات برتری غریبان، در زمینه آینده جهان است.

نظریه صهیونیست‌ها در زمینه اعتقادات آخرالزمانی

به نظر صهیونیست‌ها - در زمینه اعتقادات آخرالزمانی و موعودگرایانه - محل این نبرد در ۲۰ مایلی جنوب شرقی حیفا و ۱۵ مایلی دریای مدیترانه - میان مرز اردن و فلسطین اشغالی - است؛ در این منطقه ارتشی بالغ بر ۲۰۰ میلیون از شرق و غرب عالم، در محل شهر باستانی میگدون در منطقه آرماگدون گردمی‌آیند تا مسیحای موعود را شکست دهند به فرماندهی دجال، ولی شکست خواهند خورد و پیروزی از آن یهودیان

*. یعنی نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان؛ همچنین نام شهری است در منطقه عمومی شام که بنا به آنچه در باب ۱۶ مکاشفات یوحنا آمده، جنگ عظیمی در آنجا رخ خواهد داد؛ این همان حادثه عظیمی است که در کلام ائمه علیهم‌السلام به نام قریسا آمده است.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «در این جنگ بزرگ که میلیون‌ها نظامی از روم (غرب) و خاورمیانه (ایران، سوریه، لبنان و عراق) گردمی‌آیند. سفیانی پس از آن‌که نیروها را چون کشتزاری درو کرده و درهم می‌کوبد و از صحنه نبرد پیروز بیرون می‌آید، خود را برای کشتن آل محمد و شیعیان آماده می‌کند و سپاهیانش وارد قریسا (آرماگدون) می‌شوند و جنگی سخت به راه می‌اندازد که صدها هزار نفر در آن کشته می‌شوند و خداوند سفره‌ای عالی در قریسا می‌گستراند که منادی آسمان بانگ می‌زند: هان ای پرندگان زمین بشتابید و از گوشت ستمگران، شکمی سیر نمایید!».

خواهد بود.

صهیونیست‌ها مؤسسات زیادی به راه انداخته‌اند و کتاب‌های زیادی در این باره نوشته‌اند؛ کتاب‌هایی مانند:

- ۱- زمین، سیاره بزرگ مرحوم؛
- ۲- جهان نوینی در حال فرا رسیدن است؛
- ۳- شما و سال ۲۰۰۰؛
- ۴- چه بر سر ما می‌آید؟؛
- ۵- آمادگی‌های فردی برای بحران سال ۲۰۰۰؛

ایستگاه‌های ماهواره‌ای، جنگ آرماگدون را در آمریکا و اسرائیل تبلیغ می‌کنند؛ شبکه چهارم تلویزیون اسرائیل، دائماً از آرماگدون و جنگ آینده خبر می‌دهد.

(گرس - هال - سل) در کتاب تدارک جنگ بزرگ می‌نویسد: «شبکه چهارم تلویزیون اسرائیل همواره می‌کوشد مردم را متقاعد سازد که لازم نیست در راه اصلاح بکوشند؛ بلکه باید به جای آن، جنگ را بخواهند؛ زیرا خواست خداست؛ آن را چنین توجیه می‌کنند که خداوند در ازل مقدر فرموده که دقیقاً همین ما مردمانی که در این نسل زندگی می‌کنیم، باید به این جنگ هسته‌ای دست بزنیم؛ آیاتی از انجیل و گوشه‌هایی از کتاب حزقیال و دانیال نبی را نقل می‌کنند تا اثبات کنند که ما در دوره آخرالزمان هستیم؛ آنان هیچ‌گاه به یاد مردم نمی‌آورند که مسیح، پیام صلح به همراه داشت و از جنگ و خون‌ریزی متنفر بود».

سناریوی استراتژیست‌های صهیونیسم بین‌المللی در جنگ آرماگدون

یک آینده خونین و سراسر بحران برای بشریت ترسیم می‌کند و دلیل این جنگ هسته‌ای را آیه ۱۲ باب ۱۴ سفر زکریای نبی (تورات) می‌داند؛ آن‌جا که آمده «گوشت ایشان در حالی که بر پاهای خود ایستاده‌اند کاهیده خواهد شد و چشمانشان از حدقه گداخته خواهد گردید و زبانشان در دهانشان کاهیده خواهد گشت».

مسیح همچون ژنرالی که ارتش خیری را رهبری می‌کند، نخست کسانی که شهر اورشلیم را غارت کرده‌اند، تارومار خواهد کرد؛ سپس ارتش‌هایی را که در دره می‌گدون و منطقه آرماگدون جمع گشته‌اند به هلاکت خواهد رسانید. وی با سلاح‌های هسته‌ای، ارتش دجال را خواهد کشت؛ به گونه‌ای که تا فاصله ۲۰۰ مایلی اورشلیم، خون تا دهان اسبان بالا می‌آید؛ تمام مرغانی که در آسمان پرواز می‌کنند، می‌آیند به جهت ضیافت عظیم و بخورند گوشت پادشاهان و سپهسالاران و جباران و اسبان و همگان؛ تمامی شهرها - مانند لندن، پاریس، توکیو، نیویورک، لوس آنجلس - با خاک یکسان خواهد شد؛^۲ یهودیان کشته خواهند شد؛ باران‌های سیل آسا و تگرگ سخت، آتش و گوگرد،^۳ تکان‌های سختی در زمین پدید خواهد آورد؛ کوه‌ها سرنگون خواهد شد؛ خاندان اسرائیل مدت ۸ ماه کشتگان آرماگدون را دفن خواهند کرد تا زمین از وجودشان پاک گردد.

میدان نبرد آرماگدون از میگدون در شمال تا ادوم در جنوب - در فاصله ۲۰ مایلی - کشیده شده است و از دریای مدیترانه در غرب تا تپه‌های موآب در شرق خواهد بود.

از نظر صهیونیست‌ها جبهه متحدین دجال عبارتند از روسیه، ایران، مناطق جنوبی و شمالی آفریقا و عراق؛ اینک مسیحای یهود (مشیا) در هیبت ژنرال پنج ستاره به عنوان سرفرماندهی کل نیروهای خیر، فاتحانه از دره میگدون گذشته و از دروازه اصلی، وارد شهر اورشلیم (بیت المقدس) می‌شود؛ تمامی ساکنان زمین جز پیروان حقیقی مسیح، مرده‌اند و از این پس، حکومت ملکوت مسیح بر زمین، به مرکزیت اورشلیم برقرار خواهد شد؛ جالب این است که ریگان - رئیس جمهور اسبق آمریکا - همواره تأکید می‌کرده که «برای یک آرماگدون واقعی مسلح شویم»؛ او در سال ۱۹۸۳ فاش کرد که آرماگدون همواره ذهن وی را به خود مشغول ساخته است.

مؤسسه مذهبی «تل سن» طی یک نظرسنجی در مورد جنگ آرماگدون اعلام داشت که «۶۱ میلیون آمریکایی در انتظار واقعی آرماگدون می‌باشند و بدین ترتیب مسیحیان آمریکایی و یهودیان اسرائیلی خود را برای جنگ آخرالزمان (آرماگدون) آماده می‌کنند».

ولی با همه تلاش دشمن، آنچه روشن و قطعی است این است که امروزه انقلاب اسلامی ایران که زمینه‌ساز ظهور می‌باشد به رغم توطئه‌های بی‌شمار شرق و غرب، به پیروزی رسیده و طلیعه ظهور، نمایان شده و اکنون ناقوس مرگ تمدن مادی را به صدا درآورده است و مقدمات و زمینه‌های ظهور را فراهم می‌کند و فریاد دفاع از فلسطین و همه محرومان و مستضعفان عالم و نابودی اسرائیل و همه ظالمان و ستمگران را شعار خود قرار داده و می‌رود تا با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب الله، در سراسر عالم، در برابر همه کسانی که مقابل دین ما

ایستاده‌اند، بایستد و عرصه را بر آنان تنگ کند و مسلمین را به عنوان اولین ابرقدرت جهانی معرفی کند؛ ان شاء الله .

یأس و امید

چنان‌که بیان شد، سعی استکبار، در جهت از بین بردن روح امید مسلمین و مستضعفین می‌باشد؛ چرا که یأس و بدبینی، نظام زندگی را مختل می‌کند؛ اگر روح یأس در اجتماعی رسوخ کند، آن لحظه زمان مرگ آن جامعه است؛ همه حیثیت‌های انسانی بر باد می‌رود؛ اخلاق زایل می‌گردد؛ فضیلت‌ها کشته می‌شود؛ نوع دوستی و فلسفه خدمت به خلق، از میان می‌رود و جای خود را به خودپرستی می‌دهد؛ کوشش‌ها برای جلب منافع و لذا ید شخصی صرف می‌شود، هر چند که به ضرر دیگران باشد و همه فقط در اندیشه حفظ و ابقای خود هستند و دیگر هیچ.

انسان ناامید، در هیچ میدانی موفق نیست و این انسان ناامید است که در پی ناکامی‌ها، حتی به خودکشی دست می‌زند. از نتایج بد یأس از آینده، تن دادن به وضع موجود است؛ چون همه تلاش‌ها برای فردای بهتر است و اگر مسلم انگاشته شد که فردای بهتری در پیش نیست، دیگر تلاش‌ها بی‌ثمر جلوه می‌کند؛ و اگر بر مغزها این اندیشه استعماری و شیطانی - که راهی به خوش‌بختی و نجات نیست - حکومت کند، همه راه‌ها به بن‌بست می‌رسد و باید کنار رفت و دست بر دست گذاشت؛ آن‌که می‌گوید «از من کاری ساخته نیست» می‌گریزد و با گریز خود، وضع موجود را استحکام می‌بخشد. آن‌که می‌گوید «امکان رستگاری نیست» خود و دیگران را از میدان به در می‌کند؛ در نتیجه، نظام ستمگرانه مستقر، ادامه می‌یابد.

حتماً دیده‌اید فردی که دچار یأس می‌شود، همه چیز را کنار می‌گذارد حتی وظایف فردی را؛ و با دم سرد خود، زندگی را سرد می‌کند؛ اگر این اندیشه به جامعه راه یابد، به همه کارها سرایت می‌کند؛ در این گونه اجتماعات - خواه ناخواه - تکلیف و مسؤولیت مفهوم ندارد و سرانجام، اجتماعی سرخورده و ویران پدید می‌آید؛ پیوندها از هم گسسته و راه برای هرگونه سیاهی و پلیدی باز می‌شود؛ چون هرکس سر به گریبان خود فرو برده است و در نتیجه سررشته‌داران امور، از این وضع نهایت استفاده را می‌برند.

از همه دردناک‌تر این است که در چنین اجتماعی، آنچه هست، گرایش به فساد و رذیلت است؛ چون هنگامی که فرد از پدید آوردن راستی و درستی سرخورده شد و احساس و خواسته‌های او کشته شد، ناگزیر احساس و نیاز دیگری جای آن را می‌گیرد و حس رضای بدلی به وجود می‌آید و آن نیازها در جای دیگر اشباع می‌شود که عبارت است از فساد، لابی‌گری، پشت پا زدن به اصول زندگی، فرصت‌طلبی، نهیلیسم و پوچ‌گرایی و...

درست به خاطر همین نتایج است که استکبار و طرفدارانش، روح یأس و ناامیدی را در بین مسلمانان و آزادی‌خواهان اشاعه می‌دهند؛ ولی قرآن کریم به جنگ ناامیدی می‌رود و با همه نشانه‌ها به مردم امید می‌دهد؛ انسان مؤمن هیچ‌گاه درها را به روی خود، بسته نمی‌بیند.

خداوند کریم، امید و پیروزی را به مؤمنین نوید داده و یأس و ناامیدی را برای کافرین می‌داند که برای نمونه، چند آیه را ذکر می‌کنیم:

۱- ﴿وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْمُونًا فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُ
كَمَا تَأْمُونُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا

حَكِيمًا» (۱)؛ «نباید در تعقیب کردن دشمنان، کاهلی کنید که اگر شما از آنان به رنج و زحمت می‌افتید، آنها نیز از دست شما رنج می‌کشند؛ ولی شما به لطف خدا امید دارید و آنها امیدی ندارند و خداوند دانا و حکیم است».

۲- ﴿كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (۲)؛ «خداوند، مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می‌شویم؛ چرا که خداوند، قوی و شکست‌ناپذیر است».

۳- ﴿فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ (۳)؛ «تنها، لشکر خدا (در دو عالم) پیروز و غالب خواهند بود».

۴- ﴿وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (۴)؛ «از رحمت خدا نومید و مأیوس نشوید که جز کافران، از رحمت خدا نومید نیستند».

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

«وقتی این فکر، در یک ملتی پیدا شد و این اراده در یک ملتی پیدا شد، کوشش می‌کند و دنبال کوشش، این مطلب (نظام اسلامی) حاصل می‌شود.

یأس، از جنود ابلیس است؛ یعنی شیطان‌ها انسان را به یأس وامی‌دارند؛ همین ابلیس‌هایی که در طول تاریخ، ملت‌های

۱. سوره نساء، آیه ۱۰۴.

۲. سوره مجادله، آیه ۲۱.

۳. سوره مائده، آیه ۵۶.

۴. سوره یوسف، آیه ۸۷.

ضعیف را مأیوس کرده‌اند؛ همین‌هایی که به ملت‌های ضعیف، تزریق کردند که ما هیچ نمی‌دانیم و هیچ نمی‌توانیم؛ همین‌هایی که به ملت‌های ضعیف - به واسطه وابستگی‌شان به خارج - گفتند که ما باید غربی باشیم؛ ما ارتشمان هم باید از غرب برایش یک کسی بیاید...

ما باید این جنود ابلیس را کنار بزنیم و امید، که از جنود الله است، در خودمان زنده بکنیم؛ به خودمان امیدوار باشیم؛ تکیه به اراده خودمان بکنیم؛ تبع اراده دیگران نباشیم». (۱)
امام خمینی علیه السلام در مورد این که در هیچ زمان و مکانی یأس به خود راه نداده و همواره در طول نهضت، امیدوار بوده، چنین فرموده است:

«یکی از جنود ابلیس، یأس است در اموری که انسان باید با امید و طمأنینه و تسلیم، عمل بکند و شیاطین ایجاد یأس می‌کنند و با این ایجاد یأس، جوانان را در آن مسائلی که باید با تصمیم جدی پیش بروند، گاهی سست می‌کنند.

من آن قدری که یاد دارم، از اوّل نهضت تا حالا که این‌جا نشسته‌ام - چه آن وقتی که در حبس بودم و چه آن وقتی که در تبعید به ترکیه بودم و چه وقتی که در عراق بودم و چه آن وقتی که به پاریس آمدم و چه آن وقتی که شاه، با آن طمطراق‌ها و قدرت‌ها بود و چه آن وقت که او رفت و بختیار شروع کرد - من هیچ وقت مأیوس از مسائل نبودم و اعتقادم این بوده است که این ملت، وقتی که چیزی را بخواهد، می‌شود.

خداوند، حافظ ملت‌های اسلام خواه، در برابر تعدی قدرت‌های بزرگ است» (۱).

بنابراین اهمیت موضوع چگونگی نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام در این است که به مسلمانان و آزادی‌خواهان، امید و نشاط می‌دهد و به استکبار و منافقان، یأس و پژمردگی و اضطراب، و بدین وسیله می‌توانیم شگرد استعمار - که دمیدن روح یأس، در بین انقلابیون و مسلمانان است - را خنثی کنیم؛ چون در حقیقت، هنگامی شکست خورده‌ایم که باور کنیم که شکست خورده‌ایم؛ زیرا شکست، از درون شروع می‌شود و از طرز تفکر و اراده شخصی ناشی می‌شود؛ هنگامی که درماندگی و یأس را به درون راه دادیم، به بیرون نیز راه پیدا می‌کند؛ به گفته مشهور:

«از کوزه برون همان تراود، که در اوست».

در صفحه ۵۳ کتاب راز کام‌یابی مردان بزرگ، آمده است:

«کمتر کسی از خود شکست، شکست خورده است؛ اغلب،

قبول شکست است که منجر به شکست می‌شود».

چون شکست و پیروزی، بیشتر نتیجه روانی دارد؛ در جنگ‌های

دنیای امروز نیز شایعاتی انتشار می‌دهند - برای تضعیف روحیه - تا فکر

دشمن ضعیف و خاطرش پریشان گردد و احتیاج به جنگ خونین در

میدان مبارزه، به حداقل برسد.

اهمیت دیگری که این موضوع دارد، این است که نوید دهنده آینده‌ای درخشان و ایجاد کننده روح امید و مقاومت و تلاش برای امت اسلامی در برابر دشمنان اسلام است و همگی را موظف به آمادگی جهت ظهور حضرت و کوشش برای اصلاح جامعه مطلوب می‌نماید؛ چرا که بر اساس روایات، مدیران و کارگزاران و نیروهای رزمی حضرت، از کشورهای مختلف می‌باشند؛ از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«قائم روی می‌آورد با چهل و پنج مرد از نه منطقه» (۱).

همچنان‌که در روایات زیادی آمده است که در میان یاران مهدی علیه السلام افرادی شایسته از مصر و مؤمنانی واقعی از شام و افراد نیکوکاری از عراق وجود دارند. (۲) و همچنین در روایاتی سخن از افراد شایسته‌ای از مصر، یمن، ایران، حاکم بلاد مشرق و حاکم بلاد آفریقا و علمایی از نقاط مختلف عالم به میان آمده است، و در مجموع، بنابر حدیثی که در این زمینه آمده است، یاران او، نیکان امت هستند. (۳)

زنان نیز در زمره یاوران حضرت قرار دارند؛ از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

«در میان یاران مهدی علیه السلام پنجاه نفر زن وجود دارد» (۴).

۱. خصال صدوق، ص ۴۲۴ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۴.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۵۲۳.

۴. همان، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

اهمیت انتظار

یکی از ادله اهمیت و ضرورت تحقیق در مورد نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام، انتظار فرج است؛ بدیهی است که انتظار فرج - که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آن را افضل عبادات شمرده - (۱) تنها یک امر ذهنی نیست؛ بلکه اضافه بر آمادگی ذهنی، باید در کتاب‌ها و جامعه نیز مطرح باشد؛ این تحقیق در پی طرح مسائلی است که جملگی، حکایت از انتظار علمی و عملی می‌نماید.

انتظار چیست؟

گفتم که روی خوبت از ما چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

گفتم که از که پرسم جانا نشان رویت

گفتا نشان چه پرسی آن کوی بی نشان است (۲)

انتظار به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید به آینده داشتن است؛ انتظار یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل است.

زمانی می‌توانیم حقیقت انتظار را درک کنیم که بدانیم امام زمان را

۱. همان، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲. فیض کاشانی.

برای چه می‌خواهیم؛ در واقع تا تشنه نشویم، به آن حقیقت دسترسی نخواهیم داشت؛ مادامی که عطش انتظار و این احساس نیاز و حالت اضطرار و افتقار به حجت و امام عصر، در وجود ما شکل نگیرد، به دنبال حضرت نخواهیم رفت.

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست شاخصه اعتقاد به مهدی علیه السلام انتظار و آمادگی مداوم برای ظهور امامی است که در صدد نابودی ظلم و ستم، فساد، تباهی، بی‌دینی، و انحراف از جهان است.

به گفته شهید سید محمد باقر صدر: «مهدویت تبلور یک الهام فطری است؛ تفکر نفی هر نوع ظلم و ستم، اینک تجسم یافته در شخصیتی که به همه «نه» می‌گوید و تعهدی نسبت به هیچ ستمگری ندارد». (۱)

انتظار، روح حیات سیاسی شیعیان و اساس باورهای آنان و الهام‌بخش حرکت‌های دینی و اصلاح طلبانه به شمار می‌رود.

شیعه، بالندگی خود را مدیون انتظار می‌داند و با آن نفس می‌کشد.

شیعه‌ای که شیفته تجدد و مدرنیته است، شیعه‌ای که نه تنها منتقد نظام ظالمانه حاکم بر دنیای امروز نیست بلکه مجذوب آن است، شیعه‌ای که تسلیم فرهنگ غرب است، از افق‌های متعالی ظهور امام زمان غافل است؛ «شیعه بودن» و «در تب و تاب وضع مطلوب بودن» مگر با هم

جمع می شود؟!

انتظار و امیدورای به وعده الهی، نمی گذارد که چشمه معنویت و غیب اندیشی در ما بخشکد؛ کسانی که در کثرت تو در توی زمین گرفتارند، زندگی شان سردرگم می شود.

نی صفا می ماندش نی کر و فرّ نی به سوی آسمان راه سفر
انتظار بقیه الله انسان را از صحنه تنگ عالم کثرت، به گستره بی نهایت
عالم وحدت و مقام حضور می کشاند؛ در فرهنگ مدرنیسم، از بقای با
حق، به تزلزل با زمین گرفتار آمدیم؛ یعنی حکم زمین گرفتار حرکت، بر
جان ما سرایت کرده؛ چون جهت جان را از خدایی که عین بقا و قرار
است، به زمینی که عین حرکت و بی قراری است انداختیم و برای تسلط بر
زمین، همواره ابزارهایی که خود نیز عین بی قراری است ساختیم؛ از
آسمان و غیب و قرار و انس و ایمان واماندیم.

انتظار، جهت قلب را از زمین، به آسمان می کند و از گرفتاری هبوط
در زمین می رهاند.

آثار انتظار

انتظار دارای آثار زیادی است از جمله:

- ۱- نفی وضع موجود (فساد، ظلم، بی عدالتی و تباهی)؛
- ۲- عدم پذیرش حکومت های ظالم؛
- ۳- اصلاح طلبی و امید به زندگی بهتر؛

۴- تلاش و کوشش برای پیشرفت؛

۵- تشکیل حکومت‌های مشروع؛

انتظار فرج، یکی از عقاید انسان‌ساز و انقلاب‌آفرین و منبع مهم شوق‌دهی و زمینه‌سازی حکومت عدل و ایمان است.

انتظار، جنبش‌آفرین و تحرک‌بخش و سرچشمه شور و مقاومت و ایثار و قیام است.

به گفته دکتر علی‌وردی (استاد دانشگاه بغداد): «تشیع آشفشان خاموش کوهسار اسلام است که گاه و بی‌گاه، دود، بخار، لرزه و تکان اندکی پدید می‌آورد و همین تأثیر اندک، ریشه تمام انقلابات دنیای اسلام است» (۱).

شیعه یعنی شوق یعنی انتظار صاحب آینه تا صبح بهار
شیعه یعنی صاحب پا در رکاب تا که خورشید افکند از رخ نقاب
هانری گربن - اسلام شناس فرانسوی - می‌گوید:

«مفهوم غیبت، هرگز در چهارچوب درخواست‌های دنیای امروز، در معرض تفکر قرار نگرفت؛ این امر - به عقیده این جانب - چشمه‌ای بی‌نهایت و ابدی از معنا و حقایق است؛ مفهوم امام غایب را با روح غربی خودم به گونه‌ای نو احساس می‌کنم و چنین به دلم الهام می‌شود که رابطه حقیقی آن را با حیات معنوی بشر، وابسته می‌دانم» (۲).

۱. فصل نامه، انتظار، ش ۲.

۲. همان.

وی می‌گوید: «سرزمین ایران از دید اخروی، سرزمین انتظار است؛ قلمروی که در آن، امام غایب، دست‌اندرکار فرا رساندن ساعت موعود در زمان غیبت است.

این نظریه را بیگانگان و مستشرقان نیز، از امتیازات شیعه ذکر کرده‌اند».

انتظار از نظر مستشرقان

جان دی استمپل: «از نظر تاریخی، شیعه معتقد است که هر دولت غیر مذهبی، ذاتاً فاسد است و سرانجام هنگام ظهور مهدی علیه السلام - امام دوازدهم شیعیان - [آن دولت] باید سرنگون شود و به جای آن، حکومت عدل الهی در جهان مستقر گردد...». (۱)

جیمز دارمستر - شرق‌شناس معروف فرانسوی -

«در جلّه که نزدیک بغداد است، همه روزه پس از نماز عصر، صد نفر سوار با شمشیر برهنه می‌رفتند و از حاکم شهر، اسبی با زین و برگ می‌ستاندند و... فریاد می‌زدند که: تو را به خدا، ای صاحب الزمان! بیرون بیا». وی می‌گوید: «قومی را که با چنین احساسات پرورش یافته است، می‌توان کشتار کرد، اما مطیع نمی‌توان ساخت». (۲)

۱. همان.

۲. همان.

مارین محقق آلمانی: «از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهمی که موجب امیدواری و رستگاری شیعه می‌باشد، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است.» (۱)

برنارد لویس - در مقاله خود به نام شیعه در تاریخ اسلام - می‌نویسد: «سرکوبی بسیاری از قیام‌ها و ناپدید شدن رهبران آنها، باعث ظهور ویژگی دیگری در دکترین شیعی شد و مسائلی چون غیبت و رجعت حضرت مهدی - آخرین امام شیعیان - به وجود آمد. پیروان وی معتقدند که وی نمرده؛ بلکه مخفی شده و به زودی از مخفی‌گاه خویش باز خواهد گشت و این از اساسی‌ترین قسمت‌های این اعتقاد به شمار می‌رود... این منجی‌گری تبدیل به یکی از جنبه‌های اساسی اسلام تشیع شد.» (۲)

ویلیام وات - محقق دانشگاه ادین بورگ - در کتاب اصول‌گرایی اسلام و مدرنیسم می‌گوید: «اعتقاد به امامت و انتظار از جمله ویژگی‌های تشیع‌اند که در اندیشه‌های میاسی شیعه، نقش مهمی ایفا می‌کنند.» (۳)

مارتین کرام: «طرفداران پرشور امام خمینی، او را نایب امام، یعنی نماینده امام غایب می‌دانند؛ چنین عنوانی به این معنی است که پیروان امام خمینی، قدرت او را الهی و مشروع می‌دانند. جاذبه امام خمینی و علما، بازتابی از ستایش ائمه است.» (۴)

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

اهمیت انتظار فرج، در احادیث

۱- حدیث معروفی که از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در ۳۸ منبع شیعی و سنی نقل شده که فرموده‌اند:

«أفضل العبادة انتظار الفرج؛ یعنی با فضیلت‌ترین عبادت، انتظار فرج است.» (۱)

البته از پیامبر گرامی، ۲۲ حدیث دیگر در ارزش انتظار فرج - در کتاب منتخب‌الاثار - نقل شده است.

۲- امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

«منتظران ظهور حضرت مهدی علیه السلام از اهل هر زمان، فاضل‌ترند.» (۲)

۳- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«به تحقیق، برای ما دولتی است که وقتی خدا خواست، آن را می‌آورد؛ هرکس دوست دارد که از اصحاب قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و باید عمل به پارسایی و اخلاق نیک کند.» (۳)

۴- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«کسانی که در انتظار دولت قائم از دنیا بروند، چون آنانند که در خدمت قائم باشند.»

امام علیه السلام پس از این سخن، مکشی کرده و سپس فرمودند:

۱. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲. منتخب‌الاثار، ف ۲، ب ۲۴، ح ۱.

۳. منتخب‌الاثار، ص ۴۹۷؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۴۱۷.

«بلکه چون آنانند که در رکاب مهدی، شمشیر زده باشند».

سپس فرمودند:

«نه، به خدا سوگند! اینان چون آن کسانی که در خدمت

پیامبر، به شهادت رسیده باشند» (۱).

شهید مطهری رحمته الله که به مقایسه دو دیدگاه درباره انتظار پرداخته، چنین

می‌گوید:

«انتظار فرج، دو گونه است:

الف- انتظاری که سازنده است؛ تحرک بخش است؛ تعهدآور

است.

ب- انتظاری که ویرانگر است؛ بازدارنده است؛ فلج کننده

است و نوعی اباحی‌گری محسوب می‌شود».

۱- انتظار ویرانگر

برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود علیهم السلام این است که صرفاً ماهیت انفجار دارد؛ فقط و فقط، از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها و تبعیض‌ها و اختناق‌ها و حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود؛ آنگاه که صلاح، به نقطه صفر برسد و حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد و باطل یگانه‌تاز میدان گردد و جز نیروی باطل، نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل آن؛ زیرا حقیقت

طرفداری ندارد - از آستین بیرون می آید.

بنابراین هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح، یک نقطه روشن است؛ تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست، دست غیب، ظاهر نمی شود. برعکس، هر گناه و فساد و ظلم و تبعیض و حق کشی و پلیدی - به حکم این که مقدمه اصلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند - رواست؛ زیرا هدف ها وسیله های نامشروع را مشروع می کند؛ پس بهترین کمک به تسریع ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است! این جا است که گناه، هم فال است و هم تماشا؛ هم لذت و کام جویی است، هم کمک به انقلاب مقدس نهایی.

این گروه، طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر، با نوعی بغض و عداوت می نگرند؛ زیرا آنان را از اسباب تأخیر ظهور و قیام مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می شمرند. برعکس اگر خود هم اهل گناه نباشند، در عمق ضمیر و اندیشه، با نوعی رضایت به گناه کاران و عاملان فساد می نگرند؛ زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می نمایند.

۲- انتظار سازنده

آیات قرآن، در جهت عکس برداشت بالاست؛ از آیات، استفاده می شود که ظهور مهدی موعود، حلقه ای است از حلقات مبارزه اهل حق با اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود. سهم بودن یک فرد در این مهم موقوف به این است که آن فرد، عملاً در زمره اهل حق باشد. آیاتی که در روایات به آنها اشاره شده است، نشان می دهد که مهدی موعود (عج) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده

شده است؛ مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است؛

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ

فِي الْأَرْضِ﴾ (۱)؛ «خداوند، به مؤمنان و شایسته کاران، وعده

داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد».

ظهور مهدی موعود، تحقق بخش وعده‌ای است که خداوند متعال، در

کتب آسمانی به صالحان و متقین داده است که زمین متعلق به آنان است و

سرانجام کار، تنها به نفع پرهیزگاران است؛

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

الصَّالِحُونَ﴾ (۲).

﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ

لِلْمُتَّقِينَ﴾ (۳).

و نیز حدیث معروفی که ذکر می‌گردد، شاهد مناسبی برای مدّعی ما

می‌باشد نه مدّعی مخالفان اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر؛

((يَمْلَأُ اللَّهُ بِه الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا؛

خداوند، زمین را به وسیله مهدی علیه السلام پر از عدل و انصاف

می‌کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد)).

در این حدیث نیز تکیه بر روی ظلم شده و سخن از گروه ظالم است

که مستلزم وجود مظلوم می‌باشد و می‌رساند که قیام مهدی علیه السلام برای

حمایت مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند و در روایت، صحبتی

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

از پرشدن زمین از فساد و گناه نشده است.

در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام، به آن حضرت ملحق می‌شوند؛ بدیهی است که این گروه، ابتدا به ساکن، خلق نمی‌شوند و به قول معروف، از پای بوتهٔ هیزم، سبز نمی‌شوند. معلوم می‌شود که در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه‌های عالی و مناسبی وجود دارد که چنین گروه زبده‌ای را پرورش می‌دهد؛ این خود می‌رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است، بلکه فرضاً اگر اهل حق، از نظر کمیت قابل توجه نباشند، از نظر کیفیت، ارزنده‌ترین اهل ایمانند و در ردیف یاران سیدالشهداء می‌باشند.

از نظر روایات اسلامی، در مقدمهٔ قیام و ظهور امام، یک سلسله قیام‌های دیگر از طرف اهل حق صورت می‌گیرد؛ آنچه به نام قیام یمانی، هاشمی و خراسانی در دوران قبل از ظهور بیان شده، نمونه‌ای از این سلسله قیام‌هاست؛ این جریان‌ها نیز، ابتدا به ساکن و بدون زمینهٔ قبلی رخ نمی‌دهد.

در برخی از روایات اسلامی، سخن از دولتی است از اهل حق که تا قیام مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ادامه پیدا می‌کند و استنباط علمای شیعه، از مجموع آیات و اخبار و احادیث مهدی علیه السلام این نیست که جناح حق و عدل و ایمان یکسره درهم شکند و نابود شود و اثری از صالحان و پرهیزگاران باقی نماند تا دولت مهدی علیه السلام ظاهر شود؛ بلکه آن را به صورت پیروزی جناح صلاح و عدل و تقوا بر جناح فساد و ظلم و بی‌بندوباری تلقی کرده‌اند؛ یعنی گروه صالحان نیز با تمام قوا در راستای اهداف بر حق خود در صحنه‌های گوناگون، ایفای نقش می‌کنند تا زمان

موعود فرا رسد و آنان به پیروزی نهایی دست یابند.
از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود،
آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز
جهان برپا بوده است؛ مهدی موعود، تحقق‌بخش خواسته‌های ایده‌آل
همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است. (۱)

فصل دوم

چشم اندازی به روند ظهور

چشم اندازی به روند ظهور

ارتباط انقلاب اسلامی ایران و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

پیروزی نهضت اسلامی ملت ایران که در سرآغاز قرن پانزدهم هجری قمری، به رهبری امام خمینی (ره) در ایران به وقوع پیوست، با توجه به پیام‌های روشن اسلامی و شیعی آن و توجه ویژه‌ای که برای آینده فرهنگ و تمدن و عظمت اسلام مطرح نموده است؛ باعث بیداری بزرگ اسلامی گردیده و حرکت عظیمی در میان اندیشمندان و پژوهشگران و حتی سیاستمداران جهان ایجاد کرده که برای شناخت هرچه بیشتر اعماق اعتقادات و تاریخ اسلام و خصوصاً اعتقاد به منجی بشریت و مصلح کل حضرت مهدی علیه السلام که آرمانی پراهمیت برای بشریت است، تلاش و جستجو دارند.

سرداران این نهضت آن را زمینه‌ساز قیام حضرت مهدی علیه السلام برشمرده‌اند و دهه انقلاب را دهه فجر نامیده‌اند چرا که فجر به شب خاتمه می‌دهد و در پی آن، روز آغاز می‌گردد، پس از این که همه جا را سپیده فراگرفت خورشید ظاهر می‌شود؛ به بیانی دیگر پیش از طلوع خورشید فجری ظاهر می‌شود و پس از لحظاتی خورشید ظهور می‌کند؛ امام خمینی علیه السلام می‌فرمود: «ما منتظر طلوع خورشیدیم»؛ پس امام، سپیده

آن خورشید و انقلاب اسلامی مطلع فجر و نویدبخش ظهور حضرت مهدی است که نام و یاد آن عزیز را در دنیا زنده کرده، توجه و علاقه جهانیان را به ظهور آن حضرت افزایش داده است؛ چرا که رهبر انقلاب خود را نایب مهدی علیه السلام خواند و این مملکت را متعلق به امام زمان دانست؛ در نتیجه مردم در پی تحقق مقدمات ظهورند.

چنان که امام خمینی ره فرمود:

«ایران یک مملکتی است مال امام زمان - سلام الله علیه - مملکت از آن وجود مقدّس، و ما همه پاسدار آن هستیم». (۱)
«انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است؛ ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور - ان شاء الله - تهیه شود». (۲)

از طرف دیگر، این رهبر الهی به فراخوانی جهانیان در برابر قدرت‌های شیطانی پرداخته و می‌فرماید:

«نه شوروی، نه آمریکا، نه سایر قدرت‌ها با ملت‌ها نمی‌توانند مقابله کنند؛ دنیا از آمریکای لاتین گرفته تا کشور شوروی، آمریکای مرکزی و همه جا، تمام دنیا، مظلومین دنیا بیدار شده‌اند... مظلومین باید برخیزند از جا و مظلومین باید داد خودشان را از ستمکار بگیرند». (۳)

این در حالی است که دشمنان انقلاب اسلامی که منافع مادی خود را

۱. صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۷۴.

۲. صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵.

۳. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۴۵.

در خطر نابودی می‌بینند؛ سعی در دمیدن روح یأس و بدبینی نسبت به آینده دارند.

مسأله مهدویت پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای آمریکا به طور جدی مطرح شد و این مهم در حالی بود که رئیس سازمان سیا گفته بود: «در مورد انقلاب ایران غافل گیر شدیم».

امروز، تلاش آمریکا - خصوصاً بعد از فروپاشی شوروی - در این است که خود را یگه‌تاز میدان کند و جهان را به سوی تک‌قطبی شدن و نظم نوین جهانی پیش برد و هرگونه ندای مخالف و قدرت دیگر را سرکوب کند.

لشکرکشی به خلیج فارس، جنگ در این منطقه و طرح خلع سلاح خاورمیانه، همگی برای پدید آوردن این باور که هیچ کس توان مقابله با شیطان بزرگ را ندارد و همگی باید تسلیم و مطیع او بوده و از دل بستن به انقلاب و بهبودی اوضاع ناامید باشند صورت گرفته است.

ولی ما نباید فراموش کنیم که شرایط نامساعد کنونی، حملات وحشیانه دشمنان، سرکوبی جنبش‌های اسلامی در عراق، الجزایر، بوسنی، حجاز، فلسطین، لبنان و... نباید ما را متزلزل سازد؛ چرا که پیروزی نهایی از آن حق است و در این میان، آنچه نابودشدنی خواهد بود، باطل است. (۱)

خدای بزرگ در قرآن کریم همواره روح امید و اطمینان و انتظار را به مؤمنین می‌بخشد و یأس را از کفر می‌داند (۲)؛ امید را برای مؤمنین رقم

۱. سوره اسراء، ص ۸۱.

۲. سوره یوسف، آیه ۸۷.

زده است (۱) و بهبودی شرایط و اوضاع (۲) و ایجاد محیط سالم و برقراری عدالت را در گرو سعی و کوشش مردم می‌داند (۳) و در چندین آیه، آینده درخشان پیروزی مؤمنین (۴) و حاکمیت مستضعفین بر زمین (۵) و برقراری حکومت جهانی اسلام و پیروزی دین اسلام بر سایر ادیان را نوید می‌دهد. (۶)

امروز، جنبش‌های اسلامی - به تاسی از ایران - در کشورهای عراق، الجزایر، حجاز، فلسطین، لبنان، سودان، افغانستان و... اوج گرفته است و می‌رود تا - ان شاء الله - پایه‌های پوسیده تمدن مادی را فرو ریزد و پرچم حق و عدالت را در سراسر جهان به دست توانای حضرت مهدی علیه السلام به اهتزاز درآورد و وعده **«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»** - یعنی پیروزی بر تمام ادیان عالم - را محقق سازد. ما امیدواریم که این انقلاب اسلامی به نهضت آن حضرت متصل شود چنان‌که امام خمینی رحمته الله فرمودند:

«من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل شود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن، نهضت ولی عصر - سلام الله علیه - است.» (۷)

۱. سوره نساء، آیه ۱۰۴.

۲. سوره رعد، آیه ۱۱.

۳. سوره نجم، آیه ۳۸.

۴. سوره روم، آیه ۴۷.

۵. سوره قصص، آیه ۵.

۶. سوره فتح، آیه ۲۸.

۷. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۷۵.

از آنجایی که هیچ انقلابی بدون نشانه‌های قبلی صورت نمی‌گیرد، در احادیث اسلامی نیز علائمی برای نزدیکی آن رستاخیز عظیم ذکر کرده‌اند.

اکنون مسلمانان و شیفتگان آن حضرت، مایلند که نشانه‌ها و زمان و مکان ظهور، چگونگی حرکت، مناطق درگیری، دوستان و دشمنان، مدت و اهداف حکومت آن بزرگوار را بدانند.

ما در مقام جستجو، نشانه‌های توجه به حضرت مهدی علیه السلام را تنها در بین دوستان نمی‌بینیم؛ بلکه در بین دشمنان نیز، بزرگترین فعالیت‌ها را مشاهده می‌کنیم؛ نظیر بازی کامپیوتری مشهور «یا مهدی» که اسم اصلی‌اش جهنم خلیج فارس است! و فیلمی به نام «نوسترا داموس» که در چند سال قبل (۱۳۶۱ هـ.ش) به مدت سه ماه متوالی در شبکه‌های تلویزیونی آمریکا به نمایش گذاشته شد.

این فیلم سرگذشت زندگی یک ستاره‌شناس و پزشک فرانسوی به نام میشل نوسترا داموس (Nostra damus) است که نزدیک به پانصد سال قبل می‌زیسته؛ وی پیش‌گویی‌های خود را درباره آینده به رشته تحریر درآورده که مهم‌ترین آنها، پیش‌گویی او درباره ظهور نواده پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه مکرمه و وحدت بخشیدن به مسلمانان و به زیر پرچم درآوردن آنها و پیروزی بر اروپائیان و ویران کردن شهر یا شهرهای بزرگ سرزمین آمریکا است.

به نظر می‌رسد که لابی صهیونیست و سازمان اطلاعات آمریکا در

ساختن این فیلم دست داشته باشند و هدف آنان از تهیه این فیلم، بسیج

نمودن مردم آمریکا و اروپا علیه انقلاب اسلامی ایران و مسلمانان است. همچنین پیام این فیلم این است که آمریکا و نظام حاکم بر غرب تنها سیستمی است که جهان را از خطراتی که در آینده رخ می‌دهد، حفظ می‌کند؛ زیرا آن را خطری می‌پندارند که غرب و تمدن آن را تهدید می‌کند، به ویژه وقتی که اضافات آنها را بر پیش‌گویی نوسترا داموس مورد توجه قرار دهیم.

شرح داستان از این قرار است که بعد از شکست اروپا به دست حضرت مهدی علیه السلام و نابودی موشک‌های غول‌پیکر واشنگتن و دیگر شهرهای آمریکا، رهبران آمریکا جهت رویارویی با آن حضرت، اقدام به بستن یک پیمان همکاری با روسیه می‌نمایند و سرانجام، آمریکا پیروز می‌گردد!

آن کتاب، مجموعه‌ای از پیش‌گویی‌هایی است که نویسنده‌اش به زبان قدیم فرانسه - لاتین - و با شیوه‌های رمزی و ابهام‌آمیز نوشته است و احتمالاً بر پاره‌ای از منابع اسلامی در مورد حضرت مهدی علیه السلام آگاهی یافته و یا با بعضی از علمای اسلام ملاقات نموده و ریاضت‌های باطنی را نیز تحمل کرده است؛ چنان‌که وی در نامه خویش به فرزندش می‌نویسد:

«پدرت به واسطه مکاشفه و الهام ربّانی و محاسبات دقیق، توانست پیش‌گویی‌های خود را مطرح سازد»^(۱).

کتاب او پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سرعت منتشر شد و تیراژ

چاپ‌های آن با شرح‌ها و تفسیرهای متعدد به صدها هزار و حتی گفته‌اند به میلیون‌ها نسخه رسیده است؛ آنگاه تبدیل به فیلم شد و در سینماها و شبکه‌های تلویزیونی در معرض دید میلیون‌ها تماشاگر اروپایی و آمریکایی قرار گرفت.

جالب این که، آنان به دلیل ترس و وحشتی که در درون خود از آن حضرت دارند؛ زمینه را برای او مهیا می‌نمایند؛ به گونه‌ای که شوق ما را نیز به دیدار نوادهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله - که در کنار کعبه ظهور می‌کند - برمی‌انگیزد. زمانی که یک مسلمان، حضرت مهدی علیه السلام را در فیلم نوسترا داموس می‌بیند که چگونه از اتاق عملیات به کمک ژنرال‌های بزرگ خود - به تعبیر فیلم - صحنهٔ جنگ را اداره کرده و با سردمداران کفر مبارزه می‌نماید و با پرتاب موشک‌های غول‌پیکر از قلب صحرای حجاز به پایگاه‌های کفر و استکبار در آمریکا و اروپا، آنها را در هم می‌کوبد؛ چقدر سرشار از امید و اشتیاق می‌گردد!

بنابراین ما در پی پاسخ‌گویی به اشتیاق انبوه مسلمانان و غیرمسلمانان که خواستار اطلاع و آگاهی از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمهٔ معصومین علیهم السلام در مورد چگونگی ظهور و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام بر دشمنان هستند، این نوشته را پی می‌گیریم.

امیدوارم خداوند به وسیله آگاهی از این نشانه‌ها و مقدمات ظهور، دل‌های مؤمنان و شیفتگان آن حضرت را سراسر امیدوار و خوش‌بین و دل‌های کفار و منافقان را مملو از ترس و هراس و یأس از آینده، قرار دهد؛ إته قریبٌ مجیبٌ.

چشم‌اندازی به روند ظهور

در این بخش سعی بر آن است که تصویری کلی و پیوسته از سرگذشت حضرت مهدی علیه السلام ارائه گردد. از اخبار و احادیث پیامبر گرامی و امامان معصوم علیهم السلام استفاده می‌شود که ظهور و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام - بعد از فراهم شدن مقدمات منطقه‌ای و جهانی - از مکه آغاز می‌شود؛ بدین‌گونه که شهر مقدس قم، معدن فضل و دانش و مرکز نشر و تبلیغ اسلام می‌شود و قم و ایران، حجت بر ملت‌های مسلمان و سایر ملل جهان می‌شود و کسی نمی‌ماند که دین و دانش به وی نرسیده باشد و این دوران، نزدیک به ظهور قائم است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«به زودی شهر کوفه از مؤمنان خالی می‌گردد؛ به گونه‌ای که مار در جایگاه خود فرو می‌رود علم نیز این چنین از کوفه رخت برمی‌بندد و از شهری به نام قم آشکار می‌شود و آن سامان معدن فضل و دانش می‌گردد؛ به نحوی که در زمین کسی در استضعاف فکری به سر نمی‌برد؛ حتی نوعروسان در حجله‌گاه خویش. و این قضایا نزدیک ظهور قائم به وقوع می‌پیوند.

خداوند سبحان، قم و اهلس را برای رساندن پیام اسلام، قائم مقام حضرت حجت می‌گرداند؛ اگر چنین نشود، زمین اهل خودش را فرو می‌برد و در زمین، حجتی باقی نمی‌ماند.

دانش از این شهر به شرق و غرب جهان منتشر می‌گردد؛ بدین‌سان بر مردم اتمام حجت می‌شود و کسی باقی نمی‌ماند که دین و دانش به وی نرسیده باشد؛ آنگاه قائم علیه السلام ظهور می‌کند و

ظهور وی باعث خشم و غضب خداوند بر بندگان می شود؛ زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی گیرد مگر بعد از آن که آنان وجود مقدس حضرت حجت را انکار نمایند». (۱)

البته اجرای این نقش اطلاع رسانی، نیاز به برپایی حکومتی شامل دستگاه های تبلیغاتی قوی دارد؛ که متوقف بر انقلاب اسلامی و نابودی رژیم طاغوتی و همکاری مردمی است که اطراف رهبر حقی که به سوی خداوند دعوت می کند، جمع شوند.

چنان که امام کاظم علیه السلام فرمود:

«مردی از قم، مردم را به سوی خدا دعوت می کند؛ افرادی گرد او جمع می شوند که قلب هایشان همچون پاره های آهن سستبر است که بادهای تند حوادث، آنان را نمی لغزاند؛ از جنگ خسته نمی شوند و نمی ترسند؛ اعتماد آنان بر خداست و سرانجام کار از آن پرهیزگاران است». (۲)

برقراری جمهوری اسلامی با قیام همه ملت ایران به رهبری امام راحل علیه شاه صورت پذیرفت و این انقلاب اسلامی - ان شاء الله - تا انقلاب جهانی مهدی علیه السلام تداوم می یابد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«گویا می بینم گروهی از مشرق زمین خروج می کنند و طالب حقتند اما آنها را اجابت نمی کنند؛ مجدداً برخواسته هایشان پافشاری می کنند اما مخالفان نمی پذیرند و وقتی چنین وضعی

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

را مشاهده می‌کنند، شمشیرها را به دوش کشیده، در مقابل دشمن می‌ایستند؛ این جاست که پاسخ مثبت می‌گیرند اما این بار نمی‌پذیرند؛ تا این که همگی قیام می‌کنند و درفش هدایت را جز به دست توانای صاحب شما - حضرت مهدی علیه السلام - به کسی دیگر نمی‌سپرند.

کشته‌های آنها شهید محسوب می‌شوند؛ اما اگر من آن زمان را درک می‌کردم، خویشتن را برای یاری صاحب این امر، نگه می‌داشتم». (۱)

متن این حدیث، به نقل علامه نعمانی - از محدّثین قرن سوم که در مقدمه کتاب الغیبه متعهّد شده روایاتی را نقل کند که به صحت آنها اطمینان داشته و از اساتید مورد وثوق خود شنیده باشد - این است:

«عن أبي جعفر عليه السلام، أنه قال: كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ؛ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَهُ، ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطُونَهُ، فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ. قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءَ، أَمَّا إِنِّي لَوْ أَدْرَكَتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتِ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ». (۲)

این حدیث با اندکی تفاوت، از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با سندهای متعدّد در ۴۳ کتاب روایی شیعه و سنی نقل شده است. (۳)

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳؛ غیبت، نعمانی، ص ۱۴۵-۱۴۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳؛ غیبت، نعمانی، ص ۱۴۵.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۸۱؛ ج ۳، ص ۳۶۹.

تبیین و تفسیر حدیث

این حدیث، در واقع یکی از معجزات امام باقر علیه السلام است؛ چون در آن، چند امر پیش‌گویی شده است؛

- ۱- قیام ملت ایران در پانزده خرداد سال ۱۳۴۲؛
- ۲- قیام ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷؛
- ۳- اظهار ندامت و توبه رژیم در آخرین لحظات حیات ننگین خود و تسلیم در برابر خواست مردم؛
- ۴- سرنگونی رژیم، تنها خواسته مردم؛
- ۵- پیروزی قیام ملت ایران علیه شاه؛
- ۶- تحقق جمهوری اسلامی؛
- ۷- تداوم این جمهوری تا انقلاب جهانی ولی عصر علیه السلام؛
- ۸- حقانیت این نظام و شهید نامیده شدن کشته‌های آن؛
- ۹- تحقق پیروزی انقلاب اسلامی در نزدیکی ظهور حضرت مهدی علیه السلام.

اما جملات امام باقر علیه السلام و استفاده مطالب فوق از حدیث:

نخست امام می‌فرماید: «کأنی بقوم قد خرجوا بالشرق یطلبون الحق»؛ این جمله خبر از تحقق یک قیام اسلامی در شرق می‌دهد که هدف آنها طلب حق است؛ بدیهی است که معیار حق، نزد امام علیه السلام چیزی جز اسلام نیست.

مراد از شرق - با توجه به دو روایت قبلی که درباره قم و قیام مردمی از قم که به سوی خدا دعوت می‌کند و پیروز می‌شود و این که دانش از قم به شرق و غرب عالم منتشر می‌شود - ایران است.

«فلا يعطونه»؛ رژیم از دادن حق مردم که برای آن قیام کرده، خودداری می‌کند. این جمله منطبق است بر قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ که ملت مسلمان به رهبری امام خمینی علیه السلام قیام کرد و هدف از این قیام، وادار کردن رژیم، در عمل کردن به دستورات اسلام بود؛ در آن موقع مسأله سرنگونی رژیم مطرح نبود.

امام، در یکی از سخنرانی‌های خود خطاب به شاه فرمود:

«ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می‌کنم، دست

بردار از این کارها؛ آقا! اغفال دارند می‌کنند تو را. من میل

ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی همه شکر بکنند».^(۱)

در جای دیگر، امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

«من نمی‌گویم تو مباش؛ باش ولی نوکر نباش؛ آقا باش!»

سخنان امام، در حد نصیحت بود و عمل کردن به قانون اساسی، لغو

لوايح ضد اسلامي و تعویض دولت مردان فاسد، در آن دیده می‌شد؛ ولی

رژیم به خواسته‌های به حق امام، اعتنا نکرد و با دستگیری ایشان، قبل از

جریان قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و آن کشتار وسیع - لا اقل برای مدت کوتاهی -

نفس را در سینه‌های مردم حبس کرد.

«ثمّ یطلبونه فلا یعطونه»؛ ثمّ، در ادبیات عرب، اشاره به تأخیر دارد؛

پس از گذشت مدّتی از قیام نخست، دوباره این مردم قیام می‌کنند که این

بار نیز در ابتدا، سردمداران رژیم، تسلیم خواسته‌های مردم نمی‌شوند. این

جمله اشاره دارد به قیام ۱۹ دی در قم و ۱۷ شهریور در تهران و چهل‌های

متعدد و برپایی مجالس اربعین شهدای قیام در شهرهایی نظیر قم، اصفهان، تبریز و یزد و... که در جریان این حرکت ها نیز مردم را به خاک و خون کشیدند و حق مردم را ندادند.

«فإذا رأوا ذلك وضعوا سيوفهم على عواتقهم»؛ ولی این بار ملت به رهبری امام، بر آن شدند که رژیم را ساقط کنند و جمهوری اسلامی تحقق یابد و ملت، با تأیید الهی، در برابر رژیم تا دندان مسلح ایستاد.

«فيعطون ما سألوا»؛ رژیم، که تصمیم ملت بر سرنگونی نظام شاهنشاهی را دید، چاره‌ای جز تسلیم نیافت؛ این جا بود که شاه، توبه‌نامه خود را از رسانه‌های همگانی پخش کرد و قول داد که اشتباهاتش تکرار نشود و آنچه مردم خواسته‌اند - از عدالت و آزادی و اسلام - به آنها عطا کند.

«فلا يقبلونه حتى يقوموا»؛ ملت، فریب توبه‌گرگ را نمی‌خورند و لبه تیز حمله، همواره متوجه نظام شاهنشاهی است و بالاخره انقلاب، در ۲۲ بهمن پس از نابودی رژیم طاغوت، به پیروزی می‌رسد.

«فلا يدعونها إلا إلى صاحبكم»؛ این جمله اشاره به تداوم انقلاب تا حکومت جهانی اسلام و ظهور حضرت بقیة الله دارد؛ چون امام باقر علیه السلام در این جمله می‌فرماید:

«پس از ساقط شدن طاغوت و تشکیل حکومت اسلامی، ملتی که این قیام را به ثمر رسانده، آن را جز به صاحب شما - حضرت مهدی علیه السلام - تحویل نمی‌دهد».

«قتلاهم شهداء»؛ در این جمله، امام پیش‌بینی کردند که درگیری‌هایی که از ابتدای قیام تا ظهور مهدی علیه السلام با مخالفین روی می‌دهد، برای

خداست و جنبه الهی دارد؛ به همین دلیل کشته‌های آنان شهیدند؛ مانند شهدای صدر اسلام.

«أما إني لو أدركتُ ذلك لاستبقت نفسي لصاحب هذا الامر»؛ این جمله دلالت دارد بر این نکته که پیروزی انقلاب مذکور، در زمانی نزدیک به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اتفاق می‌افتد؛ چرا که امام می‌فرماید: «اگر من آن زمان را درک کنم، خود را برای صاحب این امر، حفظ می‌کنم؛ تا هم‌رزم او در تشکیل حکومت جهانی اسلام باشم».

این جمله گویای این نکته است که شاید فاصله نهضت ایرانیان تا ظهور آن حضرت، از مدت عمر یک انسان بیشتر نخواهد بود و چون ظاهر گفته امام باقر علیه السلام این است که اگر نهضت آنها را درک کند، خویش را حفظ کند و این به طور طبیعی است نه به سبب معجزه؛ در نتیجه، هم اکنون ما وارد دوران ظهور و نزدیکی مقدمات آن شده‌ایم.

آغاز مقدمات ظهور را از احادیث امام صادق علیه السلام - که قبلاً نقل کردیم - نیز می‌توان دریافت؛ چون در حدیثی که درباره معدن فضل و دانش شدن قم و فضیلت اهلس آمده بود، این جمله جلب توجه می‌کرد که «و ذلك عند قرب ظهور قائمنا؛ و این قضایا نزدیک ظهور قائم ما به وقوع می‌پیوندد» (۱).

سپس این حکومت اسلامی، نام و یاد مهدی علیه السلام را در جهان زنده

می کند و زمینه ساز قیام حضرت مهدی علیه السلام می شود؛ چون رهبران این حکومت، خود را نایب و امانت دار مهدی علیه السلام می دانند.

چنان که پیامبر گرامی فرمود:

«مردمی از مشرق (ایران)، قیام می کنند و زمینه را برای انقلاب جهانی مهدی علیه السلام فراهم می سازند». (۱)

این حدیث از پیامبر گرامی در سی کتاب از کتب حدیثی شیعه و سنی با سندهای گوناگون نقل شده است.

همچنین از روایات استفاده می شود که برقراری حکومت اسلامی و به دست گرفتن رهبری جهان اسلام و تشکیل هسته های مقاومت حزب الله، با مخالفت شرق و غرب همراه است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

«هنگامی که پرچم حق برافراشته می شود، شرقی ها و غربی ها آن را لعن و نفرین می کنند! آیا می دانی برای چه؟ عرض شد: خیر؛ حضرت فرمود: برای آنچه که مردم با آن روبرو می شوند؛ از اهل بیت و فرزندان آن حضرت، پیش از ظهور وی». (۲)

آمادگی های جهانی - مضافاً بر آنچه گذشت - برای پذیرش مهدی علیه السلام، پس از شکست انواع ایسم ها و حکومت های مدعی برقراری عدالت و برابری و دموکراسی، حاصل خواهد شد.

امام صادق علیه السلام در رابطه با فلسفه تأخیر تحقق حکومت اسلام می فرماید:

«این امر (حکومت خاندان رسالت) تحقق نمی یابد مگر پس از

۱. ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۸۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۳.

گذشت زمانی که طرفداران انواع مکتب‌ها و ایدئولوژی‌ها بر مردم حکومت کنند؛ تا هیچ گوینده‌ای نتواند بگوید که اگر ما بر مردم حکومت می‌کردیم، قسط و عدالت را در جامعه پیاده می‌نمودیم! سپس حضرت قائم علیه السلام به حق و عدالت، قیام می‌کند». (۱)

شاید یکی از رازهای غیبت همین است که جامعه درک کند که هیچ آیین و نظامی غیر از مکتب اسلام، قادر به رهایی انسان از قید ظلم و ستم و بی‌عدالتی و جهل و هواپرستی نیست.

طبق بیان روایات، نبردی سخت در سطح جهانی، میان رومیان (غربی‌ها) و ترکان (روسی‌ها) به وجود می‌آید؛ تا جایی که به جنگ جهانی منجر می‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«حکومت اهل بیت پیامبر شما صلی الله علیه و آله که دارای علامات و نشانه‌هایی است، در آخرالزمان پدید می‌آید... از جمله آن نشانه‌ها جنگ بین رومیان و ترکان است؛ زمانی که رومیان و ترکان، دیگران را علیه شما بشورانند و نیروها بسیج گردند... و ترک‌ها با رومیان به مخالفت برخاسته و جنگ و درگیری در روی زمین افزایش یابد». (۲)

از جمله «تكثر الحروب فی الارض؛ جنگ و درگیری در زمین فزونی می‌یابد» استفاده می‌شود که هیچ قاره‌ای در روی زمین از جنگ و ستیز

۱. ر. ک: غیبت، نعمانی.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

ایمن نیست و هیچ جنگی آرامش نمی یابد مگر این که جنگ و درگیری دیگری آغاز می شود.

در مورد جنگ جهانی، جملاتی از خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام که در این زمینه است، نقل می کنیم؛ حضرت فرمود:

«آگاه باشید ای مردم! از من پرسید پیش از آن که فتنه و فساد - مانند شتری که در اثر رم کردن، مهارش زیر سم او قرار گیرد و بر ترس و اضطرابش افزوده شود - سرزمین شما را پایمال نماید و یا این که در مغرب زمین، آتش، جنگ بزرگی را با موادی قابل اشتعال دامن زند و...». (۱)

از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود:

«نزدیک زمان قائم علیه السلام دو نوع مرگ سرخ و سفید و ملخ هایی که به رنگ خون بوده و گاه و بی گاه آشکار می شوند، پدیدار می گردد؛ اما مرگ سرخ، یعنی شمشیر و مرگ سفید، طاعون است». (۲)

در سطح منطقه، دو حکومت طرفدار حضرت مهدی علیه السلام - در ایران و یمن - تشکیل می شود و اندکی پیش از ظهور آن بزرگوار، در بین ایرانیان دو شخصیت مطرح و ظاهر می شوند؛ یکی سید خراسانی به عنوان مرجع و مجتهد و رهبر سیاسی و دیگری شعیب بن صالح به عنوان رهبر نظامی. البته ظهور سید خراسانی همزمان با خروج سفیانی است؛ چنان که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۲-۸۳.

۲. ارشاد شیخ مفید، ص ۴۰۵؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۷.

«خروج سفیانی و خراسانی و یمنی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع می‌شود» (۱).

و از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«خروج سفیانی و یمنی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز است؛ مانند نظم و ترتیب دانه‌های تسیح که یکی بعد از دیگری است، جنگ از هر طرف روی می‌آورد» (۲).

در جنگی که به وسیله سفیانی، برای نابودی نیروهای طرفدار حضرت مهدی علیه السلام در سرزمین خراسان به پا می‌شود و طولانی می‌گردد، مردم با سید خراسانی بیعت می‌کنند و او را به عنوان رهبر خود قرار می‌دهند و ایشان فردی را به نام شعیب بن صالح به فرماندهی نیروهای مسلح خویش برمی‌گزینند و آنان نیروهای سفیانی را شکست می‌دهند و مقدمات حکومت حضرت مهدی علیه السلام را فراهم می‌کنند که این زمینه‌سازی، متصل به ظهور حضرت است و از خروج او تا تسلیم زمام امور به دست با کفایت حضرت مهدی علیه السلام، شش سال طول می‌کشد.

از محمد بن حنفیه نقل شده که فرمود: (۳)

«پرچم‌های سیاهی از بنی عباس و پس از آن پرچم‌های سیاه دیگری از خراسان خروج می‌کنند که حاملان آنها کلاه سیاه و سفید بر سر دارند؛ پیشاپیش آنان مردی است که وی را شعیب بن صالح می‌نامند؛ او از قبیله بنی تمیم است. آنان نیروهای

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰ و ۲۳۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰ و ۲۳۲.

۳. نسخه خطی ابن حماد، ص ۸۴.

سفینانی را شکست داده و در بیت المقدس فرود می‌آیند تا مقدمه حکومت حضرت مهدی علیه السلام را فراهم آورند؛ تعداد سیصد تن دیگر، از شام به او می‌پیوندند. فاصله خروج او تا تقدیم زمام امور به حضرت مهدی علیه السلام هفتاد و دو ماه می‌باشد». (۱)

نشانه‌های دیگر روزگاری که این حوادث در آن رخ می‌دهد، از زبان روایات، چنین است:

نخست، فتنه‌ای بر امت اسلامی وارد می‌شود که تنها با ظهور امام بر طرف می‌گردد؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«آنگاه فتنه‌ای پدید می‌آید و هر زمان صحبت از پایان آن می‌شود؛ ولی همچنان ادامه می‌یابد؛ به گونه‌ای که خانه‌ای نیست که آن فتنه داخل آن نشده باشد و مسلمانی نیست که سیلی آن را بر صورت خود، لمس نکرده باشد؛ تا آن‌که مردی از خاندان من ظهور نماید». (۲)

این فتنه در زمانی است که کافران بر کشورهای اسلامی، حکومت می‌کنند؛ چنان‌که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

«در این هنگام، گروهی از مشرق و جمعی از مغرب آمده و بر امت من فرمانروایی می‌کنند». (۳)

۱. ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۹۷ و ص ۴۰۲.

۲. نسخه ابن حماد، ص ۱۰.

۳. بشارة الاسلام، ص ۲۵.

از این فتنه، در زبان روایات، به نام «فتنة فلسطين» یاد شده است.
پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی که فتنه فلسطين رخ دهد، وضع شما همچون
برهم خوردن آب در مشک، آشفته می‌شود و چون وقت
پایانش فرا رسد، پایان پذیرفته و گروه اندکی از شما پشیمان
خواهید شد.» (۱)

به وجود آورندگان این فتنه و آشوب، رومیان (غرب) و ترکان
(روسیه) می‌باشند و زمانی که حوادث بزرگ در سال ظهور را شرح
می‌دهیم، نقش آنان را نیز بیان خواهیم نمود. ولی اکنون، تنها به یادآوری
روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام که در صفحات پیشین نقل کردیم، بسنده
می‌کنیم؛

«حکومت اهل بیت پیامبر شما که دارای علامات و نشانه‌هایی
است، در آخر الزمان پدید می‌آید؛ از جمله نشانه‌ها آن است
که رومیان و ترکان، دیگران را علیه شما بشورانند و نیروها بسیج
گردند.» (۲)

این فتنه فلسطين که به وسیله کفار ایجاد شده است طولانی خواهد
بود؛

امام باقر علیه السلام فرمود:

«این فتنه فلسطين طولانی خواهد بود؛ هر وقت می‌گویند تمام
شد، طولانی می‌گردد و از آن، راه فراری می‌جویند، اما

۱. نسخه خطی ابن حماد، ص ۶۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

نمی یابند^(۱) از ناحیه‌ای در صدد رفع آن بر نمی آیند مگر این که
از سوی دیگر آشکار می شود^(۲).

همچنین روایات، از حرکتی یاد می کند که در سوریه توسط عثمان
سفیانی - که از هواداران رومیان و هم پیمان با یهود است - بر پا می شود و
او سوریه و لبنان را یک پارچه در قلمرو حکومت خویش در می آورد؛
امام صادق علیه السلام فرمود:

«سفیانی از نشانه‌های حتمی ظهور است و خروج او از آغاز تا
انجام پانزده ماه به طول می انجامد؛ وی شش ماه کارزار
می کند؛ همین که بر پنج شهر دست یافت، نه ماه فرمانروایی
می کند.»^(۳)

علاوه بر سوریه، بر مناطق دیگری نظیر عراق، لبنان و... چنان که از
حدیث قبل استفاده می شود - تسلط می یابد و در واقع یک خط دفاعی
برای اسرائیل می سازد و پایگاهی برای رویارویی با ایرانیان - که
زمینه سازان ظهور حضرت مهدی هستند - قرار می دهد؛ از این رو اقدام به
تصرف عراق نموده و نیروهای وی وارد آن می گردند؛ امام باقر فرمود:

«گویا که من، سفیانی (یا رفیق او) را می بینم که در زمین های
سرسبز شما در کوفه، اقامت گزیده و منادی او ندا می دهد: هر
کس سر یک تن از شیعیان علی را بیاورد، هزار درهم پاداش
اوست؛ در این هنگام، همسایه بر همسایه حمله برده و

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۴۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۸.

می‌گوید: این شخص از آن‌هاست؛ گردن او را می‌زند و هزار درهم جایزه می‌گیرد. آگاه باشید که در آن روز فرمانروایی شما به دست حرام‌زادگان خواهد بود!...» (۱)

از روایات استفاده می‌شود که پس از ورود نیروهای سفیانی به کوفه و کشتار وسیعی که به راه می‌اندازند، نیروهای خراسانی برای مقابله و جنگ با آنها وارد کوفه می‌شوند و نیروهای سفیانی فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند؛ امام می‌فرماید:

«سفیانی وارد کوفه می‌گردد و آن شهر را سه روز بر همه مباح می‌گرداند؛ شصت هزار نفر از مردم این شهر را کشته و هیجده شب در آن جا می‌ماند... و یارانِ درفش‌های سیاه (خراسانی) نیز به آن جا روی آورده تا در نزدیکی آب، منزل می‌گزینند؛ خبر رسیدن آنها در شهر کوفه پیچیده و به گوش نیروهای سفیانی می‌رسد؛ آنان با شنیدن این خبر، فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند.» (۲)

در خبر دیگری از امام باقر علیه السلام، نحوهٔ ورود نیروهای خراسانی به عراق بیان شده است؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«تا این که خراسانی و سفیانی بر آنان (اهل عراق) خروج نموده و هر دو مانند دو اسب مسابقه، یکی از این جا و دیگری از آن جا به سوی کوفه حرکت می‌نمایند.» (۳)

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵.

۲. نسخهٔ خطی ابن حماد، ص ۸۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

از این که تشبیه به مسابقه شده است، معلوم می‌شود که تابع شرایط مناسب سیاسی و نظامی است؛ یعنی نیروهای ایرانی، منتظر جوّ سیاسی مناسبی برای ورود به کشور عراق هستند.

نیروهای ایرانی، منتظر ظهور قریب الوقوع حضرتند که پس از ظهور، برای تجدید بیعت به محضر ایشان می‌رسند؛

«پرچم‌های سیاهی که از خراسان خروج می‌کنند، به سوی کوفه فرود می‌آیند و با ظاهر شدن آن حضرت، برای تجدید بیعت، حضور ایشان شرف یاب می‌شوند» (۱).

در این هنگام نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام آشکار شده و شاید بزرگ‌ترین آن‌ها ندای آسمانی است که به نام او در بیست و سوم ماه رمضان شنیده می‌شود؛ از عبدالله بن سنان نقل شده که گفت:

«خدمت امام صادق علیه السلام بودم، شنیدم مردی از اهل همدان به امام می‌گوید که عامّه (اهل سنت) ما را نکوهش می‌کنند و می‌گویند شما عقیده دارید که نداکننده‌ای از آسمان ندا می‌کند و صاحب این امر را به نام معرفی می‌نماید! حضرت نشستند، آنگاه فرمودند: این مطلب را از من روایت نکن بلکه از پدرم نقل نما، و از این بابت بر شما ایرادی نیست؛ شهادت می‌دهم که پدرم فرمود: سوگند به خدا این مطلب در کتاب خدا آشکار است که می‌فرماید: اگر بخواهیم، معجزه‌ای از آسمان بر آنها فرو فرستیم که در برابر آن، سر تسلیم فرو آورند» (۲).

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۲.

«منادی از آسمان، نام صاحب این امر را بانگ می‌زند که فرمانروایی از آن فلان فرزند فلان است؛ پس کشتار برای چیست؟» (۱).

البته روایات ندای آسمانی، به حدّ تواتر معنوی می‌رسد که در ادامه بحث مطرح خواهد شد.

بر اساس روایات، پیش از ندای آسمانی، حضرت مهدی علیه السلام به طور سری با برخی از یاران و هواداران خود ارتباط برقرار می‌کند؛ اما معروف و عمومی شدن نام و یاد آن حضرت و جای گرفتن محبت ایشان در دل‌های مردم، پس از ندای آسمانی است؛ از سعید بن مسیب نقل شده که گفت:

«چون نداکننده‌ای از آسمان بانگ زند که حق با آل محمد صلی الله علیه و آله است، در آن هنگام نام مهدی علیه السلام بر سر زبان‌ها جاری شود و محبت او در دل‌ها قرار گیرد؛ در این ایام، مردم اندیشه‌ای جز او ندارند» (۲).

دشمنان، از شنیدن صیحه آسمانی و شیوع اخبار مهدی علیه السلام در بین مردم، سخت بیمناک می‌شوند؛ مضافاً که در مکه خلا سیاسی پدید می‌آید و این هم به خاطر کشته شدن آخرین پادشاه حجاز است؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس مرگ عبدالله (حاکم حجاز) را برای من تضمین کند؛ من ظهور قائم را برای او ضمانت می‌کنم. سپس فرمود: وقتی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۶.

۲. نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۲.

عبدالله درگذشت، مردم بعد از او با کسی برای حکومت توافق نمی‌کنند و این اختلاف و درگیری تا ظهور صاحب الامر ادامه می‌یابد و فرمانروایی‌های چند ساله، پایان یافته و حکومت چند ماهه و چند روزه فرامی‌رسد؛ سؤال کردم: آیا این ماجرا به طول می‌انجامد؟ فرمود: هرگز» (۱).

با مرگ حاکم حجاز و اختلاف بین قبایل و نزاع‌ها بر سر تاج و تخت و روی کار آمدن حکومت‌های چند ماهه و چند روزه، زمینه خوبی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام ایجاد می‌شود.

امام رضا علیه السلام فرمود:

«از جمله نشانه‌های فرج، حادثه‌ای است که بین حرم مکه و مدینه رخ می‌دهد؛ پرسیدم: آن حادثه چیست؟ فرمود: تعصب قبیله‌ای بین دو حرم به وجود می‌آید و فلانی از خاندان فلان، پانزده رئیس قبیله را به قتل می‌رساند» (۲).

با شیوع اخبار مهدی علیه السلام در عالم، واکنش استکبار جهانی به رهبری سفیانی، در سروسامان دادن به مناطق خیزش اسلامی، نظیر عراق و حجاز که حکومت‌های ضعیفی دارند متمرکز می‌شود؛ علت ضعف عراق، وجود حاکم فاسد و نفوذی است و علت ضعف حجاز، خلأ سیاسی و درگیری‌های قبیله‌ای و نفوذ نیروهای یمنی است.

مسأله مهم در حجاز، چشم دوختن مسلمین به مکه است که مهدی علیه السلام از آن جا ظهور می‌کند و چون خبر سکونت مهدی علیه السلام در مدینه و شروع

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

نهضت از مکه در بین مردم منتشر شده است، احتمالاً حکومت رو به زوال حجاز، از سفیانی تقاضای کمک می‌نماید یا این که نیروهای خارجی، جهت کنترل اوضاع حجاز و سرکوب قبایل، به سوی مدینه لشکرکشی می‌کنند؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«سفیانی، گروهی را به مدینه می‌فرستد و آنها مردی را در آن جا به قتل می‌رسانند؛ مهدی و منصور از آن جا می‌گریزند و کوچک و بزرگ خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله دستگیر می‌شوند و کسی نمی‌ماند مگر آن که زندانی می‌گردد و لشکر سفیانی به تعقیب آن دو مرد می‌پردازند». (۱)

ابن حمّاد از عبدالسلام بن مسلمه نقل می‌کند:

«سفیانی، لشکری را به سوی مدینه می‌فرستد و فرمان قتل همهٔ بنی‌هاشم - حتی زنان باردار - را صادر می‌کند... آنها آن قدر از بنی‌هاشم می‌کشند تا این که احدی از آنها در مدینه نمی‌ماند؛ چون یا کشته شده‌اند و یا به کوه‌ها و بیابان‌ها و مکه فرار کرده‌اند؛ تا این که امر مهدی علیه السلام ظاهر می‌شود و همگی دور او جمع می‌شوند». (۲)

حضرت مهدی که سپاه سفیانی برای دستگیری ایشان به مدینه آمده بودند - با اضطراب - از مدینه خارج می‌شود؛ از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

«سفیانی، گروهی را رهسپار مدینه می‌کند و آنها مردی را در

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۲۲.

آن جا به قتل می‌رسانند و مهدی و منصور از آن جا می‌گیرند...
 سپاه وی به جستجوی آن دو می‌پردازد و مهدی علیه السلام، بنا به
 دوش موسی علیه السلام - نگران و با اضطراب - بیرون می‌آید؛ تا آن که
 وارد مکه می‌شود». (۱)

به نظر می‌رسد که منصور یاد شده در روایت، که با حضرت مهدی علیه السلام
 خارج می‌شود، همان محمد - نفس زکیه - است که از یاوران امام
 مهدی علیه السلام است و حضرت، او را به مسجد الحرام می‌فرستد تا پیام آن
 بزرگوار را به گوش جهانیان برساند؛ اما او را به قتل می‌رسانند.

حضرت، در مکه با یاران خود تماس می‌گیرد تا این که قیام و حرکت
 خود را در شب دهم محرم، بعد از نماز مغرب و عشاء، از حرم شریف
 آغاز می‌کند؛ نخست، سخنرانی می‌کند.

روایات، در مورد چگونگی آغاز نهضت، ظهور و زمان آن، اندکی با
 هم تفاوت دارند؛ ولی آنچه بهتر به نظر می‌رسد، این است که امام علیه السلام،
 نخست در میان سیصد و سیزده تن از یاران خود ظهور می‌کند؛ آنگاه در
 غروب نهم محرم، یک یک داخل مسجد الحرام شده و نهضت مقدس
 خود را بعد از نماز عشاء، با ارسال پیام برای اهل مکه آغاز می‌کند؛ سپس
 یاران ایشان در آن شب، بر حرم و شهر مکه مسلط می‌شوند... و در روز
 دوازدهم محرم، پیام خود را متوجه جهانیان - به زبان و لغت آنان -
 می‌نماید...؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«همانا قائم علیه السلام، از راه کوه ذی طوی، با سیصد و سیزده مرد - به

عدد رزمندگان جنگ بدر - فرود می‌آید؛ تا این که به حجرالاسود تکیه داده و پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را برمی‌دارد. (۱)

امام صادق علیه السلام در مورد زمان همایش یاران مهدی علیه السلام فرموده است:

«خداوند سبحان، آنان را در شب جمعه، جملگی در مسجدالحرام گرد هم می‌آورد؛ با آن حضرت دست بیعت و وفاداری می‌دهند و هیچ یک از آنان سرپیچی نمی‌کند». (۲)

فرازهایی از خطابه حضرت مهدی علیه السلام در روایات آمده است. اکنون قسمتی از نخستین پیام آن حضرت، برای اهل مکه - که از زبان امام باقر علیه السلام این گونه نقل شده است - را یاد آور می‌شویم.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی علیه السلام، هنگام نماز عشاء ظهور می‌کند؛ در حالی که پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و دارای نشانه‌ها و نور و بیان است؛ وقتی نماز عشاء را به جای آورد، با صدای رسا و بلند خود می‌فرماید:

ای مردم! خدا را به یاد شما می‌آورم؛ شما اینک در پیشگاه خدا ایستاده‌اید؛ او حجت خود را برگزید و پیامبران را برانگیخت و کتاب آسمانی فرو فرستاد و شما را امر کرد که چیزی را شریک او قرار ندهید و اطاعت و فرمان برداری خدا و رسول او را بنمایید و زنده نگه دارید آنچه را قرآن زنده نگاه داشته و بمیرانید آنچه را که میرانده است. طرفداران راستی و

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۱۰.

هدایت و پشتیبان تقوا باشید؛ زیرا نابودی و زوال دنیا، نزدیک شده و اعلان وداع نموده است... و من، شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و احیای سنت او و ترک باطل، دعوت می‌کنم.

پس او به همراه سیصد و سیزده مرد - به شمار یاران بدر - که همچون ابر پاییزی پراکنده‌اند و زاهدان شب و شیران روزند - بدون قرار قبلی - ظهور می‌کند و خداوند، سرزمین حجاز را بر سر مهدی علیه السلام می‌گشاید؛ وی، هر کس از بنی هاشم را که در زندان به سر می‌برد آزاد می‌سازد؛ آنگاه درفش‌های سیاه، در کوفه فرود می‌آید (با اهل خراسان) و گروهی را جهت بیعت، به سوی مهدی علیه السلام گسیل می‌دارند و آن حضرت، لشکریان خود را به سراسر جهان می‌فرستد و ستم‌پیشگان را از میان برمی‌دارد و همه سرزمین‌ها به واسطه او به عدالت و درست‌کاری در می‌آیند. (۱)

تعبیر «ابرهای پاییزی» برای این است که این ابرها در آسمان پراکنده شده و سپس به هم متصل می‌گردند؛ این تشبیه، نخستین بار توسط حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۶۶ نهج البلاغه، در مورد یاران مهدی علیه السلام به کار رفته است و این احتمال نیز بعید نیست که ظهور حضرت مهدی علیه السلام در فصل پاییز باشد.

پس از سخنرانی برای مردم مکه و تصرف حرم و تسلط بر مواضع حساس مکه که بدون خونریزی صورت می‌گیرد، در روز عاشورا - که به

۱. ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۹۶.

مضمون روایات، روز شنبه است - حضرت مهدی علیه السلام، بر جهانی بودن نهضت خویش تأکید می‌کند و تمام ملت‌های مسلمان و غیر مسلمان جهان را به زیان خودشان، مورد خطاب قرار می‌هد و از آنان علیه کافران و ستمگران، یاری می‌طلبد؛ امام باقر علیه السلام فرمودند:

«قائم علیه السلام، روز شنبه، که روز عاشورا است - روزی که امام

حسین علیه السلام در آن روز به شهادت رسید - ظهور می‌کند». (۱)

مستکبرین شرق و غرب، در برابر پیروزی امام و اشتهار جهانی حضرت، واکنش شدیدی از خود نشان می‌دهند؛ آن‌چنان به خشم می‌آیند که به بدگویی و لعن و نفرین می‌پردازند؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی درفش حق آشکار گردد، اهل شرق و غرب بر آن نفرین

کنند. پرسیدم: چرا؟ فرمود: به سب آنچه که از بنی‌هاشم می‌بینند». (۲)

لشکری که در زمین فرو می‌رود

در این هنگام، سفیانی، سپاهی به سوی مکه - برای دستگیری امام پناهنده به کعبه - می‌فرستد که ناگهان در بین راه، معجزه موعود الهی، در مورد سپاه سفیانی اتفاق می‌افتد؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«پناهنده‌ای به خانه خدا پناه می‌برد؛ آنگاه لشکری به سوی او

فرستاده می‌شود تا آن‌که به بیابان مدینه می‌رسند و آن‌جا در زمین فرو می‌روند». (۳)

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

۲. همان، ص ۳۶۳.

۳. مستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۴۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«به زودی پناهنده‌ای به مکه خواهد آمد؛ هفتاد هزار سرباز، تحت فرمان مردی از قیس به آنجا فرستاده می‌شود؛ همین که آنها به محلّ ثبّه می‌رسند، آخرین فرد آنها وارد شده و اولین نفر آنان از آنجا خارج نمی‌شود؛ آنگاه جبرئیل ندا سر می‌دهد به گونه‌ای که صدایش به شرق و غرب می‌رسد: (ای بیابان!، ای بیابان!) بگیر آنها را که خیری در آنها نیست!

هیچ کس از نابودی آنها آگاه نمی‌شود مگر چوپانی در کوهستان که آنها را در حین هلاکت، نظاره می‌کند و از ماجرای آنها خبر می‌دهد؛ پس وقتی پناهنده به کعبه (مهدی)، داستان آنها را بشنود، بیرون می‌رود»^(۱).

پس از معجزهٔ فرو رفتن سپاه سفیانی، اخبار این حادثه به حضرت مهدی علیه السلام و سفیانی می‌رسد.

حضرت، پس از شنیدن جریان، با سپاهی متشکل از دوازده هزار نفر، از مکه خارج می‌شود^(۲) و آهنگ مدینه می‌کند؛ وقتی به محل هلاکت لشکر سفیانی می‌رسند، این آیه را تلاوت می‌کنند:

«آیا توطئه گران از این ایمن گشتند که ممکن است خدا آنها را در زمین فرو برد، و یا مجازات (الهی)، از آنجا که انتظارش را

۱. رک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۸۷.

۲. همان، ج ۱، صص ۵۰۳ و ۵۰۵.

ندارند، به سراغشان آید؟! * یا به هنگامی که (برای کسب مال و ثروت افزون‌تر) در رفت و آمدند، دامانشان را بگیرد در حالی که قادر به فرار نیستند». (۱)

در بین راه به حضرت خبر می‌رسد که فرماندار منصوب برای شهر مکه، به وسیله دشمنان وی کشته شده است؛ امام مجدداً به مکه باز می‌گردند؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«با قائم، بر اساس کتاب خدا و سنت رسول، در مکه بیعت می‌کنند و امام، فرمانروایی را از ناحیه خود در مکه می‌گمارد و آنگاه راهی مدینه می‌شود. در بین راه، به وی خبر می‌رسد که نماینده او را کشته‌اند؛ امام به مکه باز می‌گردد و فقط قاتل یا قاتلان او را به هلاکت می‌رساند». (۲)

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«وقتی امام به مکه باز می‌گردد، آنان (مکیانی که در قتل نماینده امام شرکت داشتند) سرافکنده و گریان و زاری‌کنان، نزد امام می‌شتابند و می‌گویند: ای مهدی آل محمد! توبه؛ توبه! در این وقت، امام آنها را موعظه نموده و اعلان خطر می‌نماید و از تبهکاری‌ها بر حذر می‌دارد و نماینده دیگری را انتخاب نموده و سپس راهی مدینه می‌گردد». (۳)

۱. سوره نحل، آیه ۴۵ - ۴۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

بنا بر بعضی روایات، امام - برخلاف مکه - در مدینه، دزگیر چندین نبرد خواهد شد که احتمالاً با بقایای نیروهای سفیانی و نیروهای حکومت و قریش صورت می‌پذیرد؛ خصوصاً آن‌که بعد از خراب کردن مسجدالنبی و محلّ قبر پیامبر^(۱) و بازسازی آنها، بهانه‌ای برای تحریک مردم، علیه امام وجود دارد؛ در این نبردها امام صدها تن را می‌کشد و بر آنها پیروز می‌گردد؛ امام باقر^(ع) - در روایتی طولانی - چنین فرموده است: «آنگاه که وارد مدینه می‌شوند، قریش از آنها پنهان می‌گردند؛ این گفته علی^(ع) درباره آنهاست که فرمود: به خدا سوگند! (در آن زمان) قریش آرزو می‌کنند که کاش من زمان کوتاهی - هر چند به اندازه زمان کشتن شتری - در میان آنان می‌بودم در برابر کلّ دارایی آنها...»

سپس در پی اقدامات امام، حادثه‌ای به وقوع می‌پیوندد؛ چون حادثه پدید آمد، قریش گوید: ما را نزد این طاغی ببرید، سوگند به خدا! اگر او محمدی و علوی و فاطمی بود، دست به این کار نمی‌زد. آنگاه خداوند، قریشیان را تسلیم حضرت مهدی^(ع) می‌گرداند و حضرت، قاتلان را به هلاکت رسانده و وابستگان آنها را به اسارت می‌گیرد. سپس حرکت نموده تا در شقره^(۲) فرود می‌آید؛ در آن جا خبر می‌رسد که نماینده او را در مدینه کشته‌اند؛ به سوی آنها باز می‌گردد و آن چنان نزاعی

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۳۰۶.

۲. نام محلی در حجاز، از سمت ایران و عراق.

به راه می‌افتد که کشتار حرّه^(۱) پیش آن ناچیز است... آنگاه رفته و مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می‌کند»^(۲).

پس از پیروزی بر حجاز و نابودی حکومت عربستان و قراردادن نمایندگان از جانب خود در شهرهای آن، امام همراه سپاه خود به سوی جنوب ایران حرکت می‌کند؛ چون عمده سپاه امام را - در جنگ بصره و خلیج فارس - ایرانیان تشکیل می‌دهند؛ بدین جهت و به خاطر بیعتی از ناحیه فرمانده نظامی نیروهای ایرانی - شعیب بن صالح و هاشمی - و همچنین برآوردن تمنای مشتاقان دیدار مهدی علیه السلام و ایجاد آمادگی در نیروها - برای جنگ بزرگ و سرنوشت‌ساز بصره - این سفر صورت می‌گیرد؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمود:

«سفیانی بعد از ورود به کوفه و بغداد، سپاهیان خود را در سراسر جهان پراکنده می‌سازد. در این برهه، احساس ترس و وحشتی از ناحیه ماوراءالنهر و اهالی خراسان به او دست می‌دهد؛ چراکه اهل مشرق برای هلاکت آنان یورش می‌آورند. وقتی این خبر به سفیانی می‌رسد، لشکر سترگی به فرماندهی مردی از بنی امیه به سوی اصطخر^(۳) می‌فرستد؛ در ناحیه

۱. شمار کشتگان حرّه - در صدر اسلام، بر اساس منابع تاریخی - هفتصد تن بوده و مزار آنان اکنون در بقیع می‌باشد.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۲.

۳. شهری قدیمی در جنوب ایران، حوالی اهواز.

قومس^(۱) و ری نبردهایی رخ می دهد. در این زمان سفیانی دستور قتل عام مردم کوفه و مدینه را صادر می کند و در همین هنگام، یاران پرچم های سیاه و پیشاپیش همه، مرد جوانی از بنی هاشم، که خود پرچمی در دست دارد روی می آورند که خداوند کارها را بر او آسان می گرداند. در مرز خراسان برخوردی پیش می آید؛ هاشمی در سر راه خود به سوی ری، مردی از بنی تمیم - که از موالیان (ایرانیان) است، به نام شعیب بن صالح - را به سوی اصطخر برای رویارویی با سفیانی فرامی خواند؛ سپاه حق در بیضای اصطخر یکدیگر را ملاقات می کنند. آنگاه بین سفیانی و آنان جنگی بزرگ رخ می دهد؛ به گونه ای که خون در روی زمین تا ساق پای اسبان می رسد. در این لحظه نیروی بسیاری از ناحیه سیستان، به فرماندهی فردی از بنی عدی به آن جا می رسند و بدین سان خداوند، یاران و سپاهیان حق را پیروز می گرداند... و آنگاه قومی از روستایان، بر آخوَص خروج می نمایند - آنها گروه هایی هستند که عموماً اهل کوفه و بصره می باشند - تا این که اسرای کوفه را رهایی می بخشند». (۲)

لازم به ذکر است که اصطخر مذکور در روایت، شهری قدیمی در جنوب ایران - در منطقه اهواز - است و در صدر اسلام، آباد بوده و آثار آن

۱. قومس به منطقه دامغان و سمنان اطلاق می شود.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۳۱۵.

در نزدیکی شهر مسجد سلیمان، هنوز دیده می‌شود. گفته می‌شود که شهر اصطخر را حضرت سلیمان بنا نموده و در فصل زمستان، در آنجا حکمرانی می‌کرده و گویا مسجد سلیمان هم مسجدی بوده که حضرت سلیمان علیه السلام آن را ساخته است.

مسأله بیعت با امام در حدیثی این‌گونه بیان شده است؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«یاران پرچم‌های سیاه، از خراسان به سوی کوفه می‌آیند و چون مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، گروهی را جهت بیعت به سوی او می‌فرستند» (۱).

این حدیث کنایه از ورود نیروهای ایرانی به عراق و تجدید بیعت با امام می‌باشد.

پس از ملاقات هاشمی خراسانی و شعیب بن صالح (رهبران سیاسی و نظامی ایران) و بیعت نیروها با حضرت مهدی علیه السلام و پیروزی در جنگ بزرگ بصره، امام وارد کوفه می‌شود؛ در این زمان، درگیری بین سه گروه وجود دارد که ظاهراً گروه اول، طرفداران آن حضرتند و گروه دوم، پیروان سفیانی و دسته سوم، شورشیانند؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«وارد کوفه می‌شود؛ در حالی که سه جناح دارای پرچم، شهر را آشفته نموده‌اند و پس از آن، زمینه برای ورود حضرت، مهیاست و شرایط کاملاً آماده پذیرش اوست؛ آن حضرت

وارد شده و با فرار گرفتن بر فراز منبر، لب به سخن می‌گشاید؛ ولی مردم از شدت گریه (شوق)، متوجه گفتار وی نمی‌شوند». (۱)

البته وجود سه گروه پرچم‌دار در عراق، با روایاتی که بر تسلط نظامی ایرانیان - بعد از شکست سفیانی - در آن کشور دلالت دارد، منافاتی ندارد؛ مانند حدیث بعدی، که این روایت در منابع شیعه و سنی به نحو مستفیض از امیر مؤمنان علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«درفش‌های سپاهی که در خراسان خارج می‌شود، در کوفه فرود می‌آید و زمانی که مهدی علیه السلام ظاهر شد - جهت بیعت مجدد - حضور آن بزرگوار، شرف‌یاب می‌شوند». (۲)

حضرت پس از پاک‌سازی عراق از نیروهای شورشی و معاند، آن را به مناطق تحت فرمان ضمیمه می‌کند و با مرکزیت بخشیدن به عراق، کوفه را پایتخت خویش قرار می‌دهد و بدین‌سان دامنه فرمانروایی و حکومت وی، شامل مناطق یمن، حجاز، ایران و عراق به اضافه کشورهای حوزه خلیج فارس خواهد شد و به این ترتیب، حضرت مهدی علیه السلام با خاطری آسوده از اوضاع داخل، به اوضاع خارجی و جنگ با دشمنان خود می‌پردازد که ابتدا با ترکان (روسی‌ها) درگیر می‌شود؛ چنان‌که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

«نخستین سپاهی که حضرت مهدی علیه السلام تدارک می‌بیند، به سوی ترکان (روسی‌ها) گسیل می‌دارد و پس از شکست و به

۱. ارشاد مفید، ص ۳۶۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

اسارت در آوردن آنها و به غنیمت گرفتن اموالشان، راهی شام گردیده و آن جا را فتح می‌کند» (۱).

سفیانی، پس از شکست از ایرانیان و اهل یمن در عراق و شکست از حضرت مهدی علیه السلام در حجاز (به واسطه معجزه فرو رفتن در زمین) عقب‌نشینی می‌کند و به جمع آوری و بازسازی نیروهای خود در داخل کشور شام جهت رویارویی با امام علیه السلام که با سپاه خویش راهی دمشق و قدس می‌باشد، می‌پردازد.

با پیروزی‌های پی‌درپی که برای حضرت مهدی علیه السلام حاصل شده، اوضاع عمومی منطقه، به نفع حضرت تغییر می‌کند و نهضت گسترده مردمی، در سوریه، اردن، لبنان و فلسطین برپا می‌شود؛ حضرت مهدی علیه السلام به سوی شام لشکرکشی می‌کند و در مرج عذرا - ناحیه‌ای در سی کیلومتری دمشق - اردو می‌زند؛ این امر، حکایت از این دارد که سفیانی از نگهداری مرزهای خود و ایستادگی در پیش‌روی سپاه حضرت مهدی علیه السلام، عاجز است و در پی این ناتوانی، پایتخت خود در دمشق را تخلیه می‌کند و به منطقه رمله - در داخل فلسطین؛ محل فرود نیروهای رومی (غربی) - تغییر مکان می‌دهد؛ از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«آنگاه وی (حضرت مهدی علیه السلام) به کوفه می‌آید و در آن جا تا هر زمان که خدا بخواهد، می‌ماند تا آن که ظهور نماید. سپس او و همراهانش به مرج عذراء می‌آیند؛ در حالی که بسیاری از

مردم به آن حضرت پیوسته‌اند و در این هنگام، سفیانی در منطقه رمله به سر می‌برد... تا این‌که یکدیگر را ملاقات می‌کنند و آن روز، روز شناخت مؤمنان واقعی است؛ مردمی که با سفیانی هستند از پیروی خاندان پیامبر، سر باز می‌زنند و عده‌ای از مردم که با آل پیامبر هستند به سوی سفیانی می‌گروند؛ آنها از پیروان او بوده، می‌روند تا به وی پیوندند. هر کس در آن روز به سوی درفش خود می‌شتابد... و آن روز، روز شناخت مؤمنان واقعی و ممتاز است» (۱).

امام علیه السلام با سفیانی مذاکره می‌کند و وی تسلیم می‌شود و با امام علیه السلام بیعت می‌کند، ولی پس از بازگشت به نزد حامیان یهودی و رومی خود، مورد سرزنش قرار می‌گیرد و مجدداً به مبارزه ترغیب می‌شود.

ابن حماد در کتاب خود، روایتی را نقل می‌کند:

«حضرت مهدی علیه السلام می‌گوید: پسر عموی مرا (۲) نزد من آورید تا با وی سخن گویم؛ پس او نزد حضرت آمده و با ایشان گفتگو می‌کند؛ وی زمام امر را به امام علیه السلام تسلیم و با او بیعت می‌کند؛ چون نزد یاران خود بازمی‌گردد، قبیله کلب، او را نادم و پشیمان می‌کند و به همین جهت، او برمی‌گردد و تقاضای فسخ پیمان می‌کند؛ امام نیز بیعت وی را فسخ می‌کند؛ آنگاه سفیانی لشکریان خود را برای جنگ با امام، بسیج می‌کند؛ ولی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

۲. امام علیه السلام و سفیانی از ناحیه اجداد به امیه و هاشم - که دو برادر بودند - می‌رسند، به همین جهت و با در نظر گرفتن چندین نسل قبل، پسر عموی یکدیگر به‌شمار می‌روند.

(امام علیه السلام) او را شکست می‌دهد و خداوند، رومیان را نیز به دست آن حضرت نابود می‌سازد». (۱)

شبه روایت فوق - با اندکی تفاوت - در منابع گوناگون آمده است. (۲) به هر حال، سفیانی از فرصتی که حضرت مهدی علیه السلام به او داده، استفاده نمی‌کند و مسلمانان هم موفق به ساقط کردن حکومت سفیانی نمی‌شوند و از این رو، وی و هم‌پیمانانش، نیروهای خود را برای جنگ بزرگی آماده می‌کنند؛ جنگی که محورهای آن - به گفته روایات - از عکا تا صور و از آنجا تا انطاکیه در ساحل دریا و از دمشق تا طبریه و داخل قدس را فرا می‌گیرد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نبرد را این‌گونه توصیف می‌کند که:

«خداوند، به سفیانی غضب می‌کند و بندگان خدا نیز به سبب خشم الهی، بر او خشمگین می‌شوند؛ پرندگان با بال‌های خود؛ کوه‌ها با صخره‌ها؛ فرشتگان با صداهایشان بر آنها صدمه می‌زنند و ساعتی نمی‌گذرد که خداوند، تمام یاران سفیانی را هلاک می‌سازد و جز او (سفیانی) کسی از دشمنان، در زمین باقی نمی‌ماند و امام مهدی علیه السلام وی را دستگیر نموده و در زیر درختی به قتل می‌رساند». (۳)

در روایت الزام الناصب (۴) آمده است:

۱. نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۷.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۰۵ و ۵۰۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۸.

۳. الملاحم و الفتن، ص ۱۲۳.

۴. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۰۴.

«یکی از فرماندهان سپاه مهدی علیه السلام به نام صیّاح خود را به سفیانی رسانده، او را دستگیر می‌کند و هنگام نماز عشاء او را نزد حضرت می‌آورد؛ حضرت درباره‌ی وی با یاران خود به مشورت می‌پردازد و آنان قتل او را مصلحت می‌دانند؛ آنگاه او را زیر سایه درختی که شاخه‌هایش آویخته است - مانند گوسفندی - سر می‌برند».

در این جنگ، یهودیان نیز شکست می‌خورند و شاید مراد از آیه **﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾** به دلیل روایتی که در تفسیر این آیه آمده و به امام مهدی علیه السلام و یاران او تعبیر شده، همین نبرد است که مسلمانان با یهود در آخرالزمان خواهند داشت.

در منابع اهل سنت، روایاتی در این زمینه وجود دارد که یکی از آنها روایتی است که از مسلم و احمد و ترمذی، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت فرمود:

«قیامت برپا نمی‌شود، مگر آن‌که بین مسلمانان و یهود، کارزاری رخ دهد؛ به گونه‌ای که مسلمانان، آنها را به هلاکت می‌رسانند. تا جایی که اگر شخص یهودی (محارب)، در پشت صخره و یا درخت پنهان شود، آن سنگ و درخت به صدا در آید و گوید: ای مسلمان! این یهودی (محارب) است که در پناه من مخفی شده؛ او را هلاک کن!». (۱)

با شکست سفیانی و یهودیان، حضرت مهدی علیه السلام پیروزمندانه وارد قدس می‌شود؛ در آن روز علاوه بر یاران ایرانی، عراقی و یمنی، تعداد

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۴۱۷.

زیادی از مردم، به امام ملحق می‌شوند و با سپاهی متجاوز از یک میلیون نفر، وارد بیت المقدس می‌شود؛ در روایات، تعداد محافظان حضرت را دوازده هزار نفر ذکر کرده‌اند؛ ابن حمّاد در کتاب خود می‌گوید:

«مردی از بنی‌هاشم در بیت المقدس وارد می‌شود که پاسداران وی دوازده هزار تن هستند.»

با پیروزی شکفت‌انگیز و قاطع امام علیه السلام و ورود ایشان به بیت المقدس شریف، گویا صاعقه‌ای آسمانی بر سر غریبان فرود می‌آید؛ طبیعی به نظر می‌رسد که آنها به جهت شکست هم‌پیمانان یهودی خود و از دست دادن هستی خود و از بین رفتن منافع حیاتی‌شان، گرفتار جنون و حالت روانی شوند و بر طبق محاسبات سیاسی و شناختی که ما از وضع کنونی آنها داریم (هر کجا که اوضاع را بر وفق مرادشان نیابند، دست به حمله نظامی می‌زنند)، از طریق هوا و دریا به امام و سپاه وی حمله‌ور شوند؛ بلکه از جنگ افزارهای شیمیایی خطرناک و سلاح‌های اتمی نیز استفاده کنند!

اما چنان‌که از روایات استفاده می‌شود، چند عامل اطمینان‌بخش در آن هنگام وجود خواهد داشت که شاید مهم‌ترین آنها فرود آمدن حضرت مسیح علیه السلام به بیت المقدس باشد، پس از آن حالت اضطراب و ترس که غربی‌ها از رویارویی با حضرت مهدی علیه السلام در عمق جان خویش احساس می‌کنند. علاوه بر این قبیل امدادهای باطنی و غیبی، امام علیه السلام از امداد ظاهری الهی نیز برخوردار است؛ مضافاً که از سلاح‌های مدرن و پیشرفته - که با سلاح‌های غربی برابری کند - در اختیار دارند.

فرود آمدن مسیح از آسمان

مسلمانان در مسأله فرود آمدن حضرت مسیح علیه السلام از آسمان به زمین

در آخرالزمان اتفاق نظر دارند و بیشتر مفسران، این آیه را که خداوند فرمود:

«هیچ کس از اهل کتاب نیست، مگر آن که پیش از مرگ، به وی (عیسی) ایمان خواهد آورد و روز قیامت، او بر نیک و بد آنان، گواه خواهد بود.» (۱)

به همین معنای فرود عیسی علیه السلام از آسمان تفسیر کرده‌اند؛ از جمله صاحب مجمع‌البیان، این تفسیر را از ابن عباس و ابن زید و قتاده نقل کرده است و علامه مجلسی در کتاب شریف بحار الانوار، آیه را به همین معنی تفسیر کرده است و از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«پیش از قیامت، عیسی به دنیا فرود می‌آید و هیچ کس از ملت یهود و مسیحی نمی‌ماند مگر آن که قبل از مرگ، به او ایمان می‌آورد و آن حضرت، پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌گزارد.» (۲)

راجع به فرود آمدن حضرت مسیح، از منابع شیعه و سنی احادیث فراوانی آمده است؛ از جمله این روایت مشهور که در ۳۸ منبع حدیثی شیعی و سنی آمده است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«چگونه خواهید بود، آنگاه که عیسی بن مریم در میان شما فرود آید و پیشوای شما از خود شما باشد؟» (۳)

و دیگر، حدیثی که در منابع مختلف اهل سنت - به طرق متعدد به نحو تواتر معنوی - از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

۱. سوره نساء، آیه ۱۵۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۳.

۳. ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۱۹.

«سوگند به آن که جانم به دست اوست! به طور یقین، عیسی بن مریم به عنوان داوری عادل و پیشوایی دادگر، در میان شما فرود خواهد آمد و صلیب را شکسته و خوگ را می‌کشد و مالیات (جزیه) وضع می‌کند و آنقدر مال می‌بخشد که دیگر کسی نمی‌پذیرد» (۱).

حدیث فوق که در ۱۹ کتاب حدیثی اهل سنت نقل شده است، می‌فرماید: جزیه وضع می‌کند؛ یعنی از اهل کتاب (یهود و نصاری)، جز اسلام یا کشته شدن را قبول نمی‌کند مگر این که جزیه پردازند؛ که این حکم هم برای مدتی محدود است و پس از مدتی حکم جزیه لغو می‌شود و تنها راه رهایی از مرگ، برای اهل کتاب، پذیرش اسلام خواهد بود.

فرود آمدن حضرت مسیح، موجب خوشحالی مسلمانان و مسیحیان جهان می‌شود؛ چرا که همگی منتظر فرود حضرت بوده‌اند.

در این میان، مسیحیان و غربی‌هایی که - به خاطر شکست هم‌پیمانان خود (سفیانی و یهود) در فلسطین و شام، از حضرت مهدی علیه السلام - در صدد جنگ با حضرت برآمده بودند، با فرود حضرت مسیح و حکمیت ایشان، به قرارداد صلح هفت ساله‌ای رضایت می‌دهند؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«بین شما و رومیان (غربی‌ها) چهار پیمان صلح برقرار می‌شود که چهارمین آن، به دست مردی از خاندان هرقل انجام می‌پذیرد و هفت سال به طول می‌انجامد.

مردی از عبدالقیس - به نام مستور بن غیلان - پرسید: ای پیامبر خدا! پیشوای مردم در آن روز چه کسی خواهد بود؟ فرمود: مهدی از فرزندانم که مردی چهل ساله به نظر می‌رسد؛ چهره‌اش

چون ستاره تابان می درخشد؛ برگونه راست او خالی وجود دارد؛ در حالی که دو قبای قطوانی به تن دارد، همچون مردان بنی اسرائیل جلوه می کند (۱)؛ وی گنجینه های زمین را استخراج نموده و شهرهای شرک آلود را آزاد می سازد (۲).

بنابر آنچه که در بعضی روایات آمده است، غربی ها پس از دو سال، پیمان صلح را می شکنند. شاید انگیزه پیمان شکنی آنان، ترس و وحشتی است که حضرت مسیح - در اثر ایجاد موج هم بستگی مردمی، در بین ملت های آنان - برایشان به وجود می آورد و در پی دعوت آن حضرت، بسیاری از غربی ها به آیین اسلام می گروند و حضرت مهدی علیه السلام را مورد تأیید خویش قرار می دهند. بنابراین طبیعی به نظر می رسد که در پی انتقام برآیند؛ لذا روایات بیان می کند که رومیان (غربی ها) در یک هجوم ناگهانی - با نزدیک به یک میلیون سرباز - به سرزمین شام و فلسطین یورش می آورند؛ ذی مخمر - که از یاران پیامبر است - می گوید: از رسول خدا شنیدم که فرمود:

«ثمّ يأتيكم في ثمانين غاية تحت كلّ غاية اثنا عشر ألفاً؛ با

ارتشی متشکل از هشتاد لشکر و هر لشکر با دوازده هزار سرباز

به سوی شما حمله می کنند» (۳).

نیروهای اسلام، رویاروی آنها قرار می گیرند و حضرت مسیح، موضع

۱. یعنی شبیه فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام است.

۲. ر.ک: بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۰ و معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۴۱.

خود را هماهنگ با حضرت مهدی اعلام داشته و پشت سر وی در قدس نماز می‌گزارد و آیینی را به جز اسلام نمی‌پذیرد؛ یهود و مسیحیت و افراد آنان را تکذیب می‌کند و خود را به عنوان وزیر امام علیه السلام معرفی می‌کند؛ نه امیر مسلمین. (۱)

نبرد با رومیان (غربی‌ها) در همان محورهای نبرد آزادی قدس، از عکا تا انطاکیه و از دمشق تا قدس و مرج دابق روی خواهد داد که شکست سختی متوجه رومیان و پیروزی بزرگ و آشکاری نصیب مسلمین می‌گردد.

ابن حمّاد در روایتی نقل کرده است:

«بین مهدی و فرمانروای طغیانگر روم - پس از کشته شدن سفیانی و به غنیمت در آمدن هستی قبیله کلب - صلحی برقرار می‌شود؛ به گونه‌ای که بازرگانان شما و آنها به کشورهای یکدیگر رفت و آمد می‌کنند؛ در این میان، آنها سه سال به ساختن کشتی‌های خود می‌پردازند (نیروی دریایی خود را مجهز می‌کنند)؛ تا آن‌که کشتی‌های رومیان، در سواحل بین صور تا عکا لنگر می‌اندازد و آن‌جا صحنه کارزار می‌شود». (۲)

حذیفه بن یمان از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

«بین شما و بنی‌اصفر، صلحی برقرار می‌شود... آنها به شما خیانت می‌کنند و با هشتاد لشکر، از راه زمین و دریا به شما حمله‌ور می‌شوند که هر لشکر، شامل دوازده هزار سرباز است و

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۴۰ - ۳۴۱.

۲. ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۴۳.

بین یافا و عکا فرود می آیند. فرمانده آنها کشتی هایشان را به آتش می کشد و به یاران خود دستور می دهد که از سرزمین و کشورتان دفاع کنید! آنگاه جنگ و کشتار، از دو طرف آغاز می شود و سربازان به کمک یکدیگر می شتابند؛ حتی کسانی که در حضرموت یمن هستند، به یاری شما می آیند. در آن روز، خداوند با نیزه و شمشیر و تیر خود به آنها ضربه می زند و به سبب آن، در میان آنها بزرگ ترین کشتار واقع می گردد». (۱)

مشابه روایت فوق و با اندکی فزونی در مجامع روایی ما به چشم می خورد:

«... خداوند در آن روز به وسیله باد، قوای حضرت مهدی علیه السلام را یاری می کند؛ به گونه ای که چند هزار کشتی دشمنان را نابود می کند و جز تعداد اندکی از آنها باقی نمی ماند و آنان مسلمانان را تعقیب می کنند تا به قسطنطنیه می رسند». (۲)

پس از این کارزار، دروازه های پیروزی جهت فتح اروپا و آمریکا به روی حضرت مهدی علیه السلام گشوده می شود و ظاهراً بسیاری از کشورها به وسیله انقلاب درونی توسط ملت های خودشان فتح می شود و حکومت های طرفدار حضرت مهدی علیه السلام بر سر کار می آید؛ در منابع شیعه و سنی آمده است که:

«حضرت مهدی علیه السلام به همراه سپاه خود، رهسپار روم (غرب) می شوند و شهرهای آن را با گفتن تکبیر و حملات برق آسا،

۱. ر.ک: نسخه خطی ابن حماد، ص ۱۴۱.

۲. ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۵۵-۳۷۰.

آزاد می‌نمایند».

کسائی در قصص الانبیاء نقل کرده است:

«حضرت مهدی علیه السلام با نیروی صد هزار نفری خود، رهسپار شهرهای روم (غرب) می‌شوند؛ حضرت، حاکم روم را دعوت به ایمان می‌کند؛ او از پذیرش اسلام، سرباز می‌زند. پس از جنگ دو ماهه، خداوند، حضرت مهدی علیه السلام را یاری می‌کند. در این جنگ عدّه زیادی از یاران حضرت، به شهادت می‌رسند».

با تکبیرهای حضرت، در دروازه‌های (دژهای) هفت‌گانه شهر، گشوده می‌شود و شهر به تصرف حضرت درمی‌آید و تعداد زیادی از رومیان کشته و بسیاری نیز تسلیم می‌شوند».^(۱)

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«آنگاه رومیان به دست آن حضرت، اسلام می‌آورند؛ برای آنان مسجدی بنا می‌کند و مردی از یارانش را جانشین و نماینده خود قرار می‌دهد و باز می‌گردد».^(۲)

نعیم بن حمّاد روایت کرده است که حضرت مهدی علیه السلام بر کشور هند و آنچه که بین شرق و غرب عالم، وجود دارد، تسلط پیدا می‌کند.^(۳)

حدیفة بن یمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که:

«خداوند، حضرت مهدی علیه السلام را بر عالم، پیروز می‌گرداند؛ به

۱. همان، ص ۳۴۷.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۵۱؛ به نقل از بحار الانوار.

۳. الملاحم و الفتن، ص ۸۱.

گونه‌ای که در روی زمین، احدی نمی‌ماند مگر این‌که
لا اله الا الله می‌گوید». (۱)

پس از فتح عالم و یک‌پارچگی تمام دولت‌های جهان به صورت
یک حکومت الهی و اسلامی، امام جهت تحقق بخشیدن به اهداف الهی -
در ابعاد گوناگون - در میان ملت‌های جهان، اقدام می‌کند و برای تعالی
بخشیدن و شکوفایی زندگی مادی و معنوی و رفاه همگانی و گسترش
فرهنگ و دانش و بالا بردن سطح آگاهی دینی و دنیایی مردم، می‌کوشد.
طبق برخی روایات، میزان افزایش دانش بشر در دوران حکومت آن
حضرت، نسبت به دانسته‌های مردم در عصر قبل از ظهور، به نسبت ۲۷ به
۲ است؛ یعنی افزون بر دو جزء علمی که قبلاً تحصیل کرده‌اند، ۲۵ جزء
دیگر خواهند آموخت؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«دانش، بیست و هفت شاخه است و مجموع آنچه پیامبران
آورده‌اند، دو شاخه است و مردم تا آن روز بیش از دو شاخه را
نمی‌دانند؛ و چون قائم قیام کند، بیست و پنج شاخه دیگر را
برون آورده و در میان مردم منتشر می‌سازد و بدین سان بیست
و هفت جزء دانش را گسترش می‌دهد». (۲)

پس از پیروزی حضرت مهدی علیه السلام بر شرق و غرب عالم و فتح
قسطنطنیه (روم شرقی) و پیدایش عشق و علاقه به آن حضرت در دل‌های
آزاده، یک فتنه و آشوب و حرکت انحرافی به وسیله دجال یک چشم و
همراهی هفتاد هزار یهودی - از یهودیه اصفهان یا مرو و یا عراق برای

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۵۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

فریب انسان‌ها - آغاز می‌شود؛

از پیامبر گرامی نقل شده که فرمود:

«دجال، از یهودیه اصفهان خارج می‌شود و با او هفتاد هزار نفر یهودی است». (۱)

جالب این که در تعبیر روایات، از لفظ «ثم» استفاده شده است؛ مثلاً در حدیثی از محمد بن حنفیه آمده است:

«تكون هدنة الروم... ثم يغدرون به... ثم تكون هزيمتهم و فتح القسطنطينية... ثم يسير إلى رومية فيفتحها... ثم يرجع إلى بيت المقدس و يخرج الدجال؛ قرارداد صلح بسته می‌شود؛ سپس آنها پیمان را می‌شکنند و پس از پیمان‌شکنی، در اثر جنگ، نابود می‌شوند و قسطنطنیه آزاد می‌شود؛ سپس به بیت المقدس برمی‌گردند و پس از آن، دجال خروج می‌کند». (۲)

چندین حدیث دیگر نیز شبیه این روایت نقل شده است که در صفحات ۳۴۷ تا ۳۵۴ جلد اول معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام به چشم می‌خورد؛ این روایات، تسلسل زمانی موارد فوق را بیان کرده است. حرکت انحرافی دجال، با بهره‌گیری از روش‌های پیشرفته علوم و چشم‌بندی، برای فریب جوانان و زنان - که بیشترین پیروان او را تشکیل می‌دهند - صورت می‌گیرد و موجی به وجود می‌آورد؛ او همه تلاش خود را صرف این می‌کند که مردم، فریب‌کاری او را باور کنند تا شاید بتواند

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۲۲.

۲. همان، ص ۳۴۶.

بدین وسیله، با تبلیغات جذّاب حضرت مهدی علیه السلام مقابله می کند.

ولی دیری نمی پاید که حضرت مهدی علیه السلام، نیرنگ وی را آشکار می سازد و این فتنه - که توسط یهودیانی که بعد از نابودی اسرائیل، از فلسطین به غرب فرار کرده بودند، به وجود آمده است - نقش بر آب می شود و حضرت، فتنه و فتنه گران، که در رأس آنها دجال است را نابود می کند و دجال را به قتل می رساند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند تبارک و تعالی، چهارده نور را قبل از آفرینش سایر مردم به چهارده هزار سال آفرید؛ و آن، روح ما می باشد؛ از ایشان پرسیدند: آن چهارده نور، چه کسانی هستند؟ فرمود: محمد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و ائمه ای که از ذریه حسین هستند؛ آخرین آنها قائم است که بعد از غیبت، قیام می کند و دجال را می کشد و زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می کند» (۱).

و بدین ترتیب، خداوند بزرگ، مستضعفان را حاکمان زمین قرار می دهد و در پی آن، امنیت و آرامش را در سراسر جهان مستقر می نماید و زندگی بشریت را به وسیله مهدی علیه السلام دگرگون می سازد و فصل نوینی از حیات طیبه را به روی انسانیت می گشاید.

مأموریت آن حضرت، تنها منحصر به از نو زنده کردن اسلام و برپایی تمدن عادلانه و الهی و پرتوافشانی آن بر جهان نمی باشد؛ بلکه علاوه بر

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۱۳۴.

این همه، آن حکومت بزرگ، ترقی و تکامل زندگی بشر را از لحاظ مادی و طبیعی نیز موجب می‌شود؛ به گونه‌ای که با مراحل گذشته - هرچند که مترقی و پیشرفته بوده - قابل مقایسه نخواهد بود.

در سراسر کره زمین، عدل و داد به پا خواهد کرد و اختلافات را از بین خواهد برد و منادی آسمان، پایان حکومت و دولت ستمگران و جباران و منافقان و طرفداران آنان را اعلام خواهد نمود. (۱)

در روزگار مهدی علیه السلام، درهای عالم غیب بر روی این جهان مادی گشوده می‌شود.

در دوران ظهور آن عزیز و بعد از آن، شماری از پیامبران، به زمین باز خواهند گشت و تا هر زمان که اراده حق تعالی باشد، فرمانروایی خواهند کرد.

امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر آیه‌ای از قرآن کریم که می‌فرماید: «آن خدایی که قرآن را بر تو فرض گردانید، البته تو را به جایگاه خود باز می‌گرداند»، فرمود: «پیامبر شما به سویتان رجعت نموده و باز می‌گردد». (۲)

در برخی از روایات آمده است که رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رجعت امامان است و نخستین کسی که از آنان، دوباره به دنیا برمی‌گردد، امام حسین علیه السلام است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. همان، ج ۱، ص ۵۰۶.
۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۶.

«نخستین کسی که به دنیا بازگشت می‌کند، حسین بن علی علیه السلام است و آنقدر حکومت و فرمانروایی می‌کند که - در اثر پیری - ابروانش بر روی چشم‌هایش فرو می‌افتد.» (۱)

تاکنون، تصویر کلی مقدمات، دوران ظهور و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام و پس از آن، به طور اجمالی بیان گردید؛ به خواست خداوند حکیم، مسأله نشانه‌های ظهور را با شرح و بسط بیشتری بررسی خواهیم کرد.



فصل سوم:

شرایط و نشانه‌های ظهور

شرایط و نشانه‌های ظهور

نشانه‌های انقلاب حضرت مهدی علیه السلام

از آنجایی که هیچ انقلابی بدون نشانه‌های قبلی صورت نمی‌گیرد، در احادیث اسلامی نیز علائمی برای نزدیک شدن آن رستاخیز عظیم، ذکر کرده‌اند.

مقدمه

بعضی از نشانه‌ها قابل پیش‌بینی است؛ مثلاً اگر ظلم و ستم و تجاوز به حقوق مردم، گسترش پیدا کند، طبیعی است که مفسد اخلاقی - اجتماعی پدیدار می‌گردد و گسترش ستم و فساد، بذرهای انقلاب را آبیاری می‌کند و بحران اوج می‌گیرد؛ در روایات اسلامی، به طرز معجزه‌آسایی، روی این سلسله از عوامل اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و اعتقادی دست گذاشته شده که به طور اجمال شرایط ظهور عبارت است از آمادگی فکری و فرهنگی جهانی برای پذیرش دعوت حضرت و حکومت واحد جهانی و قطع امید و مأیوس شدن مردم از مکتب‌ها و سازمان‌های بشری و فراگیر شدن فساد و انحراف اخلاقی و ظلم و ستم سیاسی، اقتصادی و به تنگ آمدن مردم از

وضع موجود و احساس نیاز به مصلح کل همراه با تهذیب نفس و اصلاح درونی و پیدا شدن ۳۱۳ نفر اصحاب خاص و تکمیل شدن ارکان حکومت، مضافاً عواملی که از طرق اطلاعات عادی نمی‌توان به آنها پی برد - و بیشتر، شکل یک پیش‌گویی را دارد - نیز تبیین شده و اکنون این شما و این هم نشانه‌ها:

حوادث و وقایعی که از ابتدای غیبت تا هنگام ظهور رخ می‌دهد و پیش‌گویی شده، دو نوع است:

۱- آنهایی که علامت ظهور و نشانگر نزدیکی ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

۲- حوادثی که اتفاق می‌افتد؛ خواه صد سال قبل از ظهور، یا پانصد سال؛ به هر حال این حوادث، در دوران غیبت، اتفاق می‌افتد و جنبه علامت بودن ندارد.

متقدمین از علما از آن‌جا که نظر به تحقیق نداشتند و بیشتر قصد جمع‌آوری آنچه که تا قبل از ظهور واقع می‌شود را داشتند، همه روایات را یک‌جا - بدون ملاحظه تقدم و تأخر وقوع - ذکر کرده‌اند و همه را به نام علائم ظهور نامیده‌اند؛ چنان‌که مرحوم شیخ مفید فرموده:

«نشانه‌های قیام حضرت قائم علیه السلام و حوادثی که قبل از قیام آن بزرگوار به وجود می‌آید، در روایات آمده است؛ از جمله خروج سفیانی و کشته شدن حسنی و اختلاف بنی عباس و روی آوردن پرچم‌های سیاه از خراسان و خروج یمنی و ظاهر شدن ملخ‌ها که به کشتزارها روی می‌آورند و باریدن بیست و چهار باران پشت سر هم که بعد از این بارش‌ها بر زمین، برکاتش ظاهر

می‌شود و هر ناراحتی و مرض جسمی از پویندگان حق و پیروان مهدی علیه السلام رخت برمی‌بندد و طبق گفته روایات، در این بحبوحه است که یاران آن حضرت از ماجرای ظهور آن بزرگوار، از شهر مکه، آگاه شده و جهت یاری وی متوجه آن حضرت می‌شوند. برخی از این حوادث که ذکر شد، حتمی و برخی دیگر دارای شرایطی است و خدای سبحان به چگونگی آن آگاه است و ما این حوادث را به گونه‌ای که در کتب تاریخ و روایات بوده ذکر کردیم و از خدای بزرگ یاری می‌طلبیم». (۱)

مرحوم مفید، خلاصه‌ای از نشانه‌های دور و نزدیک ظهور را که بالغ بر ۴۸ علامت می‌شود، ذکر کرده و ما بعضی از آنها را از کتاب ایشان ذکر کردیم.

چنان‌که ملاحظه شد، ایشان در صدد ذکر حوادث، به ترتیب وقوع و رعایت تقدّم و تأخر نبودند؛ چون بین بعضی از حوادثی که ذکر کرده، مثل کشته شدن نفس زکیّه و سر بریدن مرد هاشمی بین رکن و مقام، فاصله‌ای بیش از دو هفته با ظهور حضرت، وجود ندارد؛ در حالی که بعضی دیگر از نشانه‌ها، مثل: اختلاف بنی عباس - بین خودشان - و ظاهر شدن مغربی و تصرف شامات و جنبش فاطمیان، قرن‌های زیادی تا ظهور حضرت، فاصله دارد و بنا بر تصریح مرحوم مفید، کتاب‌های تاریخ نیز، حوادث را بدون رعایت تقدّم و تأخر، ذکر کرده‌اند.

۱. ارشاد شیخ مفید، ص ۳۳۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۹-۲۲۱.

علمای ما پس از وقوع این حوادث که به عنوان نشانه‌های ظهور ذکر شده است، مثل انقراض بنی عباس و اختلاف آنها، خرابی مسجد برائثا، نابودی بنی امیه و... با این اعتراض مخالفین روبرو شدند که چرا علامت‌ها ظاهر شد، ولی مهدی علیه السلام ظاهر نشد؟ ناچار شدند که بگویند: اینها علامات حتمی نبوده، در حالی که اخبار، مسائلی چون انقراض بنی عباس را از امور حتمی شمرده است.

همه اینها به خاطر این است که وقایع را از علامت‌ها جدا نکرده‌اند و اگر مسائل، تفکیک می‌شد، شاید مورد اعتراض واقع نمی‌شدند. وقایعی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام پیش‌گویی کرده‌اند، دو نوع است:

۱- وقایع عمومی: اختصاص به عصر غیبت ندارد؛ مثلاً این که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند که زود است بعد از من، یا در امت من، چنین و چنان شود، یا در آخر الزمان، چنین و چنان شود، حتماً در مقام بیان ترتیب زمانی وقایع دوران غیبت نبوده‌اند؛ بلکه کلام ایشان ناظر بر معنایی وسیع‌تر است و شامل تمام دوران پس از آن حضرت تا قیام قائم علیه السلام می‌شود، گرچه ممکن است که برخی از آن حوادث، مقارن با ظهور باشد و از مقدمات آن محسوب شود و بعضی نه؛ پس لازم نیست نشانه‌ها به هم چسبیده باشند بلکه بعضی از نشانه‌ها ممکن است خیلی جلوتر از ظهور، اتفاق افتد؛ مثلاً فتنه‌های عصر شیخ مفید، نظیر سقوط پی‌درپی شهاب‌ها و شنیده شدن صدای هول‌ناک و طغیان آب رود بصره که در سال ۴۱۰ هـ.ق واقع شد را نشانه آغاز نهضت دانستند، در حالی که نهضت واقع نشد.

در مجموع، ممکن است که این فتنه‌ها مفهومی عام داشته باشد و همه فتنه‌های دوران غیبت کبری را شامل شود؛ در حدیثی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود:

«قومی در آخر الزمان پیدا شوند که لباس پشمینه در تابستان و زمستان بپوشند و در این کار، برای خود بر دیگران، امتیازی بینند؛ ملائکه آسمان آنها را لعنت می‌کنند.»

این حدیث، اشاره به صوفیه است؛ ابوهاشم که مؤسس مکتب تصوّف است، در عصر امام باقر علیه السلام ظاهر شد؛ پس مراد از آخر الزمان، آخر عهد خود آن حضرت است و این حدیث، حتی اختصاص به زمان غیبت هم ندارد؛ چرا که این جریان در زمان امام حاضر اتفاق افتاد. پس اینها اموری است که ممکن است بعدها نیز واقع شود ولی مختص به زمانی غیر از زمان دیگر نیست.

پس مراد از وقایع، اعم از آنهایی است که حدوث آنها در عصر غیبت باشد یا پیش از آن. به هر حال مجموعه این روایات، فوائد و ثمرات بسیاری دارد که از جمله ثمرات این پیش‌گویی‌ها این است که روح تنبّه و بیداری و عبرت‌گیری را در مردم، زنده می‌کند.

۲- وقایع خصوصی: آنهایی است که نه جنبه علامتی دارد و نه تصریح به وقت واقع شدن آن شده است، البته نشانه‌هایی که مقدمه ظهور است، به این معنی نیست که همگی با هم باشند؛ پس هرچند که بعضی از آنها اتفاق افتاده است، ولی باید منتظر بقیه آنها باشیم و به قول امام صادق علیه السلام:
 «خداوند به خاطر عجله بندگان، در کارها عجله نمی‌کند.»

اخباری که نشانه‌ها را نقل کرده، بعضی تصریح کرده و بعضی کنایه دارد؛ بعضی مجمل و بعضی مبین است. در نتیجه باید منتظر بود که اوضاع، آن را تفسیر کند. این نشانه‌ها، تیری در غیب نیست؛ بلکه پیش‌گویی‌هایی است که بعضی از آنها محقق شده و برخی هنوز محقق نشده است.

نشانه‌های حتمی ظهور

این احادیث که از طرق مختلف، به ما رسیده است، از منبع وحی و از رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام صادر شده است.

در بعضی از این روایات، مواردی که از نشانه‌های حتمی است، به این صورت آمده است؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

«النِّدَاءُ مِنَ الْمُحْتَمِ، قَتَلَ النَّفْسَ الزَّكِيَّةَ مِنَ الْمُحْتَمِ...».

«ندای آسمانی، سفیانی، یمانی، کشتن نفس زکیّه و ظهور کف

دستی از آسمان، از امور حتمی است.» (۱)

این علامت‌های ظهور، توأم و یک‌جا حادث نمی‌شود؛ بلکه یکی پس از دیگری - مانند دانه‌های تسبیح - مترتب بر یکدیگرند؛ یا چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمود:

«قائم خروج نمی‌کند، مگر این‌که نشانه‌هایی واقع شود و این

نشانه‌ها مانند رشته‌های منظمی، به دنبال هم می‌آیند.» (۲)

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ش ۱۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵؛ معجم احادیث الامام مهدی، ج ۳، ص ۴۵۰.

ما در بحث نشانه‌های قبل از ظهور، بعضی از نشانه‌ها را به‌عنوان اموری که نزدیک بودن ظهور، از آنها برداشت می‌شود، ذکر می‌کنیم. باید توجه داشت که نزدیک بودن امری، نسبی است؛ مثلاً دنیا نسبت به آخرت، نزدیک است و از نظر علم الهی، هر دوری، نزدیک است؛ حتی در قرآن کریم، خداوند راجع به قیامت می‌گوید: «اقتربت الساعة»؛ ((قیامت نزدیک شد)) و اقتراب، شدت قرب است.

فرق میان شرایط با نشانه‌های ظهور

آنچه در روایات آمده، عمدتاً نشانه‌ها و و علائم ظهور است و فرق است بین علائم با شرایط. فرق‌های شرایط و نشانه‌ها عبارت است از:

۱- وابستگی ظهور به شرایط، از نوع وابستگی واقعی است، ولی نسبت به نشانه‌ها، وابستگی کشفی دارد؛ چون رابطه شرط با مشروط از نظر فلسفی، رابطه علت و معلول است؛ یعنی تحقق مشروط بدون وجود شرط، محال است، اما نشانه‌های ظهور هیچ‌گونه دخالتی در اصل ظهور ندارند و فقط دلالت بر ظهور داشته و موجب آگاهی مردم از ظهور می‌شود؛ مثل پرواز پرنده‌ها که بر بارش و یا رعد و برق، دلالت می‌کنند، بدون این که هیچ رابطه‌ای با صاعقه و باران داشته باشد؛ بنابراین بدون تحقق نشانه‌ها هم، می‌توان ظهور حضرت را تصور کرد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

«يُصْلِحُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ؛ خداوند، امر فرج را در یک

شب اصلاح می‌کند».

البته اشکالی که ممکن است پیش بیاید، این است که روایات نشانه‌های ظهور، دروغ از کار درآید، با آن که دروغ را نمی‌توان به ساحت مقدّس پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نسبت داد.

جواب این است که اگر روایت از نظر سند معتبر باشد و واقعاً از معصوم علیه السلام صادر شده باشد، خواه ناخواه آن نشانه تحقق می‌یابد و ظهور پیش از وقوع نشانه، امکان ندارد؛ گرچه ارتباط بین نشانه و ظهور، ارتباط واقعی نباشد.

۲- نشانه‌ها عبارت است از چندین رویداد و حادثه پراکنده و بی‌ارتباط به یکدیگر، ولی در شرایط، رابطه واقعی و مستمر بوده و یکی پس از دیگری می‌آید، تا این که آخرین شرط، به عنوان جزء اخیر علت تا مه محقق شود.

۳- نشانه‌ها را می‌توان شناسایی کرد و فهمید که کدام یک موجود شده یا نه، ولی شرایط، چنین نیست؛ مثلاً یکی از شرایط، وجود افراد آزموده و خالص به میزان لازم است، ولی آیا ما می‌توانیم آن افراد را شناسایی کنیم؟ خیر.

تقسیم بندی نشانه‌ها

نشانه‌هایی که در باب حوادث آخرالزمان، در روایات ما آمده است را از چند نظر می‌توان تقسیم و دسته‌بندی کرد:

الف: از نظر ارتباط آن با ظهور، به عنوان نشانه نزدیکی ظهور و عدم ارتباط.

ب: از نظر آفاقی و انفسی بودن آنها؛ یعنی وقوع پدیده‌هایی در جهان و یا انسان‌ها.

ج: از نظر زمانی و تقدم و تأخر وقوع آنها در قبل و بعد و متقارن با ظهور.

د: از نظر حتمیه و غیر حتمیه بودن آنها؛ چنان‌که مرحوم شیخ مفید - با توجه به روایات - دسته‌بندی کرده‌اند.

از تقسیمات فوق، ما فقط به قسم اول و سوم می‌پردازیم؛ یعنی ابتدا وقایع را از نشانه‌ها جدا می‌کنیم و سپس اقسام سه‌گانه نشانه‌های ظهور را از نقطه نظر تقدم و تأخر و تقارن زمانی پی می‌گیریم.

قبل از ورود در بحث، چند فایده از فوائد نشانه‌ها را ذکر می‌کنیم:

فایده نشانه‌ها چیست؟

۱- استفاده دیگری که می‌توان از تشبیه وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام به خورشید در پشت ابر نمود، این است که همان‌طور که خورشید، آرام آرام غروب می‌کند و یک دفعه جهان را تاریک نمی‌کند و نمی‌گذارد مشکلاتی که از یک مرتبه تاریک شدن، ایجاد می‌شود، پدید آید و در موقع طلوع هم یک مرتبه روشن نمی‌شود؛ بلکه با مرور زمان، کم‌کم نورش ظاهر می‌شود و نمی‌گذارد ضررهایی که از یک دفعه روشن شدن هوا، حاصل می‌شود، به وجود آید؛ همچنین ملاحظه می‌کنید که حضرت، ابتدا غیبت صغری و سپس غیبت کبری داشتند و برای ظهور هم ابتدا ظهور صغری و سپس ظهور کبری خواهند داشت؛ بنابراین طلایه‌دار ظهور، نشانه‌ها هستند.

۲- این نشانه‌ها جنبه تشریفاتی دارد که خداوند به وسیله آنها از مقدم آن حضرت، تجلیلی به عمل می‌آورد؛ چنان‌که از مقدم خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله تجلیل کرده همچنان‌که در حوادثی مانند: خاموش شدن آتشکده فارس، ترک برداشتن ایوان مداین و فرو ریختن چهارده کنگره آن، این تجلیل، مشاهده می‌شود.

۳- اعلام خطر است برای دشمنان؛ همان‌طور که قبل از شروع جنگ، همیشه اقدام به ایجاد رعب و ترس در دل رقیب می‌کنند. و در احادیث وارد شده که حضرت، به وسیله «رعب و ترس» یاری می‌شود؛ وقتی آن حضرت به سمتی حرکت کنند، قبل از رسیدن ایشان در دل دشمنان رعب افکنده می‌شود و چون دشمنان مرعوب شدند، جرأت آنها کمتر می‌شود و در نتیجه سریع‌تر مغلوب می‌شوند.

۴- این نشانه‌ها مژده و بشارت برای منتظران است که آرامش خاطر پیدا کنند و آماده خدمت شوند و ترس و رعبی که از دشمنان داشتند، از دل خود بیرون کنند و دارای قوت قلب شوند.

وقایع و حوادث قبل از ظهور

وقایع عمومی

حوادثی که در دوران غیبت یا پیش از آن، اتفاق می‌افتد و جنبه علامت بودن ندارد و تصریحی به وقت آن نشده است.

چشم‌اندازی به وضع جهان در آخر الزمان در پرتو سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله

۱- جو عمومی و حاکم، جو کفر و بی‌دینی است؛ به طوری که حتی

- بعضی از مؤمنین را نیز متزلزل کرده و به کفر دعوت می‌کند. (۱)
- ۲- ملت‌های دیگر - از ادیان خود - گمراه می‌شوند. (۲)
- ۳- فتنه‌های متعددی حادث می‌شود که تا ظهور مهدی ادامه دارد. (۳)
- ۴- هرگاه فتنه‌ای به آرامش می‌گراید، فتنه‌ای جدید از جانبی دیگر برمی‌خیزد. (۴)
- ۵- اثر آخرین فتنه، در هر خانه ظاهر می‌شود. (۵)
- ۶- خون‌ها ریخته می‌شود و به اموال و ناموس مردم تجاوز می‌شود. (۶)
- ۷- سراسر زمین را ظلم و جور و دشمنی فرا می‌گیرد. (۷)
- ۸- اهمیت مسأله اراضی فلسطین و بیت‌المقدس، زیاد می‌شود. (۸)
- ۹- کفار بر نهرهای پنج‌گانه سیحون، جیحون، دجله، فرات و نیل، مسلط می‌شوند. (۹)
- ۱۰- مشرکان، مسلمانان را به استخدام خود درمی‌آورند و بر روی آنها معامله می‌کنند و مردم مأیوس از فرج و گشایش در کارها می‌شوند. (۱۰)

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۸۷.

۲. همان، ص ۲۵۷-۲۵۸.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. همان، ص ۸۸.

۵. همان، ج ۱، ص ۸۱.

۶. همان، ص ۸۸.

۷. همان، ص ۹۰، به همراه ۱۷ حدیث دیگر.

۸. همان، ج ۱، ص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۹. همان، ص ۲۷۴.

۱۰. همان، ص ۱۷۴.

۱۱- غربی‌ها و روس‌ها متحد می‌شوند. (۱)

۱۲- جاهلیتی در امت اسلام ظاهر می‌شود، بدتر از جاهلیت صدر اسلام. (۲)

وضع مسلمانان آخرالزمان از دیدگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله

۱- حکام ستمگر، مردم مسلمان را به گمراهی می‌کشانند. (۳)

۲- امت اسلامی، به ۷۳ فرقه تقسیم می‌شود که یکی از آنها نجات می‌یابد و بقیه آنها اهل آتشند. (۴)

۳- اختلاف و دو دستگی در بین مسلمانان، همواره حکم فرماست تا مهدی علیه السلام ظهور کند. (۵)

۴- جو عمومی، اطاعت کورکورانه از پیشوایان است. (۶)

۵- هر کس که پرچم گمراهی بلند کند، هوادارانی خواهد یافت. (۷)

۶- انسان، دین خود را می‌فروشد؛ به گونه‌ای که ممکن است، صبح، مؤمن باشد و عصر، کافر شود یا عصر، مؤمن باشد و صبح، کافر شود. (۸)

۷- مسلمانان با این که تعدادشان زیاد است، ولی چون از مرگ، هراس دارند و دنیاپرست شده‌اند، دشمنان به آنها هجوم می‌آورند؛ چرا که از آنها

۱. همان، ص ۳۲۹.

۲. همان، ص ۴۴.

۳. همان کتاب، ص ۳۵.

۴. همان، ص ۳۹.

۵. همان، ص ۲۴۸-۲۴۹.

۶. همان، ج ۲، ص ۱۳۳.

۷. همان، ج ۲، ص ۱۳۳.

۸. همان، ج ۱، ص ۴۱.

نمی ترسند و اُبّهتی در دل دشمنان ندارند. (۱)

۸- مشرکان، فرزندان امت اسلامی را به استخدام خود در می آورند. (۲)

۹- عده‌ای از مسلمانان به مشرکان ملحق می شوند. (۳)

۱۰- دین و دین دار در جامعه غریب می شود؛ چنان که در صدر اسلام بود و خوشا به حال غریب‌ها! (۴)

۱۱- جوّ عمومی، جوّ کفر است. (۵)

۱۲- مردم از اسلام، زیاد فاصله می گیرند. (۶)

۱۳- با عقاید اسلامی - حتی ایمان به خدا- به طور علنی برخورد می شود. (۷)

۱۴- مردم، پول پرست می شوند. (۸)

۱۵- مؤمن، ضعیف شمرده می شود و فاسق و گنه کار مورد احترام قرار می گیرد. (۹)

۱۶- اوباش و فسّاق، رهبری مردم را به عهده می گیرند. مردان، مطیع

۱. همان، ص ۷۸.

۲. همان، ص ۱۷۴.

۳. همان، ص ۳۷.

۴. همان، ص ۷۱.

۵. همان، ص ۸۷.

۶. همان، ص ۴۴.

۷. همان، ص ۴۰.

۸. همان، ص ۴۵.

۹. همان، ص ۴۶.

همسرانشان می‌شوند و با پدر و مادر بدرفتاری می‌کنند. (۱)

وضع زمامداران مسلمانان در آخرالزمان از نظر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله

۱- پیشوایانی گمراه و بدتر از دشمن خارجی و دجال، بر امت اسلامی، حاکم هستند. (۲)

۲- آنها سبب عقب ماندن جامعه هستند. (۳)

۳- افرادی بی‌خرد، ظالم و دروغگو هستند. (۴)

۴- به‌زودی پیشوایانی بر شما حکومت می‌کنند که رزق و روزی مردم را در دست می‌گیرند و سخن می‌گویند، اما به‌دروغ و کار می‌کنند، اما کار بد؛ از مردم راضی نمی‌شوند، مگر این‌که در مقابل بدی‌های آنها، به‌به گویند و دروغ‌های آنها را تصدیق کنند. (۵)

۵- قیامت بر پا نمی‌شود، مگر این‌که خداوند، پیشوایانی دروغگو، وزیرانی بدکار، نمایندگان خائن را بر شما مبعوث خواهد کرد. (۶)

۶- شرطه‌ها و محافظین زیاد می‌شوند. (۷)

۷- خون‌های مردم را می‌ریزند؛ صورت‌هایشان مثل انسان است، ولی قلبشان مانند شیطان است. در بین امت، فساد می‌کنند، جلوی آزادی مردم را می‌گیرند، اموال مردم را به ناحق تصاحب می‌کنند. (۸)

۱. همان، ص ۳۹.

۲. همان، ص ۳۳-۳۴.

۳. همان، ص ۳۶.

۴. همان، ص ۲۳.

۵. همان، ص ۲۹.

۶. همان، ص ۲۶.

۷. همان، ص ۳۹.

۸. همان، ج ۲، ص ۵۳۱.

۸- کسی که با آنها مخالفت کند، کشته می‌شود، قضاوت به باطل می‌کنند و تبعیض قائل می‌شوند. ظلم و ستمگری آنها آن قدر توسعه می‌یابد که انسان، پناهگاهی از ظلم آنها نمی‌یابد. (۱)

وضع اسلام در آخرالزمان از دیدگاه نبی اکرم ﷺ

- ۱- از اسلام جز اسمی باقی نمی‌ماند. (۲)
- ۲- اسلام و ایمان، غریب می‌شود؛ همان‌طور که در ابتدا غریب بود. (۳)
- ۳- با اصول و احکام اسلام - یکی پس از دیگری - مخالفت می‌شود و احکام اسلامی - یکی پس از دیگری - ترک می‌شود که آخرین آن، نماز است. (۴)

وضع قرآن در آخرالزمان

- ۱- از قرآن، جز خط و تلاوت، چیزی باقی نمی‌ماند. (۵)
- ۲- بین قرآن و سلطان، جدایی می‌افتد، ولی شما از قرآن جدا نشوید. (۶)
- ۳- قراء قرآن، افرادی سازش‌کار و فاسق هستند. (۷)

۱. همان، ص ۵۳۲.

۲. همان، ص ۴۴.

۳. همان، ص ۷۱.

۴. همان، ص ۲۲.

۵. همان، ص ۴۴.

۶. همان، ص ۳۱.

۷. همان، ص ۲۶ و ۳۹.

وضع مساجد در آخرالزمان

۱- از نظر ساختمان، آباد، ولی از نظر هدایت، خراب است. (۱)

۲- منبرها بلند، ساخته می‌شود و مساجد را زینت می‌دهند. (۲)

وضع علماء و دانشمندان آخرالزمان از دیدگاه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله

۱- به وسیله دین، دنیا طلبی می‌کنند. (۳)

۲- علماء، منافق و دورو می‌شوند. (۴)

۳- فقه و علم دین را برای غیر خدا می‌آموزند. (۵)

۴- ائمه جماعت کم می‌شوند. (۶)

۵- فقهای آن زمان، بدترین فقهای روی زمینند؛ چون اصل فتنه از آنها ناشی شده و به آنها برمی‌گردد؛ (۷) چون آنها تأییدکننده حکام ستمگرند.

وضع مؤمنان آخرالزمان از نظر حضرت رسول صلی الله علیه و آله

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«خوشا به حال غربا! پرسیده شد: غربا چه کسانی هستند؟

فرمود: آنهایی که وقتی مردم، فاسد شدند، آنها صالح

می‌مانند.» (۸)

۱. همان، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۳۹.

۳. همان، ص ۱۰۰.

۴. همان، ص ۳۹.

۵. همان، ص ۳۹.

۶. همان، ص ۴۱.

۷. همان، ص ۴۴.

۸. همان، ص ۷۱.

۲- مؤمنین آخرالزمان از حیث یقین، مراتب بالاتری نسبت به مسلمانان صدر اسلام دارند؛ چون اینها به واسطهٔ اثر سیاهی مرگب که بر سفیدی کاغذ باقی مانده (قرآن) ایمان آورده‌اند؛ اینها بدون این که پیامبر و ائمهٔ طاهرین علیهم‌السلام را ببینند، ایمان آورده‌اند و تنها به وسیلهٔ قرآن که خط‌های سیاهی بر روی کاغذ سفید است، مسلمان شده‌اند. (۱)

۳- مؤمنانی که در برابر حکام جور، مقاومت می‌کنند و کشته می‌شوند، شهیدند. (۲)

۴- کسانی که به دین خودشان، ثابت و پایدار بمانند، اجر پنجاه شهید از شهدای صدر اسلام را دارند. (۳)

۵- مؤمنین آخرالزمان، آمر به معروف و ناهی از منکرند و با فتنه‌گران می‌جنگند. (۴)

۶- سختی‌ها و مشکلات، به حدی است که اگر بر مسلمانان صدر اسلام وارد می‌شد، توان تحمل و صبر بر آن را نداشتند، ولی مؤمنین آخرالزمان، مقاومت می‌کنند و اجر هر کدام از آنها برابر با اجر پنجاه نفر از یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. (۵)

۷- مؤمن را کوچک می‌شمرند و فاسق را گرامی می‌دارند. (۶)

۸- همان‌گونه که نمک در آب ذوب می‌شود، قلب مؤمن نیز از غم و

۱. همان، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۵۰.

۳. همان، ص ۴۸.

۴. همان، ص ۴۹.

۵. همان، ص ۴۹.

۶. همان، ص ۴۶.

غصه، ذوب می‌شود. (۱)

۹- ستمگران به ترساندن و آواره کردن و کشتن مؤمنین می‌پردازند؛ به گونه‌ای که مؤمن، مجبور می‌شود که در زبان، طرفدار آنها و در قلب متنفر از آنها باشد. (۲)

اوضاع اجتماعی آخرالزمان از دیدگاه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله

۱- نسبت به همسایگان بد رفتاری و پیوند خویشاوندی بریده می‌شود. (۳)

۲- بدی‌ها، خوب جلوه داده می‌شود و عقاید، ضعیف و روابط اجتماعی، مختل می‌شود. (۴)

۳- با افراد فاسد، رفت و آمد می‌کنند و آنها را از بدی‌ها باز نمی‌دارند. (۵)

۴- قلب مردم، به واسطه حرام‌خواری، وارونه می‌شود. (۶)

۵- علم و آگاهی برچیده می‌شود؛ نادانی، زیاد می‌گردد، شراب‌خواری علنی می‌شود، تعداد مردان، کم و تعداد زنان، زیاد می‌شود. (۷)

۶- نمازها ضایع می‌گردد و مردم پیرو شهوات و هوای نفس می‌شوند، سرمایه‌داران، مورد احترام قرار گرفته و بزرگ شمرده می‌شوند، دین را به

۱. همان، ص ۲۱۸.

۲. همان، ص ۱۵.

۳. همان، ص ۱۰۰.

۴. همان، ص ۳۹.

۵. همان، ص ۳۲.

۶. همان، ص ۳۳.

۷. همان، ص ۲۱۶.

دنیا می فروشند. (۱)

۷- آشوب‌ها علنی و رحمت و عطف از جامعه رخت برمی بندد، هرج و مرج در جامعه حکم فرما می شود، بزرگ به کوچک رحم نمی کند، کوچک به بزرگ احترام نمی گذارد، راه‌ها بسته می شود و... (۲)

اوضاع اجتماعی آخرالزمان از دیدگاه امام صادق علیه السلام

- ۱- ظلم، همه شهرها را فرا می گیرد.
- ۲- افراد با ایمان، سکوت اختیار می کنند.
- ۳- مداحی و چاپلوسی، فراوان می شود.
- ۴- راه‌های خیر، قطع و راه‌های شرّ و بدی، مورد توجه قرار می گیرد.
- ۵- از افراد با ایمان، چنان سلب آزادی می کنند که از اعمال ناشایسته، نمی توانند ابراز تنفر کنند مگر در دل خود.
- ۶- همسایه، همسایه خود را از ترس زبانش احترام می کند.
- ۷- مردم، طرفدار کسی هستند که پیروز است؛ خواه حق، خواه باطل.
- ۸- اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کند، به او توصیه می کنند که این کار وظیفه تو نیست.
- ۹- تمام همت و تلاش مردم، در جهت دستیابی به خواهش‌های نفسانی و شهوات است.
- ۱۰- پرچم‌های حق پرستی، فرسوده و کهنه می گردد.
- ۱۱- ویران‌گری - به وسیله جنگ‌ها - بر عمران و آبادی، پیشی می گیرد.
- ۱۲- هر سال، فساد و بدعتی نو، پیدا می شود.

۱. همان، ص ۲۱۸.

۲. همان، ص ۱۵۰.

- ۱۳- مردم و محافل، همه پیرو ثروتمندان خودخواه می‌شوند.
- ۱۴- حکومت، به دست زنان می‌افتد.
- ۱۵- نسیم‌ها به سود منافقان می‌وزد و هیچ جریانی به سود افراد مؤمن نیست.
- ۱۶- دادرسان، بر خلاف فرمان خدا قضاوت می‌کنند (۱).
- اوضاع اقتصادی آخرالزمان از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام
- ۱- جامعه اسلامی، به خاطر گناهان مبتلای به حکام جائر و قحطی می‌شود. (۲)
- ۲- رباخواری در جامعه شایع می‌شود و به همه مردم، گردی از ربا می‌رسد. (۳)
- ۳- دولت، مالک رزق و روزی مردم می‌شود. (۴)
- ۴- رشوه‌خواری در میان کارمندان دولت رایج می‌شود.
- ۵- سرمایه‌های عظیم، در راه خشم خداوند، مصرف می‌شود.
- ۶- پُست‌های حسّاس، به مزایده گذاشته می‌شود.
- ۷- قمار، آشکار می‌شود.
- ۸- آنها که دنبال روزی حلال هستند، نکوهش می‌شوند و آنها که دنبال حرامند، ستایش می‌شوند.
- ۹- امکانات مادی و دنیوی، فراوان می‌شود و دنیا به مردم روی می‌آورد.

۱. ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶-۲۶۰.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۵.

۳. همان، ص ۴۵.

۴. همان، ص ۲۹.

۱۰- درآمد بعضی از مردم، از طریق کم فروشی یا گران فروشی است.

۱۱- افرادی با سرمایه‌های فراوان هستند، در حالی که در عمرشان - حتی یک مرتبه هم - زکات نپرداخته‌اند.

۱۲- اموال زیادی را در غیر اطاعت خدا صرف می‌کنند، ولی از انفاق مقدار کمی، در راه خدا، مضایقه می‌کنند.

۱۳- حتی کمک به نیازمندان، با توصیه و پارتی‌بازی صورت می‌گیرد؛ نه برای خدا. (۱)

۱۴- در مواقعی که باید باران بیارد، مردم از آن محروم هستند. (۲)

اوضاع اخلاقی، اعتقادی مردم، در آخر الزمان از دیدگاه

امام صادق علیه السلام

۱- قرآن، فرسوده می‌شود و بدعت‌هایی را - از روی هوا و هوس - در مفاهیم آن درمی‌آمیزند.

۲- آیین خداپرستی مردم، بی‌محتوا شده و همانند ظرفی که آن را واژگون سازند، می‌شود.

۳- مردان به مردان و زنان به زنان قناعت کنند.

۴- سرگرمی‌های ناسالم، چنان رواج پیدا کند که هیچ‌کس جرأت جلوگیری از آن را نداشته باشد.

۵- شنیدن حقایق قرآن، بر مردم گران آید، اما شنیدن باطل، آسان است.

۶- برای غیر خدا، به حج خانه خدا بشتابند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶-۲۶۰.

۲. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۴۷.

- ۷- مردم، سنگدل شوند.
- ۸- آلات لهو و لعب - حتی در مکه و مدینه - آشکار گردد.
- ۹- مساجد، پر از کسانی شود که از خدا نمی‌ترسند.
- ۱۰- زنان، خود را در اختیار دیگران می‌گذارند.
- ۱۱- مردم، عصرها در حال نشئه و صبح‌ها مستند.
- ۱۲- مردم، همه به یکدیگر نگاه می‌کنند و از فاسدان شرور، تقلید می‌کنند.
- ۱۳- در حضور جمع - همانند بهائم - مرتکب اعمال جنسی می‌شوند.
- ۱۴- افرادی پیدا می‌شوند که اگر یک روز، گناه کبیره‌ای انجام ندهند، غمگین می‌شوند.
- ۱۵- بر فراز منبرها دعوت به تقوا، انجام می‌شود، ولی خود دعوت کننده، به آن، عمل نمی‌کند.
- ۱۶- مردم، نسبت به وقت نماز، بی‌اعتنا می‌شوند. (۱)

فراگیر شدن ظلم و جور

فراگیری ظلم و جور، از نشانه‌های معروف ظهور حضرت مهدی است که در روایات زیادی به چشم می‌خورد؛

«يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِيَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ

جَوْرًا» (۲) خداوند، به وسیله مهدی، زمین را پر از عدل و داد

می‌سازد، پس از آن‌که از ظلم و ستم پر شده باشد.»

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶-۲۶۰.

۲. کتر العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

حضرت مهدی فرمودند:

«عَلَامَةُ ظُهُورِي كَثْرَةُ الْهَرَجِ وَالْمَرْجِ وَالْفِتَنِ (۱)؛ نشانه آشکار

شدن من، زیاد شدن هرج و مرج و آشوب‌هاست».

چنان‌که در احادیث امام صادق علیه السلام ملاحظه شد، حدود یکصد گناه و انحراف اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در دوران غیبت دامن‌گیر جوامع اسلامی می‌شود؛ از جمله رشوه‌خواری، قماربازی، شراب‌خواری، زیاد شدن زنا و لواط، قطع رحم، سنگ‌دل شدن مردم، اهتمام به شکم و شهوت، از بین رفتن شرم، ندادن خمس و زکات، کم‌فروشی، بی‌اعتنایی به نماز، آراستن مساجد، عدم احترام بزرگترها، پیروی ثروتمندان، چاپلوسی، تملق، دروغ، ریا و غیره.

زیاد شدن این گناهان و فسادها در میان مردم، نوعی از فراگیر شدن ظلم و جور، در روی زمین است. و معنای دیگر فراگیری ظلم و ستم - طبق روایتی که شیخ صدوق آورده - این است که هر یک از شقی و سعید و اعضای گروه حق و باطل، به نهایت کار خود برسند؛ با این حساب، ستم‌کاران به نهایت درجه بدی برسند و لهیب آتش آنان، همه را فراگیرد و همه راه‌های چاره بسته شود؛ آنگاه، مهدی ظهور می‌کند و دنیا را پر از عدل و داد می‌سازد. (۲)

وقایع خصوصی

مراد، حوادثی است که از آنها پیش‌گویی شده و مانند وقایع عمومی

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰.

۲. قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۶.

است؛ از این جهت که نه جنبه علامتی دارد و نه تصریح به وقت آن شده، منتها با این فرق که آنها جنبه عمومی داشت و اینها جنبه خصوصی دارد و در رابطه با منطقه و شهر و کشور خاصی است. این گونه وقایع، از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام زیاد نقل شده و در شرح معجزات ائمه آمده است که مواردی از آنها تا کنون واقع شده و قسمتی از آنها مبهم و بعضی دارای احتمالات زیاد است؛ ما برای رعایت اختصار، بعضی از آنها را نقل می‌کنیم.

۱- قطع حج و خرابی مسجد براثا

سید ابن طاووس، از سلیلی، از ابن عمر نقل کرده که گفت:

«سنافقین، مسجدی را در مدینه - شبانه - خراب کردند؛ اصحاب پیامبر این حادثه را بزرگ شمردند؛ پیامبر ﷺ فرمود: شما خرابی این مسجد را بزرگ شمردید با این که آن تعمیر شد، ولی هرگاه مسجد براثا خراب شد، حج تعطیل می‌شود. گفته شد: یا رسول الله! مسجد براثا کجاست؟ فرمود: در طرف غربی بغداد؛ در عراق است و...»

سپس سلیلی - مؤلف کتاب الملاحم و الفتن - گفته است:

«من خودم، مسجد براثا را دیدم که حنبلی‌ها خراب کردند، تیرهای سقف مسجد را سوزاندند و... سپس گفته: این حادثه، در سال ۳۱۲ هـ ق اتفاق افتاد و در همان سال سلیمان بن حسن قرمطی خروج کرد و راه را بر حاجیان بست و حج را تعطیل کرد.» (۱)

۲- منع طعام و درهم از عراق

از جابر بن عبدالله نقل شده که گفت:

«نزدیک است اهل عراق از طعام و درهم منع شوند، گفتند: از

چه ناحیه‌ای؟ گفت: از ناحیهٔ عجم» (۱).

که ممکن است این حدیث اشاره به ضعف خلفای عباسی و پیروزی سلاطین فارسی باشد که دیگر به آنها باج ندادند و زکات و خراج که متعارف بود و به محلّ خلافت می‌بردند، قطع شد و احتمال دارد اشاره به جنگ خلیج فارس و محاصرهٔ اقتصادی عراق باشد.

۳- زندیق قزوین

از محمد بن حنفیه پرسیدند:

«این امر (ظهور) طولانی شد؛ پس چه وقتی خواهد بود؟ سرش

را تکان داد و فرمود: چگونه ممکن است این امر؟ در صورتی

که هنوز زمان فشار نداده و برادران، به یکدیگر جفا نکرده‌اند؛

سلطان، ظلم نکرده؛ هنوز زندیق از قزوین حرکت نکرده که

پرده‌های اهل آن را بدرد و سینه‌هایشان را تنگ کند و عقاید

قلبی ایشان را عوض کند و الگوی ارزشی جامعه را تغییر دهد.

هر کس که از او فرار کند، او را دریابد و هر کس که از او اطاعت

کند، کافر شود؛ تا این که مردم، دو دسته شوند: یکی بر دین

خود گریه کند و دیگری بر دنیای خود» (۲).

۱. عقد الدرر، ص ۱۶۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۲.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نقل شده که مردی از قزوین خارج می‌شود؛ اسم او، اسم پیامبری است؛ مردم مؤمن و مشرک، سرعت می‌گیرند در اطاعت از او؛ کوه‌ها را پر از خوف می‌کند. (۱)

این حدیث، قابل انطباق برگزیده نیز هست؛ به هر حال مُجمل است.

۴- ظهور آتشی در حجاز و آب در نجف

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«هرگاه آتشی در حجاز ظاهر شود و نجف را آب فراگیرد، پس منتظر قائم باشید». (۲)

ابن کثیر در ذکر وقایع سال ۶۵۴ هـ ق ظهور آتش عظیمی را در اطراف مدینه - با شرح مبسوطی - نوشته است.

۵- خراب شدن بصره

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود:

«رغبتی به سکونت در مسجد نداشته باشید؛ چون در آنجا چشمه‌ای ظاهر خواهد شد که بصره و اطرافش را غرق می‌کند؛ به گونه‌ای که جز مسجدش که مانند سینه کشتی ظاهر می‌شود، چیزی باقی نمی‌ماند و همه خراب می‌شود». (۳)

البته به خرابی بصره، در روایات - مکرراً - اشاره شده که به صورت‌های مختلف انجام می‌پذیرد: غرق شدن، فرو رفتن، جنگ و تهاجم سلاح‌ها.

۱. همان، ص ۲۱۳.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۶.

۳. الملاحم و الفتن، باب ۴۰، ص ۱۲۶.

شیخ عباس قمی، از علی بن میثم - شارح نهج البلاغه - نقل کرده که فرموده: بر حسب نقلی که برای ما شده، در زمان قادر بالله، همه شهر بصره چنان غرق شد که جز مسجد جامع، چیزی باقی نماند و مصداق فرموده علی علیه السلام گردید. (۱)

۶- انقراض حکومت بنی عباس

در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«فرج کلی، در هلاکت فردی از بنی العباس است». (۲)

جابر بن عبدالله، از امام علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«منتظر آخرین دولت بنی العباس باشید! در پایان حکومت آنها، علامت‌هایی است که از شعله آتش، گدازنده‌تر است». (۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی - که پیش‌گویی از بنای بغداد و روی کار آمدن ۲۴ خلیفه از بنی عباس می‌کند و مشخصات خلفاء را به‌طور معجزه‌آسا بیان می‌نماید - می‌فرماید:

«به دنبال اینها، قائم حق، پرده از روی خود برمی‌دارد و چون ماه تابان، ظاهر می‌شود». (۴)

لازم به یادآوری است که دولت عباسیان، با روی کار آمدن اولین خلیفه عباسی در سال ۱۳۲ هـ ق تأسیس شد و در عصر سلجوقیان - پس از برخوردهای داخلی - رو به ضعف نهاد و با حمله هلاکو خان مغول،

۱. سفینه البحار، ج ۱، ص ۸۴.

۲. همان، ص ۴۶۷.

۳. بشارة الاسلام، ص ۱۱۴.

۴. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۴.

آخرین خلیفه عباسی (عبدالله المعتصم) در سال ۶۵۶ هـ ق در بغداد کشته شد و حکومت بنی العباس منقرض گردید.

ناگفته نماند که ده‌ها روایت، در مورد اختلاف بین بنی العباس و زوال حکومت آنها و ظلم و ستمگری و فساد آنها، در کتب گوناگون، از جمله: بحارالانوار و غیبت نعمانی، موجود است.

۷- قبه غبراء

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«قبه‌ای خاکی رنگ، در بیابانی ریگ‌سرخ، بنا می‌شود و به

دنبال آن، قائم حق، پرده از روی خود بر می‌دارد». (۱)

این حادثه نیز، در بغداد واقع شد و مقبره فیصل اول را در زمین سرخ رنگی ساختند و رنگ مقبره، خاکی و خاکستری است.

۸- فرود آمدن ترکان در جزیره (۲)

مراد از جزیره در روایات، عراق است و این اصطلاح، قدیمی و معروف است و اگر مراد از ترک، مردم کافر شرق اروپا و آسیا باشد - که بنا بر قول صحیح، مراد از ترک در روایات، همین معنی است؛ چون ترک‌های کافر، جلوی حرکت حضرت مهدی علیه السلام می‌ایستند و روس‌ها هم داخل در این عنوان هستند - این امر، در قرن هفتم هـ ق با حمله مغول محقق شد.

و اگر مراد، ترک‌های مسلمان باشند مثل ترک‌های ترکیه، این هم با حکومت عثمانی از سال ۹۴۱ شروع و تا ۱۳۵۵ هـ ق ادامه یافت و با

۱. همان.

۲. معجم احادیث الامام مهدی، ج ۱، ص ۳۳۰.

جنگ جهانی و اشغال عراق، به وسیله انگلیسی ها حکومت عثمانی منقرض شد.

۹- آزاد شدن عرب از حکمرانی عجم (۱)

این مسأله، در عصر ما با انقلاب هایی که در کشورهای عربی، علیه استعمار خارجی پیش آمد و اعراب، سرنوشت خود را به دست گرفتند، قابل تطبیق است.

مراد از عجم، تنها فارس نیست بلکه غیر عرب را عجم گویند؛ بنابراین شامل همه زبان ها و ملت های دیگر می شود.

از وقایع خصوصی، موارد دیگری نیز هست که ما برای رعایت اختصار، تنها به ذکر اجمالی آنها می پردازیم:

۱۰- اختلاف دو صنف از عجم

۱۱- برپایی پلی مقابل کرخ در بغداد

۱۲- فرود آمدن روم در رمله

۱۳- ظهور مغربی در مصر و تصاحب شام

۱۴- فتح قسطنطنیه

۱۵- جنگ های صلیبی

۱۶- قیام صاحب زنج

۱۷- ادعای نبوت و امامت

۱۸- خرابی دیوار مسجد کوفه

همان طور که قبلاً ذکر کردیم، موارد فوق، اموری است که تا کنون واقع

شده و مصادیقی برای آنها در خارج وجود دارد؛ هرچند که ممکن است بعداً نیز واقع شود و مصادیق دیگری داشته باشد؛ به هر صورت، تنها جنبه پیش‌گویی داشته و مربوط به وقایع قبل از ظهور است که شامل قبل و بعد از غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌شود و دلالتی بر جنبه علامتی و نزدیکی ظهور ندارد.

نشانه‌های قبل از ظهور

الف - نشانه‌های نزدیکی ظهور

آیا ظهور نزدیک است؟

ما اکنون در عصر نزدیک به ظهور هستیم اما زمان دقیق را کسی جز خدا نمی‌داند و تعیین زمان، برای ما ممکن نیست؛ ولی آنچه که بر ما فرض است همانا انتظار واقعی ظهور می‌باشد، در هر عصر و زمان باید منتظر ظهور باشیم؛ زیرا ممکن است ظهور همانند شهابی، ناگهان فرا رسد؛ البته بسیاری از علائم و نشانه‌های ظهور تحقق یافته و باید منتظر بقیه نشانه‌ها بود؛ چنان‌که خود حضرت فرموده است که «وقت ظهور نزدیک است»؛ پس ما باید آماده باشیم و برای تعجیل فرج دعا کنیم. ولی برای این‌که بدانیم که آیا ظهور نزدیک است یا خیر، باید نسبت به علائم آن آگاهی داشته باشیم؛ با مطالعه این بخش به پاسخ خود خواهیم رسید.

نزدیکی ظهور، علائم و نشانه‌هایی دارد؛ از آن جمله، مواردی است که به آن اشاره می‌شود:

۱- وقتی که قم مرکز علم و دانش شود

امام صادق علیه السلام فرمود:

«به زودی شهر کوفه از مؤمنان خالی می‌گردد و به گونه‌ای که مار در جایگاه خود فرو می‌رود، علم نیز این چنین از کوفه رخت برمی‌بندد و از شهری به نام قم، آشکار می‌شود و آنجا معدن فضل و دانش می‌گردد؛ به نحوی که در زمین، کسی در استضعاف فکری به سر نمی‌برد؛ حتی نوعروسان در حجله گاه خویش و این قضایا، نزدیک ظهور قائم ما، به وقوع می‌پیوندد. خداوند سبحان، قم و اهلش را برای رساندن پیام اسلام، قائم مقام حضرت حجّت می‌گرداند؛ اگر چنین نشود، زمین، اهل خودش را فرو می‌برد و در زمین، حجّتی باقی نمی‌ماند. دانش از این شهر، به شرق و غرب جهان منتشر می‌گردد؛ بدین سان بر مردم، اتمام حجّت می‌شود و یکی باقی نمی‌ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد؛ آنگاه قائم علیه السلام ظهور می‌کند» (۱).

این جمله «به زودی زمانی خواهد رسید که قم و اهلش حجّت بر مردم خواهند شد و کسی نمی‌ماند که دین و دانش، به وی عرضه نشده باشد» بدان معنی است که ندای اسلام به همه جهانیان می‌رسد به طوری که اگر کسی تمایل به دستیابی به مقررات اسلام داشته باشد، برای وی امکان پذیر خواهد بود که البته این نقش مهمّ تبلیغاتی برای قم، بستگی به برپایی حکومتی دارای دستگاه‌های تبلیغاتی قوی دارد و متوقف بر مبارزه پیگیر با سرکشان و استعمارگران است و عبارت «نزدیک ظهور قائم» دلیل بر این است که بین تحقق چنین موقعیتی برای شهر قم و ظهور حضرت مهدی علیه السلام فاصله چندانی نیست.

۲- وقتی اهل مشرق قیام کنند

امام باقر علیه السلام فرمود:

«گویا می‌بینم: گروهی از مشرق زمین خروج می‌نمایند و طالب حقتند؛ اما آنها را اجابت نمی‌کنند. مجدداً بر خواسته‌هایشان تأکید دارند؛ اما مخالفان، نمی‌پذیرند. وقتی چنین وضعی را مشاهده می‌کنند، شمشیرها را به دوش کشیده و در مقابل دشمن می‌ایستند؛ این جاست که پاسخ مثبت می‌گیرند اما این بار، خودشان نمی‌پذیرند تا این‌که همگی قیام می‌کنند... و پرچم هدایت را جز به دست توانای صاحب شما (حضرت مهدی علیه السلام) به کس دیگری نمی‌سپرند.

کشته‌های آنان شهید محسوب می‌شوند؛ اما اگر من آن زمان را درک می‌کردم، خویشان را برای یاری صاحب این امر، نگه می‌داشتم» (۱).

چنان‌که قبلاً بیان کردیم، این حدیث کاملاً منطبق با انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام است و جمله «اگر آن زمان را درک می‌کردم، خودم را برای یاری صاحب آن امر نگه می‌داشتم» حکایت از تواضع و فروتنی امام باقر علیه السلام نسبت به فرزندش - حضرت مهدی علیه السلام - می‌کند و نیز دلالت بر مقام با عظمت و رفیع یاران حضرت مهدی علیه السلام دارد و این عبارت، گویای این است که فاصله نهضت ایرانیان، تا ظهور آن حضرت، از مدت عمر یک انسان، بیشتر نخواهد بود؛ چون ظاهر

فرمایش امام باقر علیه السلام این است که اگر نهضت آنها را درک کند، خویش را حفظ نماید و این حفظ نمودن، به طور طبیعی است نه به سبب معجزه؛ بنابراین همین روایت، دلیل بسیار مهمی است بر این که ما در حال حاضر، وارد دوران نزدیک به ظهور آن حضرت شده‌ایم و نهضت ایرانیان، با زمان ظهور آن حضرت، پیوند خورده است.

۳- وقتی که اهمیت قدس و مسأله اراضی فلسطین زیاد شود (۱)

۴- آنگاه که فتنه فلسطین طولانی گردد

«این فتنه فلسطین، طولانی خواهد شد؛ هر وقت که گویند: «تمام شد»، طولانی می‌گردد؛ برای آن، راه فرار می‌جویند اما نمی‌یابند». (۲)

تا کنون، بارها طرح‌هایی همچون: کمپ دیوید، فاس، شرم‌الشیخ، دولت خودگردان، صلح خاورمیانه، خلع سلاح و... مطرح شده، ولی فتنه فلسطین، خاموش نشده و در زمان نگارش این سطور نیز اسرائیل غاصب، به شهرهای فلسطین هجوم آورده و یکی را پس از دیگری اشغال و ویران و غارت می‌کند و مردم را به قتل می‌رساند و رهبران فلسطین را ترور می‌کند، ولی هیچ نتیجه‌ای نگرفته و نخواهند گرفت - ان شاء الله -

۵- وقتی که بین ماه‌های جمادی و رجب، ملت‌های مختلف، علیه

عراق هجوم آورند (۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از جنگ نهروان، در خطبه‌ای خبر از وقایع آینده

عراق می‌دهد:

۱. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۲۱۶ و ۲۷۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۶، ص ۱۳۴، خطبه ۷۰.

«هرگاه ناجنسان با شما (مردم عراق) آمیخته شدند و گروهی صحرائشان که در صحرای عراق سکونت داشتند، بر شما مسلط شدند، ویران شدن عراق، نزدیک می‌گردد؛ آن در وقتی است که شهری که دارای بناهای محکم و باغ‌ها و جوی‌هاست (بغداد) بنا شود.

پس هرگاه در آن شهر اجناس گران شود، و ساختمان‌ها محکم ساخته شود و تبهکاران و فاسقان در آن حکمرانی کنند و اندوه و بلا سخت گردد... گریختن و آواره شدن، خوش باشد؛ ولی پیش از آواره شدن مردم، سختی‌هایی پدید آید که کودکان، از آن پیر، و پیران، هلاک و گویندگان، گنگ و خردمندان، حیران شوند و مردم، کیفر کردار خود را - به واسطه شمشیرهای از نیام کشیده - به زودی می‌بینند، در حالی که پیش از آن، در زندگی خوش بودند...

پس آن روزگار، دوران چه مصیبتی است! چه بلای سختی که چیزی را فروگذار نمی‌کند! گریه‌هایی طولانی، مصیبت‌هایی سخت و ناله‌هایی دل‌خراش و فریادهایی بلند! و در آن حوادث، کار خدا واقع خواهد شد و آن، شدنی است.

پس ای فرزند بانوی برگزیده از کنیزان (ای مهدی موعود)! تا کی در انتظار تو باشند؟

مژده بادت به یاری نزدیک، از سوی پروردگار مهربان!
آگاه باشید! پس وای بر متکبران، هنگام درو کردن دروگران و کشته شدن فاسقان که از فرمان خداوند، سرپیچی کرده‌اند.

ای پدر و مادرم به فدای گروهی اندک که نام آنان در زمین
مجهول و ظهورشان در آن زمان، نزدیک است.

اگر می‌خواستم، شما را به آنچه می‌آید و می‌شود - از حوادث
روزگار و مصیبت‌های زمان و دشواری‌هایی که در هر ساعتی
واقع می‌شود - خبر می‌دادم؛ لکن آن را به محرم رازی می‌گویم
و می‌سپرم که رازدان باشد.

بر شما بیمناکم و شما را در نظر دارم و می‌دانم آنچه را که هست
[و شما نیز بدانید:] بلایی که همگان را فراگیرد، در پیش است.
این بلای عمومی، در وقتی است که بدکاران، از فرمان حق،
سرپیچی کنند و فرومایگان گمراه، اطاعت شوند؛ آنگاه هنگام
مرگ و هلاکت است؛ آنگاه هنگام برگشت کارت‌ان و گسستن
اصلتان و پراکندگی الفت جمعتان است.

و آن در وقتی است که گناه میان شما ظاهر شود، کردار زشت و
ناروا در میان اجتماع گسترش یابد؛ آنگاه که شمشیر زدن در
میدان کارزار - بر اهل ایمان - آسان‌تر از تحصیل یک درهم
حلال است؛ آنگاه که زندگی جز به معصیت خداوند، میسر
نمی‌شود؛ آن وقتی که مست می‌شوید بدون باده نوشیدن؛
سوگند می‌خورید بدون آن که نیاز باشد؛ ستم می‌کنید بدون
این که بهره‌ای ببرید؛ دروغ می‌گویید بدون این که ناچار باشید؛
آنگاه که به کردار زشت و ناروا، خوش و خندان می‌شوید و در
انجام گناه، از هم پیشی می‌گیرد و گفتارتان، بهتان و سخنانتان،
دروغ و کردارتان، فریبندگی است.

در آن وقت است که تأمین جانی ندارید که شب را به راحتی و آرامش، بیاساید.

چه شب‌هایی! چه شیخون سیاهی! چه نعره کُشنده‌ای! آن حمله‌ها، چقدر شدید و دردناک است! آن شیخونی است که صاحبش امید به صبح رساندن شب را ندارد؛ پس آنگاه است که کشتار می‌شوید و به بلاهای گوناگون گرفتار می‌گردید و با سلاح، درو می‌شوید و به سوی آتش می‌روید...

وای چقدر جای تعجب است! بسیار جای تعجب است از وقایعی که بین جمادی الاخری و ماه رجب، اتفاق می‌افتد؛ از طرف افراد مختلفی که با هم جمع می‌شوند و در نتیجه اتحاد آنها، درخت‌ها و گیاهان روی زمین، نابود می‌گردد و از صداهای مهیب و ترساننده‌ای که پشت سر هم شنیده می‌شود. (۱)

آن حضرت دو بار فرمود: «قضای الهی چنین مقدر شده».

یکی از مصادیقی که می‌توانیم برای روایت شریفه مطرح کنیم جنگ آمریکا بر علیه عراق می‌باشد.

در جنگ آمریکا و متحدانش با عراق، به چشم خود دیدیم که جملات معجزه‌آسای علی علیه السلام واقعیت عینی یافت:

۱- این جنگ، در روز آخر ماه جمادی - با حمله علیه دولت عراق -

شروع شد.

۲- مصداق «من جمع الشتات؛ افراد مختلفی با هم جمع می‌شوند»، دولت‌های مختلفی است که از ۳۰ کشور جهان، با هم در این جنگ علیه صدام، شرکت داشتند.

۳- کلمه «اصوات»؛ صدای غرش هواپیماها و انفجار پیاپی موشک‌ها و بمب‌ها و سایر وسایل آتش‌زا که عراق را به ویرانه‌ای تبدیل کرد.

۴- جمله «لا تنال المعيشة إلا بمعصية الله في سماءه؛ برای تأمین زندگی خود، در آسمان، خدا را معصیت می‌کنند»؛ مصداق بارز این جمله، خلبانانی بودند که برای منافع مادی خود، بر سر مردم بی‌دفاع، بمب می‌ریختند و در آسمان، خدا را معصیت نمودند.

چنان‌که ملاحظه کردید، علی علیه السلام دو بار نزدیک بودن ظهور را پس از وقوع این جنگ، بیان کردند؛

۱. «ای فرزند نکوبانو... تاکی در انتظار تو باشند؟ مژده بادت به یاری نزدیک پروردگارا!»

۲. «ای پدر و مادرم به فدای گروهی اندک که ظهورشان در آن زمان، نزدیک است.»

۶- وقتی که همهٔ ایسم‌ها و مکتب‌های بشری - پس از حکومت بر مردم - به بن‌بست برسند

امام صادق علیه السلام فرمود:

«این کار (قیام حضرت مهدی علیه السلام) صورت نخواهد گرفت تا آن‌که هیچ صنفی از مردم نماند مگر آن‌که بر مردم حکومت کنند؛ تا آن‌که کسی نگوید: اگر ما حاکم می‌شدیم، به عدالت رفتار می‌کردیم؛ پس حضرت قائم علیه السلام به حق و عدالت، قیام

می‌کند» (۱).

آیا اکنون نمی‌بینیم که سردمداران مکاتب ساخته دست بشر همچون مارکسیسم، کمونیسم، ناسیونالیسم، لیبرالیسم، سکولاریسم، پلورالیسم، هرمنوتیک و... در مورد عدم توانایی اداره جامعه بشری، اعتراف صریح دارند؛ این نظریات، نه تنها سعادت آفرین نبوده، بلکه پایه‌های اعتقادی و اخلاقی جامعه را نیز متزلزل کرده و آرامش و آسایش انسان را به مخاطره انداخته است.

۷- وقتی که ظلم و فساد زیاد شود

یکی از مهم‌ترین نشانه‌ها، همان فساد و ظلم‌هایی است که تحت عنوان وقایع عمومی، ذکر کردیم؛ یعنی فسادهای اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی و...

هرچه این امور، شدت پیدا کند، ظهور، نزدیک‌تر می‌شود؛ چرا که امام، برای از بین بردن ظلم و فساد و مفسدین، قیام خواهد کرد؛ و تا عالم، پر از ظلم و جور و فساد نشود، قیامی نخواهد بود؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«چنان زمین پر از ظلم و جور شود که کسی به‌طور علنی نمی‌تواند بگوید: الله! الله!» (۲).

تحت این عنوان - که زمین، پر از ظلم و جور می‌شود و سپس مردی از خاندان پیامبر قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌نماید - ده‌ها حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام آمده؛ تنها، احادیثی که از

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ش ۵۳.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۸.

حضرت ختمی مرتبت در کتاب معجم احادیث الامام المهدي نقل شده،
۱۵ حدیث است. (۱)

گسترش ظلم و فساد - در تجاوز به حقوق دیگران و ایجاد ناامنی - فشارهایی است که وقتی از حد گذشت، انفجار رخ می دهد؛ چون انفجارهای اجتماعی، مانند انفجارهای مکانیکی، به دنبال فشارهای شدید و بیش از حد، رخ می دهد. گسترش دامنه های ظلم و فساد، به وسیله ضحاکان هر زمان، بذره های انقلاب را آبیاری می کند و کاوه های آهنگر را در کنار کوره های آتش، پرورش می دهد و کم کم بحران، اوج می گیرد و لحظه انقلاب، نزدیک می شود.

مسأله در مورد نزدیک شدن انقلاب جهانی و ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز، به همین گونه است؛ منتها - همان طور که در فصل اول ذکر کردیم - هیچ لزومی ندارد که مانند افراد منفی باف، به فکر توسعه فساد و ظلم بیافتیم؛ بلکه با توجه به کثرت مفساد در جهان، باید به فکر ساختن خود و دیگران و یک گروه شایسته و شجاع که پرچم دار انقلاب باشند بوده و خود را جزء یاران حضرت قرار داده و یا از زمینه سازان انقلاب او باشیم.

تفاوت ظلم و جور: چون روی دو عنوان «ظلم» و «جور» در روایات زیاد تکیه شده، مناسب است که فرق آنها را بدانیم؛
ظلم آن است که انسان، حق دیگری را به خود اختصاص دهد و دسترنج دیگران را غصب کند.

جور یعنی این که حق افرادی را از آنها بگیرند و به دیگران دهند و برای محکم کردن پایه‌های قدرت خود، طرفداران خود را بر مال و جان مردم، مسلط و با تبعیض‌های ناروا، کسب قدرت کنند. (۱)

۸- شهادت مظلومانه دکتر بهشتی و ۷۰ تن از یارانش

قال امیر المؤمنین:

و یکون قتل سبعین من الصالحین و علی رأسهم رجل عظیم
القدر یحرقه و... (۲)

امام علی علیه السلام فرمود:

«هفتاد نفر از مردان شایسته کشته می‌شوند که در رأس آنها

شخصیت گرانقدری است که در این حادثه سوخته می‌شود.»

چنانکه ملاحظه می‌کنید شهادت مظلومانه آیت الله دکتر بهشتی و ۷۰ تن از یارانش یکی از مصادیق بارز این روایت می‌باشد که در حادثه هفتم تیر سال ۱۳۶۰ هـ ش چون اصحاب اخدود به خاطر ایمان به خدا مورد انتقام منافقان قرار گرفتند و در آتش کینه و حسادت و قساوت آنان سوختند و خود این پاگان باعث تثبیت انقلاب اسلامی و رسوایی بنی صدر و استکبار جهانی و منافقین سیه دل شد و سید الشهداء این قوم شهید بهشتی بود که در حال سخن رانی به لقاء الله پیوست در حالی که سر و صورت ایشان سوخته و دستهایش جدا شده بود و خانواده هر شهیدی قبل از شهید خودشان بر شهید بهشتی می‌گریستند.

شهادت این مرد عظیم القدر همه شهدا را تحت الشعاع خود قرار داده

بود.

۱. مفردات قرآن.

۲. یوم الخلاص، کامل سلیمان، ص ۶۳۵.

۹- پیدایش و شکست صدام حسین:

صفات صدام:

در زمینه صفات صدام، در روایات چنین آمده است که وی فردی حرام زاد، نقاب دار و خون ریز است.

حرام زاده:

مادر صدام (صُبْحَه طَلْفَاح) به طریق نامشروع باردار شد. خانواده او برای پوشاندن این ننگ، وی را به ازدواج مردی دیوانه به نام حسین درآوردند و سپس این شوهر مجازی را به قتل رساندند. مادرش که نمی خواست او به دنیا بیاید، برای سقط جنین به انواع داروها متوسل شد، ولی بر خلاف خواست او متولد شد؛ لذا نام او را صدام (بسیار صدمه زننده) گذاشت. (۱)

نقاب دار:

عمر بن ابان از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است:

«بی گمان در آن روز سر پرستی شما از آن فرزندان شما نامشروع نخواهد بود و گویا من به نقابدار نگاه می کنم. گفتم: نقابدار کیست؟ فرمود: مردی از شماست که به عربی سخن می گوید، نقاب بر چهره دارد و شما را از هر سو می پاید و شما را می شناسد در حالی که شما او را نمی شناسید. او به سراغ یکایک شما می آید و بداند که جز حرام زاده نیست.» (۲)

۱. شبیه صدام، ص ۳۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵.

آن شخص نقابدار کسی جز صدام نیست، زیرا وی علاوه بر استفاده از بدل و شبیه‌های مختلف خود نیز با چهره ناشناس به میان مردم می‌رود و اوضاع را کنترل می‌کند.

میخائیل رمضان که خود یکی از بدل‌های صدام بوده و کتابی به نام «شبیه صدام» نوشته، کاملاً خصوصیات روحی و خونخوارگی و شکار مخالفان را توسط صدام توضیح می‌دهد.

وی که به خاطر مشابهت با صدام، جراحی پلاستیک بینی نموده است و دوره کارآموزی دیده و مواردی نیز به جان وی سوء قصد شده، علت تألیف کتاب و متواری شدن خود را پس از قتل خانواده‌اش به دست صدام در کتاب خود کاملاً تشریح نموده است.

خونریز:

صدام از طایفه‌ای است که به خشونت و قساوت مشهورند. او پس از آنکه به ریاست رسید، ۲۱ نفر از اعضای شورای فرماندهی و همکاران خود و وزیران کابینه را به اتهام توطئه بازداشت کرد و به قتل رساند. صدام هر که فکر می‌کرد ممکن است مزاحم و رقیب قدرتش شود، از میان برمی‌داشت او بسیاری از همکاران نزدیکش را به جرم انتقاد از وی با سلاح کمری خود به قتل رساند. صدام جمعیت زیادی از علماء بزرگ عراق را یک جا به شهادت رسانده است و در گورهای دسته جمعی دفن کرده است. صدام ده‌ها هزار نفر از انقلابیون عراقی و رزمندگان ایرانی را به شهادت رسانده است.

امام علی علیه السلام فرمود:

«سپس صحرا نشینان دروغگو و بیابان گردان ستیزه‌جو به

حکومت می‌رسند و آغاز ویرانی عراق در روزگار آنان است؛ بلا و قحطی فراوان می‌شود و سپس چه شگفتی‌هایی رخ می‌دهد و این رخدادها هنگامی است که بغداد را فراگیرد و دشواری‌ها به عالم روی آورد. سپس صحرا نشینان و رهبران سرکش آنان کشته می‌شوند و خانه‌ها و فرزندانشان به تصرف دیگران در می‌آید.» (۱)

امام علی علیه السلام فرمود:

«... و عراق را می‌کشایند؛ در این هنگام منتظر قیام صاحب الزمان باشید.» (۲)

اکنون عراق به وسیله نیروهای آمریکایی و انگلیسی محارب گشوده شده است.

عمار یاسر رضی الله عنه نقل کرده:

«نشانه مهدی آن است که ترک‌ها به سوی شما سرازیر می‌شوند. خلیفه شما که مال‌های بسیار جمع می‌کند، می‌میرد و پس از او شخصی ناتوان به جانشینی می‌رسد که دو سال پس از به قدرت رسیدن برکنار می‌شود... اینها نشانه‌های به قدرت رسیدن سفیانی است.» (۳)

تطبق این روایت نقش پایگاه‌ها و دولت ترکیه در حمایت از آمریکا کاملاً مشهود است و خلیفه مال دار عراق، کسی جز صدام نیست که پس اندازه‌های او در بانکهای خارجی و کاخ‌های متعددش موجب شده که از

۱. نوائب الدهور فی علائم الظهور، سید محمد حسن میر جهانی، ج ۲، ص ۱۶.

۲. الزام الناصب، ج ۱، ص ۱۹۴.

۳. الفتن، ص ۲۳۷.

وی مردی ثروتمند بسازد. (۱)

جانشین او که از ناحیه آمریکا نصب شده فردی ضعیف و ناتوان در اداره عراق است و به این امر خود امریکایی‌ها نیز اعتراف کرده‌اند.

پیش‌گویی‌های نوسترا داموس در مورد صدام

نوسترا داموس حمله غربی‌ها به عراق را در کتاب خود چنین توضیح می‌دهد:

«و پادشاه اروپا مانند کرکس خواهد آمد؛ اهالی شمال، او را

همراهی می‌کنند؛ سپاهی بزرگ از سرخ و سفید را رهبری خواهد

کرد؛ آنها رهسپار جنگ با پادشاه بابل خواهند شد.» (۲)

در توضیح مطلب فوق باید گفت: پادشاه اروپا، امروز بوش - رئیس جمهور آمریکا - است.

کرکس در تعبیرات نوسترا داموس جالب است؛ زیرا اکنون در علائم بین‌المللی، کرکس نشانه هواپیماهای جنگی است.

اهالی شمال، ساکنان نیمکره شمالی جهان - یعنی اروپاییان و اهالی آمریکای شمالی - هستند و سپاهی بزرگ از سرخ و سفید نیروهای چند ملیتی در جریان جنگ خلیج فارس بودند.

صدام سعی می‌کند القاب پادشاهان بابل را بکار برده و چون بخت النصر خود را برتر از دیگران بداند و بت و مجسمه‌های خویش را در

۱. به گزارش منابع خبری تعداد کاخ‌های صدام در کل عراق ۶۸ باب است و کاخ اصلی صدام ۲۶۵ اتاق دارد و دارای فرودگاه و دریاچه مصنوعی است و در کاخ سرش ۹۰۰ ماشین وجود داشته است.

۲. پیشگویی‌های نوسترا داموس، ص ۱۲۹.

انظار به نمایش گذارد؛ چنانکه در سراسر عراق، تنها عکس و مجسمه
صدام مشاهده می‌شد و عکس دیگری نبود.

نوسترا داموس می‌گوید:

«آنگاه مابوس * * * * * خواهد مرد و سپس ناگهان انسان انتقام

را خواهد دید.»

مابوس * * * * * به ظاهر، هیچ معنایی ندارد هرچند که می‌تواند اشاره
به مبعوث و حزب بعث باشد، البته اگر آن را از آخر به اول بخوانیم و بجای
حرف *، * بگذاریم، صدام می‌شود و این نامگذاری، از جمله روش‌های
معماگونه و مرموز نوسترا داموس در بیان نام‌های خاص بوده است.

نوسترا داموس پیش بینی کرده است که حاکم عراق در همان روزهای
نخستین جنگ نابود می‌شود.

شیخ مفید رحمته الله علیه در بیان نشانه‌های قبل از ظهور چنین روایت کرده است:

«ترس، مردم عراق را فرا می‌گیرد و مرگی شتابان و دردناک در

آنجا شایع می‌شود و کاستی در اموال، جان‌ها و میوه‌ها ظاهر

می‌گردد.» (۱)

روایت فوق، قسمتی از گرفتاری‌های مردم عراق را بیان کرده است:

۱- ترس: بدترین گرفتاری آنها همین ترس و وحشت است که از زمان

تسلط صدام تا سقوط وی مردم را فرا گرفته است.

۲- قطعی: کمبود مواد غذایی سال‌هاست که مردم عراق را رنج

می‌دهد. پس از حمله عراق به کویت، این کشور با تحریم اقتصادی روبرو

شد و اکنون چندین میلیون کودک عراقی از سوء تغذیه و کمبود دارو رنج می‌برند.

۳- مرگ: مردم عراق در اثر سوء مدیریت صدام، در جریان جنگ هشت ساله علیه ملت مسلمان ایران و سپس در حمله آمریکا و متحدانش در جنگ خلیج فارس و جنگ نفت، کشته‌های فراوانی داده‌اند.

۱۰- ظهور ستاره دنباله دار

یکی دیگر از نشانه‌ای نزدیکی ظهور، طلوع ستاره‌های دنباله دار است:

امام علی علیه السلام فرمود:

«هرگاه ستاره دنباله دار طلوع کند و پل بابل ساخته شود، بر سر آن صد هزار نفر کشته می‌شوند.» (۱)

ستاره دنباله دار، همان ایکیاژینگ است که در بیست اسفند ۱۳۸۰ تا آخر فروردین ۱۳۸۱ در آسمان نیمکره شمالی از جمله در افق غربی عراق دیده شد و خبر از خرابی و کشتار می‌دهد.

۱۱- وقتی که مرگ سرخ و سفید، عده زیادی را از پای درآورد

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام، مرگ سرخ و سفید است؛ مرگ

سرخ به وسیله شمشیر و مرگ سفید به وسیله طاعون.» (۲)

علی علیه السلام فرمود:

«مهدی قیام نمی‌کند مگر این که یک سوم مردم کشته شوند و

۱. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۷۸-۱۷۹.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۰.

یک سوم بمیرند و یک سوم بمانند». (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:

«این امر (قیام مهدی) صورت نمی‌گیرد مگر این‌که دو ثلث مردم از بین بروند؛ از امام پرسیدند: اگر دو ثلث مردم بمیرند، پس چه کسانی می‌مانند؟ امام فرمود: آیا دوست ندارید که شما (مسلمین) یک ثلث باقی مانده باشید؟!». (۲)

۱۲- وقتی که سال‌های فریبنده پیش آید

علی علیه السلام فرمود:

«پیش از قیام مهدی علیه السلام، سال‌هایی است فریبنده؛ در آن سال‌ها، راستگو تکذیب شود و دروغگو تصدیق؛ اشخاص مکار، مقرب شوند و مردمان پست، در امر مردم دخالت کنند». (۳)

حوادث و نشانه‌های دیگری که دلالت بر نزدیکی ظهور می‌کند وجود دارد که ما برای رعایت اختصار تنها به ذکر اجمالی آنها می‌پردازیم:

۱۳- ظهور یأس و نومیدی

۱۴- کشف هیکل سلیمان (معبد سلیمان در فلسطین) که به وسیله

اسرائیل - در سال‌های اخیر - صورت گرفته است

۱۵- هرج و مرج

۱۶- اختلاف و تزلزل و اضطراب مردم

۱. همان، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۴۴۱.

۳. همان، ص ۲۳.

۱۷- سرعت زوال حکومت‌ها

۱۸- ملخ سرخ در دو موقع

تعبیر «نزدیکی ظهور» از روایات فوق استفاده شده است؛ چون در بعضی روایات آمده است: «و ذلک عند قرب ظهور قائمنا؛ آن حادثه نزدیک ظهور قائم ما است» و در بعضی روایات: «بین یدی القائم؛ پیش روی قائم» یا «قدّام هذا الأمر؛ جلوی این امر» یا «ابشر بنصرٍ قریب؛ مژده به پیروزی نزدیک» که در همه آنها، اشاره‌ای به نزدیکی ظهور، نهفته است.

ب- نشانه‌های دوران یک‌سال قبل از ظهور

۱- شروع جنگی از صفر تا صفر

عبدالله بن بشار نقل کرده:

«هنگامی که خداوند، اراده کند که قائم علیه السلام را ظاهر کند، جنگی از ماه صفر آن سال تا ماه صفر سال آینده، واقع خواهد شد و آن جنگ، نشانگر زمان خروج مهدی علیه السلام است.» (۱)

۲- جاری شدن فرات در کوفه

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«هرگاه فرات شکافته شود و آب، کوچه‌های کوفه را فراگیرد، شیعیان، خود را برای ملاقات با قائم آماده سازند که این حادثه، نزدیک‌ترین حادثه‌ای است که دلالت بر ظهور دارد.» (۲)

۳- ظهور آتشی در آسمان

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۲۲.

«هنگامی که آتش بزرگی را در آسمان دیدید که از ناحیه مشرق، شبانه طلوع می‌کند، در آن هنگام، فرج مردم خواهد رسید و این حادثه، مقدار کمی قبل از قیام قائم، رخ خواهد داد.» (۱)

۴- ظهور دست و صورتی در ماه

امام صادق علیه السلام فرمود:

«در آن سالی که صبحه* شنیده می‌شود - قبل از آن - در ماه رجب نشانه‌ای آشکار خواهد شد؛ داود بن سرحان، از امام علیه السلام سؤال کرد: آن نشانه چیست؟

امام فرمود: صورتی در ماه، پدیدار می‌شود و دستی نیز آشکار می‌گردد.» (۲)

۵- خورشید و ماه گرفتگی، در ماه‌های رمضان و رجب آن سال

ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«نشانه‌های خروج مهدی، گرفتن خورشید در سیزدهم و چهاردهم ماه رمضان است.» (۳)

امّ سعید، از امام صادق علیه السلام درخواست کرد که نشانه‌ای برای خروج مهدی علیه السلام ذکر نماید؛ امام علیه السلام فرمود:

«زمانی که در شب چهاردهم ماه رجب، خسوف واقع شد، آن

۱. همان، ص ۴۸۵.

* ندایی آسمانی از طرف جبرئیل امین که فریاد بر می‌آورد: «آگاه باشید! برگزیده خدا، مهدی آل محمد است؛ از او اطاعت کنید».

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۴۸۷.

۳. همان، ص ۴۶۰.

زمان خروج قائم است» (۱).

۶- در آن سال، بیست و چهار باران می بارد

سعید بن جبیر نقل کرده:

«سالی که مهدی در آن قیام می کند، بیست و چهار باران

می بارد که اثر و برکات آن ظاهر است» (۲).

شیخ مفید رحمته الله در باب ذکر نشانه‌های ظهور، چنین می گوید:

«تمام آنچه که گفته شد، با باریدن بیست و چهار باران پشت

سرهم، خاتمه می یابد که زمین مرده به واسطه این باران ها زنده

و برکاتش هویدا گردد و بعد از این ماجرا، هر ناراحتی و مرضی

از پویندگان حق و پیروان راستین حضرت مهدی علیه السلام رخت

برمی بندد و طبق گفته روایات: در این بحبوحه است که یاران

آن حضرت از ماجرای ظهور آن بزرگوار از شهر مکه آگاه شده

و جهت یاری وی متوجه آن حضرت می گردند» (۳).

نشانه‌های زیاد دیگری نیز هست که ما از ذکر آنها - به دلیل اختصار -

خودداری می کنیم.

ج - فتنه‌ها و جنگ‌های سال ظهور

در سال ظهور و سال‌های نزدیک به آن، فتنه‌ها و آشوب‌هایی، سراسر

عالم را فرا می گیرد؛ به گونه‌ای که این اختلافات و فتنه‌ها و جنگ‌ها تا قیام

حضرت مهدی علیه السلام ادامه می یابد. و چون ما در بحث یاران و دشمنان

۱. همان، ص ۴۶۱.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۶۹.

۳. ارشاد شیخ مفید، ص ۳۶۶.

حضرت، این فتنه‌ها و جنگ‌ها را - به تفصیل - بررسی می‌کنیم، اکنون تنها به شمارش کردن آن حوادث، بسنده می‌کنیم:

خروج اصبه در عراق (۱)، خروج جرهمی در شام (۲)، خروج قحطانی در یمن (۳)، خروج سفیانی در شام (۴)، جنگ داخلی در حجاز (۵)، ورود نیروهای مغربی به مصر (۶)، اختلاف غرب و روس (۷)، ورود نیروهای روس به عراق (۸)، ورود نیروهای غربی به فلسطین (۹)، حرکت پرچم‌های سیاه از شرق (۱۰)، به تسخیر در آمدن چین و هند و روس (۱۱)، ویران شدن بغداد و ری (تهران) و قیام آذربایجان (۱۲)، قیام سید حسنی (۱۳)، خروج سیصبانی (۱۴)، قیام خراسانی و شعیب بن صالح (۱۵)، خروج گیلانی (۱۶)، خروج عرف سلمی از تکریت

۱. همان، ص ۳۶۶.

۲. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۴۸۳-۴۸۴.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۸۳-۳۸۴.

۵. همان، ص ۴۴۷.

۶. همان، ص ۴۱۱.

۷. همان، ص ۳۲۶.

۸. همان، ص ۳۲۶.

۹. همان، ص ۳۲۶.

۱۰. همان، ص ۳۸۱.

۱۱. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۰.

۱۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶.

۱۳. همان، ج ۵۳، ص ۱۵.

۱۴. همان، ج ۵۲، ص ۲۵۰.

۱۵. عقد الدرر، ص ۱۲۷.

۱۶. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۰.

درگیری ابقع و اصهب (۱۸).



نشانه‌هایی از هنگامه ظهور حضرت مهدی علیه السلام

مقدمه

در مورد زمان ظهور، هرچند زمان خاصی اعلام نشده است و روایات بسیاری در طرد کسانی که تعیین وقت، می‌کنند، به دست ما رسیده است، اما حوادثی که توسط پیامبر و ائمه طاهرین پیش‌گویی شده، کوشش برای درک و انطباق آن حوادث، بر واقعیات را، نمی‌توان از جمله مصادیق تعیین زمان دانست. اکنون برای روشن‌تر شدن موضوع، ما به بررسی روایاتی که در منع توقیت (تعیین وقت) وارد شده، می‌پردازیم.

ممنوعیت تعیین زمان، در روایات

عبدالرحمن بن کثیر گوید:

«خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مهم‌م داخل شد و عرض کرد: قربانت! به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم، کی واقع می‌شود؟ امام فرمود: ای مهم‌م! دروغ گفتند وقت گذاران و هلاک شدند شتاب‌کنندگان و نجات یافتند تسلیم‌شوندگان» (۱۹).

۱۷. بحار الانوار، ص ۱۱۳.

۱۸. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۸.

۱۹. کافی، ج ۲، ص ۱۹۱، مترجم.

چرا زمان ظهور، نامعلوم است؟

فضیل بن یسار گوید:

«به امام باقر عرض کردم: برای این امر (ظهور)، وقتی هست؟»

امام فرمود:

«وقت گذاران، دروغ گویند؛ وقت گذاران، دروغ گویند؛ وقت گذاران، دروغ گویند؛ وقت گذاران، دروغ گویند. همانا حضرت موسی - چون در طور سینا به شهود پروردگار خود برای دریافت پیام، نایل شد - به مردم وعده سی روز داده بود و چون خداوند، ده روز دیگر بر میعاد افزود،^(۱) قومش گفتند: موسی با ما خلف وعده کرده، و کردند آنچه کردند (گوساله پرست شدند). پس اگر ما خبری به شما دادیم و طبق گفته ما واقع شد، بگویید: خدا راست گفته و اگر خبری برخلاف گفته ما واقع شد، بگویید: خدا راست گفته است؛ تا دو پاداش بگیرید.»^(۲)

علی بن یقظین گوید:

«موسی بن جعفر به من فرمود: دوست سال است که شیعه، به آرزوها تربیت می شود.»

وقتی علی برای پدرش یقظین که در دستگاه سفاح و منصور عباسی وزارت می کرد کلام حضرت موسی بن جعفر را نقل کرد، او به پسرش گفت: چرا آنچه درباره ما گفته شده (از پیشرفت دولت بنی عباس)، واقع می شود ولی آنچه درباره شما گفته شده (از ظهور دولت حق)، واقع نمی شود؟

۱. سوره اعراف، ص ۱۴۲.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۲.

علی به پدرش گفت: آنچه درباره ما و شما گفته شده، از یک منبع است (و آن، وحی و الهام الهی است)؛ جز این که امر شما، چون وقتش رسیده بود، واقع شد؛ ولی امر ما چون وقتش نرسیده است، به آرزوها دلگرم گشته‌ایم.

اگر به ما بگویند این امر (ظهور)، تا دو‌یست یا سیصد سال دیگر، واقع نمی‌شود، دل‌ها سخت می‌شود ولی می‌گویند امر ظهور، زود می‌آید؛ چقدر به شتاب می‌آید؛ برای این که دل‌ها گرم و گشایش، نزدیک شود. (۱)

بنابراین، آنچه ممنوع شده است، این است که انسان، سال و ماه ظهور را دقیقاً مشخص کند؛ مثلاً بگوید: در ۲۰۰ سال دیگر، در فلان ماه و روز، ظهور خواهد کرد، ولی اگر تنها بگوید: ظهور نزدیک است؛ چون نشانه‌های ظهور - که مانند دانه‌های تسبیح، باید یکی پس از دیگری واقع شود - پدیدار شده، اشکال ندارد.

این جمله (نزدیکی ظهور) نیز، از احادیث ائمه طاهرين علیهم السلام استفاده شده که فرمودند: «ذلک عند قرب ظهور قائمنا» (۲). در این صورت، آنچه که ما در بحث نشانه‌های قبل از ظهور ذکر کردیم، از مصادیق تعیین زمان نخواهد بود و به اصطلاح، منصرف است.

چگونگی ظهور امام زمان علیه السلام

روایات، دلالت دارد که انقلاب مقدس حضرت مهدی علیه السلام، در مدت

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۳.

۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

چهارده ماه، کامل می‌شود؛ در شش ماههٔ اول، امام در اضطراب و نگرانی به سر می‌برد و حوادث را به‌طور نهانی، توسط یاران خود، رهبری می‌کند؛ در هشت ماه بعدی، در مکه، ظهور خواهد کرد و رهسپار مدینه، ایران، عراق و قدس، می‌گردد و با دشمنان خود، وارد نبرد می‌شود.

دو حادثه بسیار مهم نزدیک ظهور

پیش از ظهور امام، دو حادثهٔ مهم رخ می‌دهد که به منزلهٔ نشانه‌های الهی است که آن حضرت، آمادگی لازم را جهت ظهور مقدس خویش، فراهم می‌سازد.

حادثهٔ اول: وقوع کودتایی در سرزمین شام، به رهبری عثمان سفیانی.
حادثهٔ دوم: بلند شدن ندایی آسمانی به سوی مردم جهان که اهل هر زبان به زبان خود، آن را می‌شنود؛ صدایی قوی و نافذ از هر سمت آسمان می‌آید؛ خفته را بیدار می‌کند، نشسته را بر پا می‌دارد و مردم، از این صیحه، به ناله می‌آیند و از خانه‌هایشان بیرون ریخته تا ببینند چه خبر است؛ آن ندا مردم را به خودداری از ظلم، و پیروی از امام مهدی علیه السلام دعوت می‌کند و حضرت را به نام ایشان و پدرش می‌خواند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«منادی، در آسمان، نام صاحب این امر را بانگ می‌زند که فرمانروایی از آن فلانی، فرزند فلانی است؛ کشتار برای چیست؟». (۱)

محمد بن مسلم گفت:

«منادی از آسمان نام قائم را ندا می‌کند؛ به گونه‌ای که هر کس در شرق و غرب جهان باشد، آن را می‌شنود. در اثر آن صدا خفته بیدار می‌شود و ایستاده می‌نشیند و نشسته به پا می‌خیزد و آن، صدای جبرئیل امین است.» (۱)

پس از دو نشانه فوق - یعنی خروج سفیانی، در ماه رجب و ندای آسمانی، در ماه رمضان - تا زمان ظهور حضرت در ماه محرم، نزدیک شش ماه باقی است. منابع روایی اهل سنت، شماری از اقدامات امام را در این برهه، بیان می‌کند که می‌توان آن را در پیوستن حضرت به یاران خود در مدینه و سپس در مکه و دیدار وی با کسانی که از اطراف جهان - با شوق و اضطراب - جهت بیعت با او در پی آن حضرت می‌شتابند، خلاصه نمود.

در منابع شیعی، این شش ماه را در مرحله ظهور غیر علنی بعد از غیبت کبری، قلمداد می‌کنند (همان‌طور که غیبت، دو مرحله صغری و کبری دارد، ظهور نیز دارای دو مرحله صغری و کبری خواهد بود).

امام علیه السلام پس از خروج سفیانی، ظاهر می‌شود؛ سپس تا هنگام ظهور موعود خود - ماه محرم - پنهان می‌گردد؛ در روایت حدلم بن بشیر، از امام سجاده علیه السلام آمده:

«وقتی سفیانی خروج می‌کند، حضرت مهدی نهران می‌گردد و پس از آن، دوباره ظاهر می‌گردد.» (۲)

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳.

به عقیده ما، این روایت، تفسیری جز این ندارد که امام، بعد از خروج سفیانی و ندای آسمانی، ظاهر می‌شود و آنگاه تا هنگام ظهور معین خویش در محترم، از دید سیستم‌های اطلاعاتی، پنهان می‌گردد.
امام صادق علیه السلام فرمود:

«قائم قیام نمی‌کند، مگر آن‌که دوازده نفر، همگی اتفاق بر یک سخن کنند و گویند: او را دیده‌اند، ولی مردم حرف آنها را قبول نمی‌کنند.» (۱)

ظاهر این اتفاق - بر دیدن امام - مربوط به دورانی است که ایشان فقط، برای عده خاصی ظاهر می‌شوند تا تدریجاً مسأله ظهور قطعی، واقع شود و نام و یادش بالا گیرد. در این مدت، نقش رهبری حکومت‌های زمینه‌ساز ظهور را - که یمن و ایران هستند - نیز ایفا می‌کنند.

محتوای صیحه آسمانی چیست؟

در روایات، تعبیرهایی از قبیل صوت، فزعه و ندا به کار رفته است. این احتمال وجود دارد که آنها سه رویداد جدا از هم باشند؛ بدین گونه که ابتدا صدایی عظیم و وحشتناک به گوش جهانیان می‌رسد و همه را متوجه خود می‌کند که صیحه نامیده می‌شود. به دنبال آن، صدایی مهیب و هولناک شنیده می‌شود که دل‌های مردم را به وحشت می‌اندازد که فزعه نام دارد. آنگاه صدایی از آسمان شنیده می‌شود که مردم را به سوی مهدی فرا می‌خواند که ندا نامیده می‌شود؛ محتوای این پیام آسمانی، دعوت به

حق و حمایت و بیعت با مهدی است با تعبیرهای «إِنَّ الْحَقَّ لِعَلِيٍّ وَ شِيعَتِهِ
وَ إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ».

زمان و مکان ظهور حضرت مهدی علیه السلام

روایات، در مورد چگونگی آغاز نهضت ظهور و زمان آن، اندکی با هم تفاوت دارند، ولی آنچه بهتر به نظر می‌رسد این است که امام، نخست در میان ۳۱۳ تن از یاران خود، ظهور می‌کند؛ آنگاه - غروب نهم محرم - یک یک داخل مسجد الحرام می‌شوند و حضرت، نهضت خود را بعد از نماز عشاء، با ارسال پیام برای اهل مکه، آغاز می‌کند؛ سپس یاران او در آن شب، بر حرم و شهر مکه، مسلط می‌شوند و در روز دهم محرم، پیام خود را متوجه جهانیان - به زبان و لغت آنان - می‌نماید.

امام باقر فرمود:

«مهدی هنگام نماز عشا ظهور می‌کند؛ در حالی که پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد... وقتی نماز عشا را به جا آورد، با صدای رسا و بلند خود، می‌فرماید: ای مردم...» (۱).

امام باقر علیه السلام فرمود:

«حضرت مهدی علیه السلام هنگام قیام، به کعبه تکیه می‌کند و ۳۱۳ نفر، دور او حلقه می‌زنند و اولین سخنی که می‌گوید این آیه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» سپس

می گوید: من بقیة الله در روی زمین هستم؛ من حجت خدا بر شما هستم». (۱)

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«مهدی، از گردنه کوه طوی با ۳۱۳ تن - به عدد رزمندگان جنگ بدر - فرود می آید تا آن که وارد مسجدالحرام می شود و در مقام ابراهیم، دو رکعت نماز می خواند و به حجرالاسود تکیه می زند و پس از حمد و ثنای خدا و یاد و نام پیامبر و درود بر او، لب به سخن می گشاید؛ به گونه ای که هیچ یک از مردم، چنان سخن نگفته باشند. و نخستین کسانی که با او دست بیعت می دهند، جبرئیل و میکائیل می باشند». (۲)

در یک روز عاشورایی - که به گفته روایات، روز شنبه است - مهدی علیه السلام وارد مکه می شود؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«قائم، روز شنبه که روز عاشورا است - روزی که امام حسین علیه السلام در آن روز، به شهادت رسیده - ظهور می کند». (۳)

بعضی روایات، ظهور حضرت علیه السلام را در جمعه، بعد از نماز عشا، بیان کرده است. چگونگی جمع بین این روایات، این گونه است که ظهور امام علیه السلام در دو مرحله انجام می شود؛ تسلط امام بر حرم و مکه، شب دهم محرم است که مقدمه اعلان ظهور آن بزرگوار، برای جهانیان، در روز شنبه (که روز عاشورا است) خواهد بود.

به دست گرفتن زمام امور مکه، همراه با پشتیبانی مردمی و همچنین،

۱. کمال الدین، صدوق، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

تأثیر ۳۱۳ تن از یاران خاص حضرت - که نقش فرماندهی و جهت دادن به فعالیت دیگر یاران را دارند - بدون خونریزی و به سبب امداد غیبی، انجام می‌گیرد و شاید این امداد، از طریق ترس و وحشتی باشد که خداوند، در دل دشمنان او می‌اندازد و موج مردمی را عاشق و جویای امام می‌سازد. و نیز به واسطه نقشه متین و استواری است که آن حضرت، جهت تسلط بر حرم و مراکز قدرت، در مکه عملی می‌سازد.

طرح این عملیات، به جهت پاسداری از حرمت حرم و قداست مکه مکرمه، مورد عنایت آن حضرت می‌باشد؛ ابن حماد، در حدیثی نقل کرده:

«با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام بیعت می‌شود؛ در حالی که هیچ خوابی بیدار و هیچ خونی ریخته نمی‌شود». (۱)

یاران امام، چه کسانی هستند؟

برای این که پاسخ صحیحی به سؤال داده شود، لازم است که یاران حضرت را از حیث تعداد، کشور، شهر، صفات، شعار و شخصیت‌های مشهوری که ایشان را یاری می‌کنند، بررسی کنیم.

الف - اصحاب و یاران حضرت چند نفرند؟

شمار و تعداد اولیة یاران حضرت، که در منابع شیعه و سنی آمده است، به عدد یاران پیامبر، در جنگ بدر - یعنی ۳۱۳ نفر - ذکر شده است. امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«مهدی از گردنه کوه طوی با ۳۱۳ تن - به عدد رزمندگان

جنگ بدر- فرود می آید تا آن که وارد مسجد الحرام می شود» (۱).

عدد ۳۱۳ که بیانگر تعداد یاران و اصحاب خاص آن حضرت می باشد، متواتر است (۲). در بعضی روایات، تعداد ۵۰ نفر از ۳۱۳ تن را، از زنان دانسته اند؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمودند:

«در میان یاران حضرت مهدی، پنجاه زن وجود دارد» (۳).

می توان گفت: چون یاران اولیه حضرت سید و سیزده نفرند، بعداً شکل حکومت حضرت هم به صورت سید و سیزده ولایت می باشد و این افراد حاکمان زمین هستند؛ وقتی حضرت یکی از آنها را برای حکومت به جایی می فرستد هرگاه یکی از آنها بخواهد، امام را می بیند و با او حرف می زند؛

«حکام الارض لما يرسل احدهم يقول له مهما اشكل عليك حكم فانظر في كفك؛ امام می فرماید: اگر امری را نفهمیدی و نتوانستی قضاوت کنی به کف دست نگاه؛ کن حکمش را می بینی».

فرق اصحاب و انصار

البته میان اصحاب و انصار آن حضرت، فرق است؛ اصحاب مدیران و پرچم داران نهضت هستند که دارای آگاهی و لیاقت و صلاحیت لازم، برای فرماندهی نیروهای طرفدار حق می باشند؛ ولی انصار، همه مردم

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۵۲۳.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

پا کباخته و شایسته‌ای هستند که به لشکر حضرت می‌پیوندند و روزبه‌روز، بر تعدادشان افزوده می‌گردد.

ب - یاران، از چه کشورهایی هستند؟

یاران خاص حضرت، از کشورهای مختلف، نظیر ایران، عراق، سوریه، فلسطین، افغانستان، حجاز، یمن، مصر، فرانسه، پاکستان، ارمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، لبنان، هندوستان، بحرین، اتیوپی و... می‌باشند؛ چون انقلاب حضرت مهدی، جهانی است، یاران وی نیز، از همه جهان هستند.

یاران حضرت، از چه شهرهایی هستند؟

اصبغ بن نباته - از یاران صدیق حضرت امیر علیه السلام - می‌گوید:

«امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن ایراد خطبه‌ای، به ذکر مهدی و یاران او پرداخت؛ ابو خالد حلبی عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! مهدی را برای ما توصیف کن! حضرت علی علیه السلام فرمود: آگاه باشید! او شبیه‌ترین مردم - از نظر صورت و سیرت - به رسول خداست. بعد فرمود: آیا می‌خواهید شما را بر آنها و تعدادشان آگاه کنم؟ عرض کردم: بله یا امیرالمؤمنین! حضرت فرمود: از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: اولین آنها از بصره و آخرین آنها از یمامه است.

و علی علیه السلام شروع کرد به شمردن یاران مهدی و فرمود:

از بصره دو نفر؛ از اصفهان چهار نفر؛ از قم ده نفر؛ از زوراء (تهران) ده نفر؛ از اهواز، آمل، دامغان، ساوه، بروجرد، مراغه، خوی، کازرون، اردبیل و ابهر، هرکدام یک نفر؛ از سلماس و

همدان و شیراز و واسط و آبادان و حلب، هر کدام سه نفر
و...» (۱)

در حدیثی دیگر - که معروف به خطبة البیان است - از امیرالمؤمنین علیه السلام
به طور مفصل و با مقداری اختلاف با حدیث قبل، در مورد اصحاب
حضرت مهدی علیه السلام مطالبی نقل شده که ما طبق حروف الفبا، نام ایشان را
همراه با شهر و دیار آنان، ذکر می کنیم؛ با توجه به این که برخی از
شهرهایی که ذکر می شود، در گذر زمان، تغییر نام یافته و برخی ممکن
است در آینده ساخته شود.



ردیف	نام	شهر یا کشور	شماره	نام	شهر یا کشور
۱	ابان	شهر یا کشور	۳۱	جیبر	یمن
۲	ابراهیم	سنجار عراق	۳۲	جعفر	آبادان
۳	ابراهیم	اتیوپی؛ آفریقا	۳۳	جعفر	بحرین
۴	ابراهیم	جده عربستان	۳۴	جعفر	خلاط ارمنستان
۵	ابراهیم	سیواف ایران	۳۵	جعفر	سهم
۶	ابراهیم	شیراز	۳۶	جعفر	سیلان هندوستان
۷	ابراهیم	کوره لبنان	۳۷	جعفر	شیراز
۸	ابراهیم	مدینه	۳۸	جعفر	قزوین
۹	احمد	مکه	۳۹	جعفر	مدینه
۱۰	احمد	آبادان	۴۰	جعفر	نجف
۱۱	احمد	ارمنستان	۴۱	جمیل	طالقان
۱۲	احمد	بنداد	۴۲	جمیل	یمامة حجاز
۱۳	احمد	جمارة نجف	۴۳	حجر	یمن
۱۴	احمد	شوشتر	۴۴	حدیقه	مرو خراسان
۱۵	احمد	عقر عراق	۴۵	حسن	اسکندریه مصر
۱۶	احمد	فرانسه	۴۶	حسن	بلخ افغانستان
۱۷	احمد	فسطاط مصر	۴۷	حسن	بلس سوریه
۱۸	احمد	معاده نیشابور	۴۸	حسن	سیلان هندوستان
۱۹	احمد	سعداوه	۴۹	حسن	کوبلا
۲۰	احمد	نصیبین ترکیه	۵۰	حسن	مدینه
۲۱	ایوب	یمن	۵۱	حسن	معاده نیشابور
۲۲	یشر	طالقان	۵۲	حسین	ارمنستان
۲۳	یشر	بیت المقدس	۵۳	حسین	سریل ذهاب
۲۴	بکیر	مرقیه سوریه	۵۴	حسین	کوبلا
۲۵	تقلب	بحرین	۵۵	حسین	کوبلا
۲۶	تکبه	معاده نیشابور	۵۶	حسین	مدینه
۲۷	جابر	خرشان بحرین	۵۷	حسین	معاده مرو
۲۸	جابر	فسین	۵۸	حسین	فادسیه عراق
۲۹	جابر	طالقان	۵۹	جعفر	حمص سوریه
۳۰	جبرئیل	یمن	۶۰	جعفر	رهاط مکه
		صفا	۶۱	جعفر	طالقان

آبادان	شیبان	۹۳	سرخس	حفص	۶۲
اسکندریه مصر	شیبان	۹۴	اتیوی	حمدات	۶۳
شوش خوزستان	شیبان	۹۵	آبادان	حمزه	۶۴
یمن	شیبان	۹۶	صنعا یمن	حمزه	۶۵
بلقاردن	صادق	۹۷	مدینه	حمزه	۶۶
شیراز	صالح	۹۸	سیراف ایران	حوقل	۶۷
طالقان	صالح	۹۹	یمن	حوش	۶۸
عمان	صالح	۱۰۰	سیراف ایران	خالد	۶۹
قزوین	صالح	۱۰۱	طالقان	خالد	۷۰
حلب سوریه	صبیح	۱۰۲	بیت المقدس	داوود	۷۱
مراغه	صدقه	۱۰۳	طالقان	داوود	۷۲
ساده یمانه	صلیب	۱۰۴	عمان	داوود	۷۳
اعقیل	ضابط	۱۰۵	طائف	داوود	۷۴
جده عربستان	طالوت	۱۰۶	دمشق	داوود	۷۵
فسطاط مصر	طاهر	۱۰۷	مصر	دزاج	۷۶
مدینه	طاهر	۱۰۸	تمیم	ربان	۷۷
معاده مرو	طاهر	۱۰۹	طائف	زکریا	۷۸
رملة فلسطین	طریق	۱۱۰	صنعه	زید	۷۹
عسکر مکرم خوزستان	طبیب	۱۱۱	طائف	سبا	۸۰
یمانه حجاز	ظافر	۱۱۲	یضا	سعد	۸۱
یمن	عاصم	۱۱۳	طالقان	سعد	۸۲
ضیف نجد	عالم	۱۱۴	یمانه	سعدان	۸۳
آبادان	عامر	۱۱۵	یضا	سعید	۸۴
بحرین	عامر	۱۱۶	عکا فلسطین	سعید	۸۵
یمن	عامر	۱۱۷	صنعا یمن	سمیع	۸۶
سامرا	عامر	۱۱۸	معاده مرو	سوید	۸۷
مدینه	عباس	۱۱۹	ضیف نجد	سهیل	۸۸
سند پاکستان	عبدالرحمن	۱۲۰	ساده یمانه	شیب	۸۹
منصوریه بهبهان	عبدالرحمن	۱۲۱	اسکندریه مصر	شیل	۹۰
انطاکیه	عبدالرحمن	۱۲۲	مرفیه سوریه	شعیب	۹۱
دمشق	عبدالرحمن	۱۲۳	دیار	شعیب	۹۲

طالبان	علوان	۱۵۵	طالبان	عبدالرحمن	۱۲۲
بصره	علی	۱۵۶	هونیق مصر	عبدالسلام	۱۲۵
حله	علی	۱۵۷	طالبان	عبدالعزیز	۱۲۶
سمرقند ازبکستان	علی	۱۵۸	دورق اهواز	عبدالغفور	۱۲۷
سنجار عراق	علی	۱۵۹	هجر یمن	عبدالقدوس	۱۲۸
طائف	علی	۱۶۰	معاذ مرو	عبدالقدیم	۱۲۹
طالبان	علی	۱۶۱	بنداد	عبدالله	۱۳۰
فوانسه	علی	۱۶۲	شیراز	عبدالله	۱۳۱
قزوین	علی	۱۶۳	طالبان	عبدالله	۱۳۲
مدینه	علی	۱۶۴	فسطاط مصر	عبدالله	۱۳۳
معاذ مرو	علی	۱۶۵	قزوین	عبدالله	۱۳۴
ضیحه	علی	۱۶۶	کاشان	عبدالله	۱۳۵
نصیبین ترکیه	علی	۱۶۷	کرمان	عبدالله	۱۳۶
نیشابور	علی	۱۶۸	معاذ مرو	عبدالله	۱۳۷
همدان	علی	۱۶۹	مکه	عبدالله	۱۳۸
یمن	عقار	۱۷۰	الطایفه سوریه	عبدالله	۱۳۹
طالبان	عمر	۱۷۱	طائف	عبدالله	۱۴۰
مسلمان فلسطین	عمر	۱۷۲	بنداد	عبدالمنقلب	۱۴۱
قزوین	عمر	۱۷۳	آبادان	عبدالهمین	۱۴۲
کازرون	عمر	۱۷۴	آبادان	عبدالوارث	۱۴۳
منصوریه بهبهان	عمر	۱۷۵	اسکندریه مصر	عبدالوارث	۱۴۴
مہجم یمن	عمر	۱۷۶	شیر سوریه	عبدالوہاب	۱۴۵
بیت المقدس	عمران	۱۷۷	شوش خوزستان	عبدالوہاب	۱۴۶
آبادان	عمرو	۱۷۸	طالبان	عبدون	۱۴۷
اغیر	عمرو	۱۷۹	کاشان	عبدالله	۱۴۸
مکه	عمرو	۱۸۰	الطایفه سوریه	عبدالله	۱۴۹
شوبک	عمیر	۱۸۱	کوله	عتاب	۱۵۰
نجد حجاز	عمیر	۱۸۲	مصر	عجلدن	۱۵۱
شهرکرد	عون	۱۸۳	لطیف عربستان	عزیز	۱۵۲
عدن	عون	۱۸۴	واسطه عراق	عقیل	۱۵۳
اتیوپی	عبسی	۱۸۵	انبار عراق	علوان	۱۵۴

منصوره تربت جام	مالک	۲۱۷	طالبان	عبسی	۱۸۶
مهبم یمن	مالک	۲۱۸	اعقل	فریان	۱۸۷
یمن	مالک	۲۱۹	کوله	غیاث	۱۸۸
قلیف عربستان	مبارک	۲۲۰	هونیق مصر	فارس	۱۸۹
سمرقند ازبکستان	مجاهد	۲۲۱	نوبه سودان	فاضل	۱۹۰
شهر ری	مجمع	۲۲۲	طالبان	فایح	۱۹۱
بصره	محارب	۲۲۳	عرفه مکه	فرج	۱۹۲
خویج آذربایجان	محروز	۲۲۴	طالبان	فضیل	۱۹۳
اسکندریه مصر	محسن	۲۲۵	سعداوه	فلاح	۱۹۴
اتیوپی	محمد	۲۲۶	طبریة فلسطین	فلیح	۱۹۵
آبادان	محمد	۲۲۷	عسقلان فلسطین	فهد	۱۹۶
تفلیس ارمنستان	محمد	۲۲۸	موصل	فهد	۱۹۷
حلب سوریه	محمد	۲۲۹	یمن	فهد	۱۹۸
خلدط ارمنستان	محمد	۲۳۰	انطاکیه ترکیه	فادم	۱۹۹
بالس سوریه	محمد	۲۳۱	آبادان	فاسم	۲۰۰
سنجار بخارا	محمد	۲۳۲	کوخ بغداد	فاسم	۲۰۱
عسقلان فلسطین	محمد	۲۳۳	مدینه	فاسم	۲۰۲
عمان	محمد	۲۳۴	طالبان	قبضه	۲۰۳
قزوین	محمد	۲۳۵	حبش	کتیر	۲۰۴
کبش بغداد	محمد	۲۳۶	معاذ نیشابور	کتیر	۲۰۵
کوله	محمد	۲۳۷	یمن	کعب	۲۰۶
مدینه	محمد	۲۳۸	یمن	کثوم	۲۰۷
معاذ نیشابور	محمد	۲۳۹	هونیق مصر	کلب	۲۰۸
مکه	محمد	۲۴۰	لجویه آریقا	کوتر	۲۰۹
منصوره اهواز	محمد	۲۴۱	عمان	کوش	۲۱۰
بالس سوریه	محمد	۲۴۲	طالبان	لقمان	۲۱۱
مهبم یمن	محمد	۲۴۳	بحرین	لیث	۲۱۲
نجف	محمد	۲۴۴	قزوین	لیث	۲۱۳
مدینه	محمد	۲۴۵	یمن	مالک	۲۱۴
حلب سوریه	محمد	۲۴۶	سیراف ایران	مالک	۲۱۵
حله عراق	محمد	۲۴۷	عماره عراق	مالک	۲۱۶

شوشتر	هلا	۲۷۹	سامراء	مرای	۲۳۸
طائف یمن	هلا	۲۸۰	عکا	مروان	۲۳۹
عمان	هواشب	۲۸۱	خرشان بحرین	مسنون	۲۵۰
سن تکریت عراق	هود	۲۸۲	کلاب	مسطر	۲۵۱
طالقان	هود	۲۸۳	الومة هذیل	مشر	۲۵۲
کوفه	هود	۲۸۴	کازرون	معمر	۲۵۳
جباره نجف	یحیی	۲۸۵	تکریت عراق	مقداد	۲۵۴
صنعا یمن	یحیی	۲۸۶	طالقان	ملاعب	۲۵۵
طالقان	یحیی	۲۸۷	منصوریه اهواز	ملاعب	۲۵۶
انطاکیه - سوریه	یحیی	۲۸۸	اعتیل	منبه	۲۵۷
سعداوه	یحیی	۲۸۹	عدن یمن	موسی	۲۵۸
قم	یعقوب	۲۹۰	هجر بحرین	موسی	۲۵۹
معاده مرو	یعقوب	۲۹۱	رملة فلسطین	مومی	۲۶۰
صفلان فلسطین	یوسف	۲۹۲	طالقان	مهاجر	۲۶۱
طائف	یوسف	۲۹۳	نیشابور	مهاجر	۲۶۲
اصفهان	یونس	۲۹۴	مکر مکرم خوزستان	میمون	۲۶۳
عمان	یونس	۲۹۵	سرخس مشهد	ناجیه	۲۶۴
فسطاط مصر	یونس	۲۹۶	یمن	ناصر	۲۶۵
کازرون (۱)	یونس	۲۹۷	بالی سوریه	نصیر	۲۶۶
			بحرین	نصیر	۲۶۷
			معاده مرو	نعیم	۲۶۸
			خونج آذربایجان	نوح	۲۶۹
			سیلان هند	نوح	۲۷۰
			شیبان	نهراسش	۲۷۱
			هرات افغانستان	نهروش	۲۷۲
			نوبه مصر	واصل	۲۷۳
			صفلان فلسطین	هارون	۲۷۴
			قزوین	هارون	۲۷۵
			سلماس	هارون	۲۷۶
			نجد عربستان	هارون	۲۷۷
			موصل	هارون	۲۷۸

۱. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۱۶،
بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

تعداد انصار حضرت، دوازده هزار تن می باشد

پس از چند روز توقف در مکه، عده یاران حضرت از مرز دوازده هزار تن تجاوز می کند و پس از وقوع معجزه فرو رفتن دشمنان در زمین، حضرت همراه با سپاه خود، به سوی مدینه حرکت می کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«مهدی با لشکری دوازده هزار نفری یا پانزده هزار نفری، از مکه حرکت می کند و در دل دشمنان، ترس و وحشت می اندازد و هیچ دشمنی با آنها روبرو نمی شود، مگر این که به یاری خدا نابود می شود؛ شعار آنها، بمیران بمیران است؛ در راه خدا، از هیچ ملامتی هراس ندارند.» (۲)

آن حضرت، سی و شش هزار تن، محافظ دارد

این تعداد که گفته شد، یارانی بودند که از مکه حرکت می کنند، اما تعداد یارانی که به سپاه حضرت می پیوندند و امام همراه با آنها وارد عراق و بیت المقدس می شود و آن را آزاد می کند، به صدها هزار تن می رسد و شمار ارادتمندان، از میلیون ها نفر نیز تجاوز می کند؛ و تنها محافظین حضرت در قدس، به سی و شش هزار نفر می رسند. (۳)

یارانی که همراه با سپاه خود، به امام می پیوندند عبارتند از: هاشمی خراسانی، سید حسنی، شعیب بن صالح و... که در مباحث بعدی، ما به معرفی این سری از یاران حضرت می پردازیم.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۰۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۱۷.

ج - شخصیت‌های مشهوری که حضرت را یاری می‌کنند

۱ - هاشمی خراسانی

هرچند که در بعضی روایات، تنها خراسانی آمده است نه هاشمی؛ ولی آن‌گونه که از منابع سنی و شیعی استفاده می‌شود، خراسانی از نسل امام مجتبی علیه السلام یا امام حسین علیه السلام است؛^(۱) بنابراین هاشمی و خراسانی یکی هستند.

هاشمی خراسانی، رهبر بزرگ مشرق زمین است که یا به عنوان ولی فقیه و مرجع تقلید و یا رهبر سیاسی در کنار مرجع نقش هدایت جامعه را ایفاء می‌کند.

سید خراسانی - چنان‌که در روایات آمده - دارای صورتی نورانی و خالی بر گونه راست است.

فرمانده سپاه هاشمی، مردی است از بنی تمیم به نام شعیب بن صالح؛ بین سید هاشمی و سفیانی جنگ بزرگی واقع می‌شود و سپاه هاشمی پیروز می‌گردد و در آن هنگام، تمنای دیدار مهدی را کنند و در طلب او برآیند.^(۲)

۲ - شعیب بن صالح

شعیب فرمانده سپاه سید خراسانی است؛ وی و افراد تحت فرمانش، همگی عاشق دیدار و بیعت با مهدی منتظر هستند.

جابر نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

«پرچم‌های سیاهی که از خراسان هستند، به کوفه وارد می‌شوند؛

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۹۳.

۲. عقد الدرر، ص ۱۲۷.

هرگاه مهدی علیه السلام ظاهر شد، با او بیعت می‌کنند» (۱).

صفات شعیب بن صالح - که فرمانده نظامی نیروهای ایرانی است - در روایات، این‌گونه ذکر شده است:

«جوانی است از شهر ری (تهران)، گندم‌گون، لاغر، دارای محاسن کم‌پشت، صاحب بصیرت و یقین و اراده‌ای خلل‌ناپذیر؛ از جنگاوران نام‌آور و ممتاز، مردی شکست‌ناپذیر و استوار که اگر کوه در مقابلش بایستد، آن را منهدم کرده و عبور می‌نماید...» (۲).

آیا نام خراسانی و شعیب، دو نام سمبلیک است یا حقیقی؟

روایات، نام واقعی سید خراسانی را ذکر نکرده‌اند و اما نسبت ایشان به خراسان، به این دلیل نیست که حتماً از استان خراسان باشد؛ چون در صدر اسلام، به کل منطقه مشرق زمین - که شامل ایران و افغان و مناطقی از شوروی سابق می‌شد و همگی جزء محدوده ایران بود - خراسان اطلاق می‌شد؛ بنابراین شخص خراسانی، اهل هر منطقه‌ای از این محدوده باشد، نسبت او به خراسان صحیح است.

اما شعیب بن صالح، احتمال دارد که جهت حفظ و ایمنی، نام او مستعار باشد. بعضی روایات، او را اهل سمرقند - که اکنون در اشغال

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۹۸-۳۹۹.

شوروی سابق است - می‌داند؛ البتّه بیشتر روایات، او را اهل ری (تهران) می‌شمرد و این‌که با قبیلهٔ بنی تمیم، نسبتی دارد، احتمال دارد که در اصل، اهل جنوب ایران باشد؛ زیرا در آن‌جا هنوز عشایری از قبیلهٔ بنی تمیم وجود دارد، یا این‌که اجداد او، از آن قبیله باشند و وی نَسَباً به بنی تمیم برسد و به همین لحاظ، تمیمی محسوب می‌شود.

پیامبر فرمود:

«پرچم‌های سیاهی به نفع بنی‌العبّاس - از خراسان - خروج می‌کنند و مدتی که خدا بخواهد، بر اریکهٔ قدرت خواهند بود (قیام ابومسلم خراسانی). پس پرچم‌های سیاه کوچکی خارج می‌شوند و با مردی از فرزندان ابوسفیان می‌جنگند؛ آنها که قیام کرده‌اند، از مشرق (خراسان) هستند و خود را تسلیم حضرت مهدی علیه السلام می‌نمایند.» (۱)

۳ - سید حسنی

یکی دیگر از یاوران اصلی حضرت مهدی - از منطقهٔ مشرق زمین - سید حسنی است که از سرزمین دیلم قیام می‌کند و مردم را به یاری مردی که در کنار ضریح فریاد برآورده دعوت می‌کند؛ گنج‌های خدا در طالقان، به دعوت او لبیک می‌گویند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام بنا بر نقل مفضل فرمود:

«آنگاه سید حسنی - آن جوانمرد زیباروی که از طرف سرزمین

دیلم پیدا می‌شود - قیام می‌کند؛ به آواز بلند و صدای رسا - که همه مردم بشنوند - فریاد برمی‌آورد که ای آل محمد! مضطر را اجابت کنید و به صدای آن منادی که در اطراف ضریح فریاد برآورده، جواب دهید! گنج‌های خدا در طالقان،^(۱) او را جواب خواهند داد. گنج‌اند اما چه گنجی؟ این گنج‌ها طلا و نقره نیستند؛ بلکه آنها دلیرمردانی آهنین اراده هستند که بر مرکب‌های جنگی تیره‌رنگ سوارند و انواع سلاح‌ها در دست آنهاست و همواره ستمگران را می‌کشند؛ تا وارد کوفه شوند و بیشتر روی زمین را از وجود ظالمین، پاک می‌کنند؛ کوفه را محل اقامت و پایگاه نظامی خود قرار می‌دهد و در این هنگام، خبر ظهور مهدی به او می‌رسد؛ اصحابش از او سؤال می‌کنند: مهدی کیست؟ سید حسنی در جواب می‌گوید: بیاید با هم برویم ببینیم او کیست و چه می‌خواهد؟!».

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«به خدا قسم که سید حسنی می‌داند که او مهدی است و او را به خوبی می‌شناسد؛ مقصودش از این حرف، این است که

۱. طالقان منطقه‌ای است در رشته کوه‌های البرز، در صد کیلومتری شمال غرب تهران. بهتر است که مراد از اهل طالقان، اهل ایران باشد، نه خصوص منطقه جغرافیایی طالقان. اما این که امامان، اهل ایران را اهل طالقان نامیده‌اند، ممکن است با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و خصوصیات خوب اخلاقی و دینی اهالی آن سامان باشد.

حقیقت آن حضرت را بر یاران خود، آشکار سازد». (۱)
 در روایات از طالقان و مردم آن، زیاد تعریف شده است و ما در
 صفات یاران مهدی علیه السلام یکی از آن روایات را ذکر خواهیم کرد.
 در روایتی دیگر، سخن از قیام گیلانی است که مردم دیلم، به یاری او
 بر می‌خیزند؛ چنان‌که علی علیه السلام فرمود:

«قیام‌کننده‌ای که از ما است، از گیلان قیام می‌کند و آن مشرقی
 او را در دفع شیعه عثمان یاری می‌دهد و مردم آبر و دیلم او را
 اجابت می‌کنند و از ناحیه او به نعمت می‌رسند و...». (۲)

در روایتی دیگر، سید حسنی را به عنوان صاحب طبرستان معرفی
 کرده‌اند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین در خطبه ملاحم فرموده است:

«حسنی - صاحب طبرستان - همراه عده زیادی از سواره و
 پیاده، قیام می‌کند تا این‌که به نیشابور می‌رسند و آن‌جا را فتح
 می‌نمایند و اموال آن را تقسیم می‌کنند؛ سپس به اصفهان و قم
 می‌آیند و در قم بین او و مردم، درگیری بزرگی واقع می‌شود و با
 یکدیگر به جنگ می‌پردازند؛ چون مردم قم در مقابل حسنی
 می‌ایستند، تا این‌که عده زیادی کشته می‌شوند و عده‌ای فرار
 می‌کنند؛ آنگاه حسنی اموال آنها را مصادره می‌کند و زنان و
 اولادشان را اسیر می‌کند و خانه‌هایشان را خراب می‌کند...»

حسنى چهل روز در قم مى ماند...» (۱)

با توجه به اين كه گيلان و طبرستان از ديلم است، اختلافى بين روايات فوق‌الذکر نخواهد بود و گيلانى و طبرستانى، همان سيد حسنى است كه براى يارى مهدى عليه السلام قيام مى كند و بنا بر اين وجهى ندارد كه مانند بعضى از نويسندگان، قيام گيلانى را غير از حسنى بدانيم.

۴- يمنى

يكى از انقلاب‌هاى زمينه‌ساز ظهور حضرت مهدى عليه السلام، انقلاب يمنى است كه در روايت، به حتمى بودن آن تصريح شده است؛ يمنى منسوب به يمن است و از آن سامان قيام مى كند؛ چنان كه امام صادق عليه السلام فرمود: «قبل از قيام قائم، وقوع پنج علامت، حتمى است: يمنى، سفيانى، صيحة آسمانى، كشته شدن نفس زكيه و فرو رفتن در يابان» (۲).

در بعضى روايات، قيام يمنى و پرچم او را، هدايت‌كننده‌ترين پرچم‌ها دانسته و يارى كردن آن را واجب شمرده و نام او را حسن يا حسين از نسل زيد بن على دانسته است؛ چنان كه امام صادق عليه السلام فرمودند: «خروج اين سه تن - خراسانى، سفيانى و يمنى - در يك سال و يك ماه و يك روز اتفاق مى افتد، پرچم يمنى از همه هدايت‌كننده‌تر است؛ زيرا او دعوت به حق مى كند» (۳).

۱. بحار الانوار، كتاب السماء و العالم.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

یمانی از یاران حضرت مهدی است و با سفیانی می‌جنگد. (۱)
 روایات دیگری در ستایش از اهل یمن، وارد شده است. (۲)
 بنابراین حرکت یمنی‌ها سببلی از یک قیام بر حق، در مقابل گمراهی
 است که از یمن آغاز می‌گردد.

۵- مصری

در بحار الانوار آمده است:

«پیش از سفیانی، مصری و یمنی خروج می‌کنند». (۳)

در روایات زیادی آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«در میان یاران مهدی، افرادی شایسته از مصر وجود دارد». (۴)

این فرمانده مصری، جنبشی در مصر ایجاد می‌کند و اعلان جنگ
 می‌دهد؛ در بحار الانوار آمده است:

«سرکرده فرماندهان، در مصر قیام می‌کند و سپاهیان، تجهیز و

بسیج می‌شوند». (۵)

۶- حضرت خضر علیه السلام

بخشی از روایات، دلالت دارد که حضرت خضر در کنار حضرت
 مهدی علیه السلام به سر می‌برد و برنامه و دستورش را از امام عصر می‌گیرد و در
 خدمت امام است؛ در این زمینه، امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۳۳.

۲. همان، ص ۲۸۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۴. همان، ص ۳۳۴.

۵. همان، ص ۲۰۸.

«خضر علیه السلام از آب حیات نوشید و از این رو زنده است و نمی‌میرد تا در صور اسرافیل دمیده شود. البته او نزد ما می‌آید و به ما سلام می‌دهد و ما صدای او را می‌شنویم، ولی شخص او را نمی‌بینیم. هر جا که نام او برده شود، باید بر او درود فرستاد. او در موسم حج حاضر شده و تمام مناسک حج را به جا می‌آورد و در عرفات وقوف می‌کند و دعای مؤمنان را آمین می‌گوید و خداوند، تنهایی قائم ما را به وسیله آن حضرت، به انس و الفت، و وحدت وی را در کنار او به پیوستگی، بدل سازد.» (۱)

۷- حضرت مسیح علیه السلام

روایات، حکایت از این دارد که عیسی مسیح علیه السلام، از آسمان برای یاری مهدی علیه السلام فرود می‌آید و وزیر دست راست مهدی علیه السلام است و با مسیحیان شرق و غرب، احتجاج می‌کند و بین مهدی علیه السلام و غربی‌ها پیمان صلحی برقرار می‌سازد. (۲)

در ۱۹ حدیث وارد شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طرق مختلف، حکایت از آن دارد که عیسی علیه السلام به مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند و پشت سر او نماز می‌گزارد. (۳)

۸- نفس زکیه

یکی از نشانه‌های حتمی ظهور، کشته شدن نفس زکیه است که در

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، صص ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۹.

۳. همان.

مکانی بین رکن و مقام، کشته می‌شود و ایشان پسری از آل محمد صلی الله علیه و آله است. (۱) فاصله شهادت نفس زکیه تا ظهور قائم علیه السلام بیش از پانزده شبانه روز نیست. (۲)

نفس زکیه یعنی نفسی پاک و رشد کرده و پاکیزه شده که در سایه علم و اخلاص و فداکاری و امتحان، آن شخص پاک و کامل شده و در مقابل فتنه‌های حاکم و ظالم می‌ایستد و به شهادت می‌رسد.
یاران دیگر حضرت علیه السلام عبارتند از:

۹ - حاکم آفریقا

۱۰ - اصحاب کهف

۱۱ - الیاس پیامبر

۱۲ - ملائکه الهی و امدادهای غیبی (۳)

د - صفات یاران حضرت مهدی علیه السلام

۱ - جوانی

برخی از روایات می‌گویند:

«بیشتر یاران آن حضرت را جوانان تشکیل می‌دهند و میان سال در بین آنها، بسیار اندک است؛ همچون نمک، در توشه مسافر».

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۳۷.

۲. ارشاد مفید، مترجم، ص ۶۹۷.

۳. همان، ص ۵۲۳.

چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

یاران مهدی جوان هستند و میان سال در بین آنها نیست، مگر مانند سرمه چشم و نمک که کمترین توشه مسافر، نمک است. (۱)

هر چند از عمر حضرت صدها سال گذشته ولی هنگام ظهور جوان هستند چنان که امام حسن علیه السلام فرمودند:

«خداوند مهدی را به قدرت خویش در سیمای جوانی کمتر از چهل سال آشکار می کند». (۲)

۲- عجمی

مراد از عجم، غیر فصیح و غیر عرب است؛ بنابراین شامل کلیه زبانها می شود؛ چون همه زبانهای دیگر، در مقابل زبان عربی - که فصیح است - عجم و غیر فصیح به شمار می رود. ابن عربی گفته:

«یاران مهدی از عجم هستند و عرب در بین آنها نیست، اما جز به زبان عربی سخن نمی گویند».

امام باقر علیه السلام فرمود:

«یاران قائم سیصد و سیزده نفر از فرزندان عجم هستند که بعضی از آنان به هنگام روز، در میان ابر حمل می شوند و به نام خود و به نام پدرش و نسبش و خصوصیاتش معروف است و بعضی از آنان، در حالی که در بسترشان به خواب فرو رفته اند، در مکه

۱. «ان اصحاب القائم شباب لا كهول فيهم الا كالكحل في العين او كالمح في الزاد و اقل الزاد الملح»؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴.

۲. کمال الدین، ص ۳۱۵.

- بدون قرار قبلی - حاضر می‌شوند». (۱)

در حدیثی دیگر آمده که:

«نُجَبایی از مصر و ابدالی از شام و نیکانی از عراق، در بین یاران هستند». (۲)

کشورهای فوق، عرب اصیل و خالص نیستند؛ بنابراین تعداد زیادی عرب غیراصیل در بین یاران حضرت، وجود دارند.

۳- قدرت بی‌نظیر

ابوبصیر نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«گفتار حضرت لوط، درباره قومش که فرمود: ای کاش مرا قوتی

یا پناهگاهی امن و استوار می‌بود که از شرّ شما محفوظ

می‌ماندم، (۳) آرزویی است بر قدرت قائم ما مهدی علیه السلام و

استواری یارانش که همان ارکان محکم می‌باشند.

هرکدام از یاران مهدی علیه السلام دارای قدرت چهل مرد است.

دل‌های آنها از پاره‌های فولاد، محکم‌تر است. اگر برکوه‌ها

بگذرند، کوه‌ها درهم فرو ریزند. دست از شمشیرهای خود (در

پیکار با دشمنان) باز نمی‌گیرند تا آن‌که خدای تعالی راضی

شود». (۴)

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

۱. غیبت نعمانی، ب ۲۰، ش ۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴.

۳. سوره هود، آیه ۸۰.

۴. ینابیع المودة، ص ۵۰۹.

«هنگامی که پرچم مهدی علیه السلام به اهتزاز در آید، مؤمنی نخواهد بود مگر این که قلبش از پاره‌های فولاد، محکم‌تر و نیروی چهل مرد به وی عطا می‌شود» (۱)

۴- پارسایان شب و شیران روز

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«مهدی علیه السلام به هنگام عشاء، در مگه، در میان سیصد و سیزده نفر از مردانی که به عدد اصحاب بدر هستند، ظهور خواهد نمود که بدون قرار قبلی، همچون ابرهای پاییزی (از گوشه و کنار جهان و به سرعت) جمع می‌شوند. پارسایان شب و شیران روزند» (۲)

۵- عاشق و مطیع رهبری

امام صادق علیه السلام فرمود:

«این شیرمردان پیروز و عقابان تیزچنگ، برای تبرک و فرخندگی، دست خویش به زین اسب امام می‌کشند و بدین سان تبرک می‌جویند؛ آنان او را در میان می‌گیرند و جان خویش را در جنگ‌ها، پناه او می‌سازند و هرچه را اشاره کند، با جان و دل انجام می‌دهند. برخی از آنان، هنگام شب، نخوابند؛ زمزمه قرآن و مناجاتشان - همچون زنبوران عسل - فضا را آکنده سازد؛ تا بامداد، به عبادت خدای بایستند و بامدادان، سوار بر مرکب‌ها شوند.

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۶۷.

۲. الحاوی، ج ۲، ص ۱۴۴.

آنان راهبان شب و شیران روز و گوش به فرمان امام خویش هستند. ایشان چون مشعل‌های فروزانند که دل‌های استوارشان، به سان قندیل‌های نور، در سینه‌هایشان آویخته شده است. این مردان، تنها از خدا می‌ترسند؛ فریاد لا اله الا الله و الله اکبر آنان بلند است؛ همواره شهادت و کشته شدن در راه خدا را آرزو می‌کنند». (۱)

هـ- شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام

۱- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«شعار یاران مهدی علیه السلام، بمیران بمیران است». (۲)

۲- امام صادق علیه السلام فرموده است:

«شعار آنان، یا لثارات الحسین (بیاید به خون خواهی حسین!) است». (۳)

دشمنان حضرت

۱- یهود

یکی از دشمنان خطرناک حضرت مهدی علیه السلام و یارانش، یهود است؛ خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

«همانا شدیدترین مردم، در دشمنی با آنان که ایمان آورده‌اند، یهودیان و مشرکان هستند». (۴)

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۰۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۴. سورة مائده، آیه ۸۳.

چنان‌که از بعضی روایات استفاده می‌شود، سفیانی (سخت‌ترین دشمن امام) از جانب غربی‌ها و یهود حمایت می‌شود. اساساً سفیانی را برای حمایت از مرزهای اسرائیل و سرکوب نیروهای انقلابی، روی کار می‌آورند تا اربابان او از خطر حمله سپاه خراسانی و یاوران مهدی - که برای آزادی قدس، به حرکت آمده‌اند - در امان باشند. در آیاتی از سوره مبارکه اسراء چنین آمده است:

«ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم که دوبار در زمین، فساد خواهید کرد، و برتری جویی بزرگی خواهید نمود. هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما می‌انگیزیم (تا شما را سخت درهم کوبند؛ حتی برای به دست آوردن مجرمان)، خانه‌ها را جستجو می‌کنند؛ و این وعده‌ای است قطعی.

سپس شما را بر آنها چیره می‌کنیم؛ و شما را به وسیله دارایی‌ها و فرزندان کمک می‌کنیم و نفرات شما را بیشتر قرار می‌دهیم. اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛ و اگر بدی کنید، بازهم به خود می‌کنید.

و هنگامی که وعده دوم فرا رسد، (آن‌چنان بر شما سخت خواهند گرفت که) آثار غم و اندوه در صورت‌هایتان ظاهر می‌شود؛ و داخل مسجد (الاقصی) می‌شوند همان‌گونه که بار اول وارد شدند؛ و آنچه را زیر سلطه خود می‌گیرند، درهم می‌کوبند» (۱).

امام صادق علیه السلام در تفسیر «بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما می‌انگیزیم» فرمودند:

«آنان کسانی هستند که خداوند، قبل از ظهور قائم، آنها را برمی‌انگیزد و آنان، دشمنی از دشمنان آل پیامبر را فرا نمی‌خوانند مگر این‌که او را به قتل می‌رسانند» (۱).

عیاشی در تفسیر خود، از امام باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت، پس از تلاوت آیه «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا» فرمودند:

«او، قائم و یاران اویند که دارای قوّت و نیروی زیادی هستند» (۲).

از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت، آیه شریفه فوق را تلاوت فرمود؛ یاران عرض کردند: فدایت شوم! اینها چه کسانی هستند؟ حضرت سه مرتبه فرمود:

«به خدا قسم! آنان اهل قم هستند» (۳).

ظاهر روایات موجود - در منابع شیعه و سنی - از نبرد مسلمانان با یهود، در آخر الزّمان، همین نبرد است؛ چنان‌که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«قیامت برپا نمی‌شود، مگر آن‌که بین مسلمانان و یهود، کارزاری رخ می‌دهد؛ به گونه‌ای که مسلمانان، همه آنها را به هلاکت می‌رسانند، تا جایی که اگر شخصی یهودی (محارب)

۱. نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸.

۲. همان.

۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

در پشت صخره یا درخت، پنهان شود، آن سنگ و درخت به صدا درآید و گوید: ای مسلمان! این یهودی (محارب) است که در پناه من مخفی شده، او را هلاک کن!». (۱)

از روایات مذکور به دست می‌آید که خداوند، به وسیله ایرانیان، زمینه ظهور را فراهم می‌کند و مقاومت یهود در برابر مسلمانان، در چند نوبت است که نابودی نهایی یهود، به دست حضرت مهدی است.

بیرون آوردن تورات اصلی، از غار انطاکیه و کوهی در شام و فلسطین و دریاچه طبریّه، توسط حضرت مهدی علیه السلام و استدلال آن حضرت بر یهودیان نیز، نمونه‌ای از برخوردهای فرهنگی است که در مقام ارائه برهان، از آن استفاده می‌شود؛ از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«تورات و انجیل را از سرزمینی که انطاکیه نامیده می‌شود، بیرون می‌آورد». (۲)

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود:

«صندوق مقدّس، از دریاچه طبریّه به دست وی آشکار می‌شود و یارانش آن را آورده و در پیشگاه او در بیت المقدّس قرار می‌دهند و چون یهودیان آن را مشاهده نمایند، جمعیت زیادی از آنها اسلام می‌آورند که حدود سی هزار هستند». (۳)

۱. مسند احمد، ج ۲، ص ۴۱۷؛ معجم احادیث الامام مهدی، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۵.

۳. معجم احادیث الامام مهدی، ج ۱، ص ۳۴۴؛ الملاحم و الفتن، ص ۶۹.

۲- جنبش سفیانی

روایت، جنبش سفیانی را بسیار سخت و سریع توصیف کرده است. چون اوضاع جهانی به اندازه‌ای وخیم می‌شود که منجر به نبرد می‌گردد، سرزمین شام - که فتنه فلسطین آن را بر هم می‌زند - از ضعف و ناتوانی و تجزیه شدن، گرفتار رنج و افسردگی است و مهم‌تر از آن، به خاطر ترس و وحشتی که یهودیان و غربی‌ها از رسیدن نیروهای اسلام به مرزهای اسرائیل و قدس دارند، اقدام به انتخاب زمامداری مقتدر نموده تا بتوانند مناطق پیرامون اسرائیل را به زیر فرمان آورند؛ لذا دست سفیانی را در جنگ عراق و اشغال آن، برای جلوگیری از سربازان ایرانی (یاران پرچم‌های سیاه) باز می‌گذارند؛ همچنان‌که دست سفیانی در یاری رساندن به حکومت ضعیف حجاز و درهم شکستن قیام مهدی علیه السلام باز است و در واقع، سفیانی یک نیروی واکنش سریع، برای سرکوب نهضت‌ها در منطقه به‌شمار می‌رود.

کوتاهی عمر حکومت سفیانی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«سفیانی از نشانه‌های حتمی ظهور است و خروج او از آغاز تا انجام، پانزده ماه به طول می‌انجامد؛ وی شش ماه، کارزار می‌کند؛ همین که بر پنج شهر دست یافت، نه ماه فرمانروایی می‌کند؛ بی آن‌که روزی به آن افزوده شود.» (۱)

آن پنج شهر عبارتند از: دمشق، امان، حمص، حلب و قنسرین که از شهرهای مهم سوریه، اردن و لبنان می‌باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«از نشانه‌های حتمی ظهور، خروج سفیانی در ماه رجب است.» (۱)

خروج سفیانی، شش ماه قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود و حضرت، در شب دهم محرم همان سال، در مکه ظهور می‌کند.

درگیری ابقع و اصهب با سفیانی

سفیانی برای تسلط بر شام، با ابقع (۲) و اصهب (۳) که در شام، دارای قدرت هستند، به مخالفت برمی‌خیزد و در اثر برخورد و جنگ طرفداران این سه گروه، شام ویران می‌شود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«در آن سال، در تمام سرزمین‌های ناحیه مغرب، اختلاف بسیار خواهد بود، نخستین زمینی که ویران می‌شود، شام است. هواداران پرچم سه گانه - طرفداران اصهب، ابقع و سفیانی - با یکدیگر اختلاف می‌کنند.» (۴)

عمار نقل کرده:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹.

۲. ابقع کسی است که ابلق است؛ نقطه سیاه و سفید در چهره دارد.

۳. اصهب کسی که زرد چهره است.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۲.

«به درستی که دولت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، در آخر الزمان است و برای آن دولت، نشانه‌هایی است... سه مرد قدرتمند در شام قیام خواهند کرد که هر کدام مدعی حکومت خواهند بود؛ ابقع، اصهب و مردی از خاندان ابوسفیان»^(۱).

در روایات تصریح به کفر ابقع و اصهب شده و آنها به خاطر قدرت طلبی، با سفیانی به مخالفت برمی‌خیزند و امام باقر علیه السلام مردم را از پیوستن به جمعیت اصهب، نهی کرده است.^(۲)

ابقع و اصهب و سفیانی با هم می‌جنگند و سفیانی بر آنها پیروز می‌شود و آنها را نابود می‌کند؛ در حدیثی آمده است:

«وقتی آن کافر (اصهب) قیام کند و اقامت در پایتخت یا مرکز بر او دشوار شود، طولی نمی‌کشد که او کشته می‌شود».^(۳)

سفیانی کیست؟

علت نام‌گذاری این شخص به سفیانی به خاطر نسبت داشتن او با ابوسفیان است؛ چون او از تبار ابوسفیان می‌باشد همچنان که فرزند هند جگرخوار به او گفته شده؛ چون هند - زن ابوسفیان - در جنگ احد، جگر حمزه را از روی کینه، به دندان کشید.

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود:

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹.

۳. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۴.

«فرزند هند جگر خوار از وادی یابس خروج می‌کند؛ او مردی چهارشانه، بدقیافه و دارای سری بزرگ است و بر صورت او اثر آبله پیدا است؛ وقتی او را می‌بینی، پنداری که یک چشم دارد؛ نامش عثمان و پدرش عینیه است؛ او از فرزندان ابوسفیان است.» (۱)

قساوت سفیانی

ابن حماد از ارطاة نقل کرده که گفت:

«سفیانی در مدت شش ماه، کسانی را که نافرمانی کنند، می‌کشد و با ازّه آنها را سر می‌برد و در دیگ‌ها می‌پزد.» (۲)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«ما و اولاد ابوسفیان دو خاندان هستیم که به خاطر خدا با یکدیگر دشمنی داریم، ما گفتیم: خداوند راست گفت و آنها گفتند: خداوند دروغ گفت. ابوسفیان به جنگ پیامبر برخاست و معاویه فرزند ابوسفیان به جنگ علی؛ یزید - پسر معاویه - به جنگ حسین بن علی و سفیانی به مصاف قائم، برمی‌خیزد.» (۳)

کینه سفیانی نسبت به شیعیان

امام باقر علیه السلام فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۲۰.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

«گویا من سفیانی را می بینم که در سرزمین‌های سبز شما در کوفه اقامت گزیده و منادی او ندا می دهد: هرکس سر یک تن از شیعیان علی را بیاورد، هزار درهم پاداش اوست و در این هنگامه، همسایه به همسایه حمله برده، می گوید: این شخص از آنهاست، گردن او را می زند و هزار درهم، جایزه می گیرد.» (۱)

سفیانی، از ظهور تا سقوط

بنابر آنچه گذشت، جنبش سفیانی سه مرحله دارد:

- ۱- محکم کردن سلطه؛ در شش ماهه اول.
- ۲- هجوم به عراق و حجاز.
- ۳- بازگشت از توسعه طلبی در عراق و حجاز و مبارزه در برابر حرکت سپاه حضرت مهدی علیه السلام جهت حفظ سرزمین‌های شام و اسرائیل و قدس. چنان که قبلاً گفتیم، سپاه هفتاد هزار نفری که سفیانی به حجاز فرستاده در بین راه مکه و مدینه به زمین فرو می روند و از آنها تنها دو نفر باقی می ماند که آن دو نفر خبر فرورفتن لشکر در زمین را برای سفیانی می آورند. (۲)

نیروهای سفیانی که به منطقه اهواز آمده اند، پس از روبرو شدن با سپاه ایران - به رهبری هاشمی خراسانی و فرماندهی شعیب بن صالح - و نبرد

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۵۵.

سنگینی که رخ می دهد، پا به فرار می گذارند و منطقه را ترک می کنند. (۱)
با شکست های پی در پی سفیانی، مردم شام نیز علیه خلیفه خود قیام
می کنند و موج مردمی که دوست دار امام هستند، همه جا را فرا می گیرد؛
حتی نیروهای امام، بدون هیچ مقابله ای در سی کیلومتری دمشق، اردو
می زنند.

اوضاع سیاسی منطقه، قبل از نبرد قدس - با توجه به پیروزی های
شگفت انگیز امام و یارانش در یمن، حجاز، عراق و منطقه - به نفع امام
است و غربی ها در نگرانی و اضطرابند. یهودیان وحشت زده تر از غربی ها
هستند؛ موجودیت آنها بستگی به نبرد قدس دارد و وضع عمومی مردم در
راستای حمایت از امام است و اگر پشتیبانی خارجی از سفیانی نباشد،
چه بسا همان نیروهای مردمی، او را نابود می کنند.

سرانجام، عذاب الهی بر سفیانی و سپاهیان نازل می شود و سفیانی را
دستگیر می کنند و زیر درختی به قتل می رسانند؛ چنان که امام باقر علیه السلام
فرمود:

«پس امام با همراهان خود به مرج عذرا می آیند و عده زیادی
از مردم به آن حضرت می پیوندند و در این روز، سفیانی در
وادی رمله به سر می برد تا این که در روز جابجایی، آنان به
یکدیگر برخورد می کنند؛ هر دسته به پرچم و لشکر خود ملحق
می شود؛ در آن روز، سفیانی و هر که با او باشد، کشته می شود»

حتی خبردهنده‌ای از آنان هم باقی نمی‌ماند» (۱).

در روایات آمده است که امام علیه السلام می‌گوید:

«پسر عموی من - سفیانی - را بیاورید تا با وی سخن بگویم؛ او را نزد امام می‌آورند؛ او تسلیم امر امام می‌شود و بیعت می‌کند؛ ولی پس از برگشتن پیش یاران و خویشاوندان و سران هفتگانه ارتش خود، او را پشیمان می‌کنند و بیعت خود را از امام پس می‌گیرد و نبرد قدس آغاز می‌شود؛ عذاب خداوند، به وسیله پرنده‌گان و کوه‌ها و فرشتگان بر آنها نازل می‌شود و ساعتی نمی‌گذرد که تمام یاران سفیانی هلاک، و خود وی دستگیر، و زیر درختی - مانند گوسفند - سر بریده می‌شود» (۲).

۳- ترکان (روس‌ها)

مراد از ترک - در روایات ظهور - روس‌ها و اطرافیان آنان - از ملت‌های اروپای شرقی - هستند که علاوه بر ترک‌های ترکیه، شامل قبیله‌های تاتار، مغول، قزاقستان، ارمنستان و روسیه نیز می‌شود. مراد از ترک در روایات، ترک‌های کافر است و الا مسلمانان ترک، مانند بقیه اقوام مسلمان، یار و یاور حضرت مهدی علیه السلام هستند.

ترک و روم، برای تسلط بر کشورهای اسلامی، دست به آشوبگری علیه مسلمانان می‌زنند و بر سر تقسیم قدرت با هم اختلاف پیدا می‌کنند؛

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۰۵ و ۵۰۸.

چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«حکومت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله شما - که دارای علامات و نشانه‌هایی است - در آخرالزمان پدید می‌آید... از جمله: در زمانی که رومیان و ترکان، دیگران را علیه شما بشورانند و نیروها بسیج گردند و ترک‌ها به مخالفت با رومیان برخاسته و جنگ و خون‌ریزی در روی زمین افزایش یابد.» (۱)

در روایات به مواردی از آشوب‌گری ترکان علیه مسلمان اشاره شده است؛ مثل این جمله که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«برای ترکان، دو خروج است که در یکی از آنها، آذربایجان خراب می‌شود؛ دیگری خروج به سوی نهر فرات (عراق) است که یاری خداوند نازل می‌شود و به وسیله باد و طاعون و... چنان نابود می‌شوند که احدی از آنان باقی نمی‌ماند.» (۲)

حضرت مهدی علیه السلام بعد از تصفیه داخلی و تسلط بر اوضاع ممالک اسلامی، نخستین سپاهی که تدارک می‌بیند، سپاهی است که به سوی ترکان می‌فرستد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

«نخستین سپاهی که حضرت مهدی تدارک می‌بیند، به سوی ترکان گسیل می‌دارد و پس از شکست و به اسارت در آوردن آنها و به غنیمت گرفتن اموالشان، راهی شام گردیده و آن‌جا را

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۴۱.

فتح می‌کند» (۱).

فرستادن اولین سپاه - در جنگ خارجی - برای نابودی ترکان، حکایت از اهمیت آنها دارد.

۴- رومیان (غربی‌ها)

مراد از رومیان - در روایات مربوط به آخرالزمان - ملل اروپایی می‌باشد که در قرن‌های اخیر، سکونت آنان در آمریکا ملاحظه می‌شود که در واقع، آنان وارث امپراطوری تاریخی روم هستند.

در بعضی روایات از آنها به بنی‌اصفر (زردپوستان) تعبیر شده است. رومیان علیه مسلمانان دست به فتنه‌گری می‌زنند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«حکومت اهل بیت پیامبر شما - که دارای علامت و نشانه‌هایی است - در آخرالزمان می‌آید...؛ زمانی که رومیان و ترکان، دیگران را علیه شما بشورانند و نیروها بسیج گردند» (۲). این فتنه‌گری و سلطه‌آنها، در اثر ضعف شما مسلمانان است؛ چون میل به دنیا پیدا کرده و جهاد را فراموش کرده‌اید، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«نزدیک است اُمت‌ها علیه شما، یکدیگر را فراخوانند بسان فراخواندن خورندگان بر سر سفره. شما از نظر عدد بسیارید اما همچون خاشاک بر روی سیل می‌باشید! خداوند، هیبت و شکوه شما را از دل دشمنان برداشته و در اثر علاقمندی به دنیا

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۲۸؛ بشارة الاسلام، ص ۱۸۵.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

و بیزاری از مرگ، ضعف و سستی را به دل شما می‌افکند» (۱).
 آیا امروز وضعیت مسلمانان، این‌گونه نیست که یک مشت صرب
 جنایتکار در بوسنی و هرزگوین (۲) و سه میلیون صهیونیست اسرائیلی در
 اثر فتنه‌گری و پشتیبانی آمریکا بر صد میلیون عرب و یک میلیارد
 مسلمان زور می‌گویند و هیچ ترسی از مسلمانان ندارند؟ آیا اگر ملت‌های
 مسلمان، متحد شوند و دست به سلاح ببرند، نمی‌توانند آمریکا و اسرائیل
 را سر جای خود بنشانند؟ و آیا وضعیت تغییر نخواهد کرد؟

ارتباط و هم‌سویی غربی‌ها با سفیانی

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«عده‌ای از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله به کشور روم فرار می‌کنند؛
 سفیانی به پادشاه روم پیام می‌فرستد که اسیران مرا برگردان؛
 پادشاه روم آنها را تحویل سفیانی می‌دهد. سفیانی آنها را نزد
 پلّه‌های شرقی مسجد دمشق گردن می‌زند و کسی هم بر او ایراد
 نمی‌گیرد» (۳).

در نبرد بزرگ قدس، که به شکست سفیانی و یهود می‌انجامد، غربی‌ها
 تنها نقش پشتیبانی دارند و از رویارویی با حضرت مهدی علیه السلام به جهت
 پیروزی‌های شگفت‌انگیز او در یمن، عراق و قدس، پرهیز می‌کنند؛ ولی

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۷۸.

۲. اشاره به جنگ و کشتار بی‌رحمانه صرب‌ها بر علیه مسلمانان مظلوم بوسنیایی
 می‌باشد که در اثر تجزیه یوگسلاوی به وقوع پیوست.

۳. عقد الدرر، ص ۹۰.

در همین حال نیروهای خود را به فلسطین، مصر و انطاکیه (۱) اعزام می‌کنند.

عمّار یاسر نقل کرده:

«برای برقراری دولت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در آخر الزّمان، نشانه‌هایی است... آنگاه که غربی‌ها به سوی مصر می‌روند... رومی‌ها در فلسطین فرود می‌آیند و...» (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که در سرزمین شام، بلوایی را مشاهده نمودی، پس مرگ است و مردن، تا آن‌که غریبان به تحرک آمده و روانه سرزمین‌های عرب گردند که حوادثی بین آنها رخ خواهد داد.» (۳)

دو معجزه حضرت مهدی علیه السلام

به نظر می‌رسد که دو معجزه‌ای که حضرت انجام می‌دهد، غربی‌ها را از ورود در جنگ - به طرفداری از یهودیان و سفیانی - دچار تردید می‌کند. معجزه اول: ظاهر شدن اصحاب کهف. معجزه دوم: بیرون آوردن صندوق نسخه‌های تورات و انجیل از غار انطاکیه و استدلال با آنها. اخبار و روایات، از هم‌پیمانی غرب و روس علیه مسلمین، ایجاد

۱. در نواحی ساحلی سوریه و ترکیه.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۲۷.

۳. الملاحم و الفتن، ص ۱۰۷.

محاصره اقتصادی و فرود آمدن بین صور تا عگا و نزدیکی دمشق خبر می دهد.

پس از مواجه شدن ناگهانی غربی ها با شکست یهودیان و سفیانی به دست حضرت مهدی علیه السلام، آنها به امام اعلان جنگ می دهند که ناگاه حضرت مسیح علیه السلام از آسمان به قدس فرو می آید و با سخنان خویش، جهانیان را مورد خطاب قرار می دهد و این امر موجب خشنودی مسیحیان و مسلمانان می شود و حضرت مسیح، بین حضرت مهدی و غربی ها وساطت می نماید و قرارداد صلحی به مدت ده سال بین دو طرف بسته می شود؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«بین شما و رومیان، چهار پیمان صلح برقرار می شود که چهارمین آن به دست مردی از خاندان هرقل انجام می پذیرد که چند سال دوام خواهد یافت. در این هنگام، مردی از عبدالقیس به نام سودد بن غیلان پرسید: در آن روز پیشوای مردم کیست؟ حضرت فرمود: مهدی از فرزندانم که مردی چهل ساله به نظر می رسد؛ چهره اش چون ستاره تابان می درخشد؛ وی گنجینه های زمین را استخراج نموده و...» (۱)

«بین مهدی علیه السلام و فرمانروای طغیانگر روم - پس از کشته شدن سفیانی و به غنیمت در آمدن هستی قبیله کلب - صلحی برقرار می شود؛ به گونه ای که بازرگانان شما و آنها به کشورهای

یکدیگر رفت و آمد می‌کنند و آنها سه سال به ساختن کشتی‌های خود می‌پردازند... تا آن‌که کشتی‌های رومیان در سواحل صور تا عکا لنگر می‌اندازند و آن‌جا صحنه کارزار می‌گردد» (۱).

خیانت غرب به قرارداد صلح بین مسلمانان و مسیحیان

پس از گذشت دو یا سه سال از قرارداد صلح، غربی‌ها با یک میلیون نفر نیروی دریایی - که بین یافا و عکا پیاده کرده‌اند - به حضرت مهدی علیه السلام و یارانش هجوم می‌برند؛ هدف آنها بازگرداندن فلسطین و بخشیدن دوباره آن به یهودیان است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«شما و رومیان (غربی‌ها) قرارداد صلح ده‌ساله‌ای می‌بندید؛ ولی پس از دو سال، آنها خیانت می‌کنند و به سوی شما با هشتاد لشکر - که هر لشکر شامل دوازده هزار سرباز است - هجوم می‌آورند» (۲).

روایات، از درگیری بزرگی در آن روز خبر می‌دهد. هر مسیحی در آن روز، صلیب بلند می‌کند و آن‌جا صحنه جنگ اسلام و کفر به تمام معنی است و دو جبهه - با تمام نیرو - به مقابله با یکدیگر می‌پردازند.

نیروهای کمکی برای هر دو طرف، از سایر کشورها اعزام خواهد شد و نیز روایات خبر از کشتار سنگینی در آن جنگ می‌دهد؛ به گونه‌ای که

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۴۳.

۲. همان، ص ۳۴۰ - ۳۴۱.

سی هزار از مسلمانان - که هفتاد فرمانده لشکر نیز در بین آنهاست - به شهادت می‌رسند تا این که خداوند بر رومیان غضب می‌کند و مسلمانان را به کمک فرشتگان و امدادهای غیبی - با نیزه و شمشیر برنده و تیری که خطا نمی‌رود - یاری می‌کند؛ به گونه‌ای که دیگر خبری از غربی‌ها در آن منطقه شنیده نمی‌شود. (۱)

حضرت مهدی علیه السلام شهر عکا را پایگاه دریایی خود، برای فتح اروپا قرار می‌دهد و با چهارصد کشتی، به سوی غرب هجوم می‌برد. آن حضرت تعداد چهارصد کشتی را در ساحل عکا تدارک دیده و با یاران خویش به سرزمین رومیان روی آورده و آنجا را فتح می‌نماید. (۲)

پیامبر علیه السلام فرمود:

«حضرت مهدی علیه السلام پس از شکست روم، با نیروی صد هزار نفری، به سوی کشورهای غربی حرکت می‌کند؛ حاکم روم را به اسلام دعوت می‌نماید؛ او نمی‌پذیرد؛ پس از جنگی دو ماهه، مهدی علیه السلام با نصرت الهی پیروز می‌شود و با تکبیر داخل قسطنطنیه می‌شود و عده زیادی از رومیان (ششصد هزار نفر) کشته و خلق کثیری نیز اسلام می‌آورند». (۳)

۵- دَجَال

دَجَال از ماده دَجَل به معنی دروغگویی و حقه‌بازی است.

۱. همان، ص ۳۵۷ - ۳۵۸.

۲. الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۴۷.

اهمیت دجال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«از اول آفرینش تا قیامت، هیچ مسأله‌ای مهم‌تر از مسأله دجال نیست.» (۱)

از حضرت محمد صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«ای مردم! هیچ فتنه‌ای در روی زمین، بزرگ‌تر از فتنه دجال نیست، و خداوند، هیچ پیامبری را نفرستاده، مگر این که امتش را از پیوستن به دجال، بر حذر داشته است.» (۲)

روایات شیعه، خروج دجال را نشانه ظهور مهدی علیه السلام دانسته ولی روایات اهل سنت آن را نشانه برپایی قیامت شمرده است و می‌تواند نشانه هر دو باشد.

زمان خروج دجال

بعد از پیروزی حضرت مهدی علیه السلام بر سفیانی و غربی‌ها و ورود به قسطنطنیه است که خبر خروج دجال می‌رسد؛ جابر نقل کرده:

«دجال خروج نمی‌کند، مگر این که روم (غرب) فتح شود.» (۳)
در حدیثی دیگر آمده:

«هنگامی که غنائم قسطنطنیه را تقسیم می‌کنند، خبر خروج دجال، به حضرت و یارانش می‌رسد.» (۴)

۱. عقد الدرر، ص ۲۵۸.

۲. معجم احادیث الامام مهدی، ج ۲، ص ۱۲.

۳. عقد الدرر، ص ۲۱۵.

۴. معجم احادیث الامام مهدی، ج ۲، ص ۵۰.

مکان خروج دجال

در مورد مکان خروج دجال، روایات مختلف است؛ مکان‌هایی که در احادیث ذکر شده است، بدین قرار است:

۱- خراسان ۲- اصفهان ۳- عراق ۴- طرف مشرق ۵- بین شام و عراق و... (۱)

از روایات فوق، چهار روایت، محل خروج را ایران می‌داند هرچند که غالباً غیرمستند و ضعیف است؛ اما روایتی که بهتر به نظر می‌رسد و افراد موثقی چون صعصعة بن صوحان و اصبع بن نباته - از یاران امام علی علیه السلام - آن را نقل کرده‌اند، محل خروج دجال را اصفهان می‌داند.

اصبع بن نباته، از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید: دجال کیست؟ حضرت فرمود:

«دجال، صائد بن صید است و از شهری که به آن اصفهان می‌گویند، از قریه‌ای که معروف به یهودیه است، خارج می‌شود». (۲)

مشخصات دجال

۱- یک چشم بیشتر ندارد که در میان پیشانی‌اش همچون ستاره صبح می‌درخشد؛ اما همین چشم، خون آلود است و گویی با خون ترکیب شده است.

۲- او الاغ (مرکب) سفید تندی دارد که هر گام او، یک میل است و به سرعت زمین را طی می‌کند.

۱. همان، ص ۵۹ - ۶۴.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.

۳- او ادعای خدایی می‌کند و هنگامی که دوستان خود را به گرد خویش می‌خواند، صدای او را تمام جهانیان می‌شنوند.

۴- او در دریاها فرو می‌رود و خورشید با او حرکت می‌کند و در پیش روی او کوهی از دود و پشت سرش کوه سفیدی قرار دارد که مردم، آن را مواد غذایی می‌بینند.

۵- به هنگام ظهور او، مردم گرفتار قحطی و کمبود مواد غذایی هستند. (۱)

آیا دجال واقعی است یا سمبلیک و کنایی؟

شک نیست که مُجاز نیستیم به هر مفهومی از مفاهیم مذهبی که در قرآن و حدیث وارد شده، شکل سمبلیک بدهیم؛ زیرا این کار، تفسیر به رأی است که در اسلام ممنوع شده است؛ اما نشانه‌هایی که در روایات ذکر شده، بی‌شبهت به تعبیرات سمبلیک و کنایی نیست و این‌گونه مفاهیم کنایی، دربارهٔ حوادث آخرالزمان بی‌سابقه نیست؛ مثلاً در روایتی می‌خوانیم که «مهدی خورشیدی است که از مغرب طلوع می‌کند». (۲)

اگر معنای ظاهری جمله مراد باشد، با قوانین علمی سازگار نیست؛ چون طلوع آفتاب از مغرب، مفهومی تغییر مسیر گردش کره زمین است و اگر این موضوع ناگهان صورت گیرد، همهٔ آب دریاها و تمامی ساختمان‌ها و موجودات سطح کره زمین، به خارج پرتاب می‌شوند و همه چیز به هم می‌ریزد و اثری از زندگی باقی نمی‌ماند و اگر به تدریج هم صورت گیرد، طول شب و روز، به قدری زیاد می‌شود که از یک ماه و دو

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۱۳۲.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۹۴.

ماه هم خواهد گذشت و باز نظام کائنات و زمین، به هم می خورد. بنابراین بعید نیست که دجال - با آن صفاتی که گفته شد - اشاره به فریب کاران و رهبران مادی ستمگر باشد؛ چون:

۱- آنها یک چشم دارند و آن، چشم اقتصادی و زندگی مادی است که با هرگونه تزویر و نیرنگ، برای رسیدن به آن تلاش می کنند و همین چشم مادی است که پر زرق و برق و خیره کننده و پر فروغ است و خیلی ها را فریب می دهد.

۲- مرکب هایی در اختیار دارند که بسیار تند و سریع السیر است و کره زمین را در مدت کوتاهی دور می زند.

۳- آنها در عمل، ادعای خدایی می کنند و مقدرات مردم جهان را به دست خویش می دانند؛ پیاده شدن در کره ماه را دلیل تسخیر فضا و مهار کردن پاره ای از نیروهای طبیعت را نشان تسخیر طبیعت می دانند؛ در حالی که یک زمین لرزه مختصر یا طوفان و یا یک سلول سرطانی، همه زندگی آنها را برهم می زند.

۴- با زیردریایی های مجهز، به زیر دریاها می روند و وسایل سریع السیر آنها، با مسیر خورشید حرکت می کند؛ در پیش روی کارخانه های عظیمش، دود فراوان و به دنبال آن، کوهی از فرآورده های صنعتی و غذایی است.

۵- مردم به عللی از قبیل خشک سالی، استعمار، استعمار و تبعیضات مختلف و سرمایه گذاری های سنگین برای جنگ افزارها و ویرانی های ناشی از آن، گرفتار کمبودند و بر اثر ظلم و ستم قلدران و جباران عالم - مثل آمریکا و نوکرانش - مبتلا به قحطی و کمبود شده اند.

روش‌های دجال در گمراه کردن مردم

۱- فریب‌کاری: چنان‌که گفته شد، دجال به معنی مرد دروغ‌گوی فریب‌کار است؛ به نظر می‌رسد - با توجه به صفاتی که برای او در روایات ذکر شده و ما بیان کردیم - جنبش و فتنه و آشوب او، یک حرکت انحرافی با بهره‌گیری از پیشرفت علوم و حالت رفاهی باشد که در زمان امام علیه السلام، جامعه بشری به آن دست می‌یابد و او دارای قدرتی است که مردم، درباره او به حیرت می‌افتند و گمراه می‌شوند.

دجال، از روش‌های پیشرفته چشم‌بندی، برای فریب جوانان و زنان استفاده می‌کند، آلات و ادوات موسیقی که افکار را تخدیر می‌کند، با اوست و او از این طریق اعمال خلاف را رایج می‌کند. ممکن است دجال‌های دیگری باشند که از شهرهای مزبور حرکت کنند و همگی تحت فرمان همان دجال اصلی باشند.

در تاریخ از این‌گونه دجال‌ها که با فریب، سد راه پیامبران و مصلحان جامعه می‌شدند، نمونه‌های زیادی وجود دارد؛ همان‌گونه که در چندین روایت آمده که پیامبر فرمود:

«هر پیامبری بعد از نوح، قوم خود را از فتنه دجال بر حذر می‌داشت و من نیز، شما را بر حذر می‌دارم». (۱)

فریب‌کارانی چون سامری در قوم موسی علیه السلام، پولس در قوم عیسی علیه السلام، کعب الاحبار و معاویه - در لباس خال‌المؤمنین - در اسلام، کسانی با عنوان خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله در صدر اول، سلاطین ایران با عنوان ظل الله (سایه)

خدا)، شاه حجاز با عنوان خادم‌الحرمین، رئیس جمهور آمریکا با عنوان مدافع حقوق بشر در عصر اخیر، همگی با مکر و فریب و تزویر و بیرون راندن مردم از صراط مستقیم به سوی آداب جاهلی و زنده کردن نظام طبقاتی و حکومت استبدادی و خودکامه و روی کار آوردن ناصالحان و چاپلوسان و جنایت‌کاران و کنار زدن صالحان و پاکان، سعی در انحراف جامعه نمودند و همگی با بهره‌گیری از جاذبه‌های شهوانی، رفاهی و مادی، باعث گمراهی جوانان جامعه بوده‌اند و مانع ترقی و رشد اجتماعی، فرهنگی و... جوامع بشری هستند.

۲- دجال در دریاها فرو می‌رود، خورشید با او حرکت می‌کند.

۳- ادعای خدایی می‌کند و بر مرکبی سوار است که هر قدم آن، یک میل است. (۱)

۴- مفضل، از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«هر روز برای او و یارانش، گاو و گوسفند و... ذبح می‌کنند؛ انسانی را می‌کشد و شخصی شبیه همان را به مردم نشان می‌دهد؛ مردم فکر می‌کنند او زنده می‌کند و می‌میراند و بدین وسیله، مردم را گمراه می‌کند.»

۵- شیاطین را همراه خود می‌کند؛ در حالی که انواع آلات موسیقی همراه خود دارند، شهرها را می‌گردند؛ زنا، لواط و کارهای حرام را حلال می‌کنند و در خوردن شراب و انجام کارهای فساد، زیاده‌روی می‌کنند و تا دورترین جاهای زمین را زیر پوشش خود می‌گیرند. (۲)

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۱۳۲.

۲. کشف الحق، ص ۳۳.

آیا دجال، نام شخص معینی است؟

در مورد دجال چند احتمال وجود دارد:

۱- نام شخص معینی نباشد و هرکس که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با توسل به حيله گری و نیرنگ، مردم را فریب دهد، دجال است و لذا در روایات صحبت از دجال‌ها به میان آمده است؛ در حدیث پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آمده که:

«قیامت برپا نمی‌شود، تا وقتی که مهدی - از فرزاند من - قیام کند
او قیام نمی‌کند، تا وقتی که شصت دروغگو خروج کنند و هر
کدام بگویند: من پیامبرم.»

در حدیثی دیگر از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

«تكون امام الدجال ستون خداعة: پیش از خروج دجال،
شصت نیرنگ خواهد بود.»

و احتمال دارد که: از میان دجال‌های دروغگو، یکی از آنها که سرآمد دجال‌هاست، نشانه ظهور مهدی باشد و در حقیقت قضیه دجال بیانگر این واقعیت است که در آستانه هر انقلابی، افراد فریبکار و منافق و معتقد به نظام‌های پوشالی گذشته، برای نگهداری فرهنگ جاهلی، تلاش کرده و مردم را نسبت به تحقق انقلاب، دل‌سرد و دودل می‌کنند؛ بنابراین حرکت مزورانه دجال‌ها، همواره بزرگ‌ترین خطر در راه انقلاب است و در انقلاب حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین خطر بزرگی پیش‌بینی شده است و امامان علیهم السلام از قبل این خطر را گوشزد کرده‌اند تا مردم در دام شیادان نیفتند.

۲- دجال فرد معینی باشد و این مطلب، نیاز به روایات مستند دارد که

سند معتبر و قابل اعتمادی برای این روایات ارائه نشده است و در محتوای آنها نیز ناهماهنگی وجود دارد و این اوصافی که برای دجال گفته شد، بیشتر شبیه افسانه است تا واقعیت.

۳- مراد از دجال، همان سفیانی باشد؛ ولی با وجود این که خروج این دو، هم‌زمان ذکر شده است، صفات آنها مختلف است؛ دجال ادعای خدایی می‌کند، ولی سفیانی کافر نیست و تظاهر به دین‌داری می‌کند.

حامیان دجال

۱- یهود

چنین به نظر می‌رسد که پس از فتح فلسطین و نابودی اسرائیل - به دست حضرت مهدی علیه السلام - بسیاری از یهودیان از سرزمین‌های عربی رانده می‌شوند.

بنا به گفته روایات، اینها دوباره دست به تبهکاری می‌زنند و این امر، هنگام حرکت دجال یک چشم، خواهد بود.

می‌توان ادعا کرد که دجال، توسط یهود تحریک شده است، یا یکی از پشتیبانان مهم او، یهودی‌ها هستند؛ چون اولاً او از یهودیه حرکت می‌کند؛ ثانیاً بسیاری از طرفداران او یهودی‌ها هستند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«آگاه باشید! بیشتر پیروان دجال، زنازادگانند که تاج بر سر دارند

و یهودی هستند.» (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. عقد الدرر، ص ۲۷۴.

«همراه دجال، هفتاد هزار یهودی مسلح هستند»^(۱).

۲- افراد سفیه و بی‌خرد

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«همراه دجال، هفتاد هزار نفر سفیه هستند»^(۲).

۳- عرب

در حدیث آمده:

«در جلوی دجال، ششصد هزار نفر از عرب‌ها هستند؛ در حالی

که لباس‌های بلند پوشیده‌اند»^(۳).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«هفتاد هزار نفر از امت من، پیرو دجال هستند»^(۴).

قبلاً گفتیم: طبق بعضی روایات، اکثر طرفداران دجال را یهود تشکیل

می‌دهد؛ چون آنها فاسدترین مردم از حیث اخلاق می‌باشند؛ ولی در این

احادیث، ملاحظه شد که تعداد بسیاری از طرفداران او، از مسلمانان

هستند؛ شاید یهود این امت مراد باشد؛ یعنی هرچند که در اسم، مسلمانند؛

ولی عمل آنها مانند کفار و یهودی‌هاست که بعضی روایات، آنها را یهود

امت اسلام نامیده است.

۴- زنازادگان، شراب‌خواران، آوازه‌خوانان و شیطان‌ها

در یک حدیث، همه موارد فوق آمده است:

۱. همان، ص ۲۶۶.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۷۰.

۳. همان، ص ۶۹.

۴. همان، ص ۶۸.

«یهودیان، زنازادگان و کوتاه‌فکران به او می‌گروند؛ آنگاه که ظلم و بی‌بندوباری او از حد گذشت، قائم، او را می‌کشد» (۱).

نابودی دجال به دست حضرت مهدی علیه السلام

احادیث اهل سنت، قاتل دجال را حضرت مسیح شمرده است، (۲) ولی در احادیث شیعه، قاتل دجال را حضرت مهدی علیه السلام معرفی می‌کند البته این مسأله مانعی ندارد؛ چرا که اگر مسیح علیه السلام هم انجام دهد، چون در سمت وزیر دست راست حضرت مهدی علیه السلام است، می‌توانیم قتل او را به امام نسبت دهیم؛ چنان‌که در قرآن، گرفتن روح انسان‌ها به خداوند نسبت داده شده: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ﴾ (۳) و گاهی به ملائکه الهی: ﴿تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ﴾ (۴)؛ بنابراین، کار مأمور را می‌توان به امیر نسبت داد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«دجال، چهل روز حکومت می‌کند؛ روز اول او همانند یک سال است، روز دوم او کمتر از یک سال؛ طولی نمی‌کشد که دجال زرد و کم‌رنگ و کوتاه می‌شود. آخرین روزهای او، همانند یک روز از روزهای شماس است؛ همه زمین را درمی‌نوردد مگر مکه و مدینه و بیت المقدس را که نمی‌تواند داخل آنها شود؛ مهدی داخل بیت المقدس می‌شود و نماز جماعت، به

۱. منتخب الاثر، ص ۱۹۲.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۱۱۲.

۳. سوره زمر، آیه ۴۲.

۴. سوره نحل، آیه ۳۲.

امامت او برگزار می‌شود؛ عیسی از آسمان فرود می‌آید و به مهدی اقتدا و با او بیعت می‌کند؛ عیسی برای جنگ با دجال خروج می‌کند و نیزه‌ای به او می‌زند که دجال، در اثر آن می‌میرد و سپس مهدی علیه السلام و یارانش، شمشیر می‌کشند و همه یاران دجال را می‌کشند».

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«قائم، بعد از غیبت، ظهور می‌کند و دجال را می‌کشد و زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می‌کند» (۱).

پس از مرگ دجال، زمین پر از عدل و آرامش می‌شود؛ چنان‌که در روایت آمده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«... پس از مرگ دجال، زمین پر از عدل می‌شود؛ چنان‌که از ستم پر شده بود؛ به گونه‌ای که حیوانات چرنده و درنده، با هم به چرامی روند و...» (۲).

البته روایت فوق، معنایی کنایی دارد؛ چون طبیعت درندگان تغییر نمی‌کند.



۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۱۳۴. هیچ‌گونه اختلافی بین این حدیث که از منابع شیعی است - با حدیث قبل - که از منابع اهل سنت نقل شده است - نیست؛ چراکه این انتساب قتل، ممکن است که از باب امیر و مأمور باشد که توضیح آن گذشت.

۲. عقد الدرر، ص ۲۷۵.

مناجات با حضرت مهدی علیه السلام

سلام بر آل یاسین!

سلام بر قرآن ناطق!

سلام بر تو ای پرچم افراشته!

سلام بر تو ای دانش انباشته!

سلام بر تو در همه شب‌ها و روزها!

سلام بر تو در همه لحظه‌ها!

سلام بر تو، آنگاه که نماز می‌گزاری!

سلام بر مهدی امت‌ها؛ سلام بر اتحاد ملت‌ها!

سلام بر بهار زندگی و روح پابندگی!

ای زاده طاهها و یاسین و ذاریات و عادیات!

ای زاده صاحب معراج و آورنده منہاج! آیا تو در کجا به سر می‌بری و در

چه سرزمینی زندگی می‌کنی؟!

چقدر دشوار است که همگان را ببینیم و تو را نبینیم؛ چقدر سخت

است که سخنان همه را بشنویم و سخن و صدای تو را نشنویم؟! تو از ما

پنهانی؛ لکن بیرون از ما نیستی؛ تو از ما دور نشده‌ای.

تو آرمان مشتاقانی؛ تو سرلوحه شرف و عظمتی!

تو تندیس بزرگی و عزت و حریتی؛ ای عزیز مصر هستی!

ای مظهر اسماء خدای رحمان!

ای پیشوای دلسوز مهربان! تاکی در طلب تو سرگردان باشیم؟!!

تاکی تو را بجوئیم و به دیدارت نایل نیاییم؛ تاکی در جستجوی تو از

دیده خون بیفشانیم؟!!

آیا شود که شام تار فراق، به صبح روشن وصال بدل گردد؟!!

آیا رسد روزی که تو پرچم نصر الهی را برافراشته باشی و ما گرداگرد تو
را گرفته باشیم؟!

تو امام باشی و ما بر تو اقتدا کنیم؛ نماز گزاریم؛ نماز کاملی با حماسه و
عرفان؛ خون و قیام؛ عشق و ایثار؛ راز و نیاز و سوز و گداز؟!

آیا رسد روزی که بنگریم سراسر جهان را از عدل آکنده‌ای؛ دشمنان
حق و عدل را خوار و ناتوان ساخته و ابرقدرتان را از صحنه روزگار
برانداخته‌ای؟!

آیا می‌شود که چنین روزی را ببینیم و خدای را بر این نعمت
سپاس‌گزار باشیم؟!

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی

دل بی تو به جان آمد وقت است که بازآیی

دایم گل این بستان شاداب نمی‌ماند

دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

دیشب گله زلفش با باد همی کردم

گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی

صد باد صبا این جا با سلسله می‌رقصند

این است حریف ای دل تا باد نپیمایی

مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد

کز دست بسخواهد شد پایان شکیبایی

سید حسین تقوی

فهرست منابع

- ۱ - قرآن کریم.
- ۲ - آیت بصیرت، احمد لقمانی.
- ۳ - اثبات الهداة، محمد بن حسن حرّ عاملی، متوفی ۱۱۰۴ هـ ق مطبوعه علمیّه، قم، ۳ جلد قطع وزیری، ۲۱۹۲ صفحه.
- ۴ - احقاق الحق و إزهاق الباطل، سیّد نورالله حسینی مرعشی، متوفی ۱۰۱۹ هـ ق با تعلیقات آیه الله مرعشی نجفی، مطبوعه مکتبه، قم، ۲۰ جلد، قطع وزیری.
- ۵ - ادیان و مهدویّت، سیّد محمد بهشتی، چاپ تهران، یک جلد.
- ۶ - ارشاد، شیخ مفید، متوفی ۴۱۳ هـ ق، مکتبه بصیرتی، قم، یک جلد، قطع وزیری، ۲۶۶ صفحه.
- ۷ - استراتژی صلح کندی، یک جلد.
- ۸ - اصول کافی، شیخ ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، متوفی ۳۲۹ هـ ق، دارالکتب اسلامیّه، تهران، ۸ جلد، عربی، قطع وزیری.
- ۹ - اطلاعات هفتگی، شماره ۱۲۱۶.
- ۱۰ - الامام المهدی، علی محمد علی دخیل، معاصر، دارالمرتضی بیروت، یک جلد، قطع رقعی، ۳۱۲ صفحه.
- ۱۱ - التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، شیخ منصور علی ناصف، متوفی ۱۳۷۱ هـ ق، دار احیاء تراث عربی، بیروت، ۵ جلد، قطع رحلی، ۲۰۸۶ صفحه.
- ۱۲ - الحاوی للفتاوی، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، متوفی ۹۱۱ هـ ق، دارالکتب العلمیّه، بیروت، دو جلد، قطع وزیری، ۷۵۵ صفحه.
- ۱۳ - الزام الناصب، شیخ علی یزدی حائری، متوفی ۱۳۳۳ هـ ق.
- ۱۴ - الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هیشمی، متوفی ۹۷۴ هـ ق، مکتبه القاهره، یک جلد، قطع وزیری، ۲۶۳ صفحه.
- ۱۵ - الغیبه، شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، متوفی ۴۶۰ هـ ق، مکتبه

- نینوا، تهران، یک جلد، قطع وزیری، ۲۹۲ صفحه.
- ۱۶ - الغیبة، شیخ محمد بن ابراهیم نعمانی، متوفی ۳۶۰ هـ ق، مکتبه صدوق، تهران، یک جلد، قطع وزیری، ۳۳۵ صفحه.
- ۱۷ - الفتن، ابو عبدالله نعیم بن حماد المروزی، نسخه خطی، قطع رقی، یک جلد، ۲۰۱ صفحه.
- ۱۸ - الفتوحات المکیه، محمد بن علی ابن عربی، متوفی ۶۳۸ هـ ق، بیروت، دارصادر، ۴ جلد، قطع رحلی، ۲۶۳۰ صفحه.
- ۱۹ - الفصول المهمه فی معرفة احوال الأئمه، علی بن محمد بن احمد المالکی مشهور به ابن صباغ، متوفی ۸۵۵ هـ ق، مکتب دارالکتب نجف، یک جلد، قطع وزیری، ۳۰۴ صفحه.
- ۲۰ - الکامل فی التاریخ، عزّ الدین ابی الحسن علی بن ابی الکریم شیبانی معروف به ابن اثیر، دار احیاء تراث عربی، بیروت، ۷ جلد، قطع وزیری.
- ۲۱ - المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث، حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، متوفی ۴۰۵ هـ ق، دارالفکر بیروت، ۴ جلد، قطع رحلی، ۲۴۶۱ صفحه.
- ۲۲ - الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، علی بن موسی بن طاووس، متوفی ۶۶۴ هـ ق، منشورات رضی، قطع رقی، ۲۲۴ صفحه.
- ۲۳ - الملل و النحل، احمد شهرستانی، ابی الفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر، متوفی ۵۴۸ هـ ق، دو جلد، دارالمعرفه، بیروت، قطع وزیری.
- ۲۴ - المنطق، محمد رضا مظفر، دارالمعارف للمطبوعات، بیروت، قطع وزیری، ۴۶۱ صفحه.
- ۲۵ - النجم الثاقب، میرزا حسین طبرسی نوری، انتشارات آستان مقدّس صاحب الزّمان قم، یک جلد، قطع وزیری، ۶۷۴ صفحه.
- ۲۶ - امام المهدی عند اهل السنه، فقیه ایمانی، معاصر، قطع وزیری.
- ۲۷ - امام مهدی از ولادت تا ظهور، سیّد محمد کاظم قزوینی، معاصر، نشر الهادی، وزیری، ۸۳۲ صفحه.

- ۲۸ - امام مهدی در قرآن، سید صادق شیرازی، ترجمه محمد رضا انصاری، نشر پیام اسلامی قم، قطع جیبی.
- ۲۹ - انتظار، فصلنامه علمی تحقیقی، ویژه امام مهدی ۷ ش ۱ و ۲.
- ۳۰ - آنیس الأعلام، محمد صادق فخر الاسلام، چاپ پیام تهران، قطع وزیری، نشر ۱۳۵۸.
- ۳۱ - او خواهد آمد، نشریه دارالتبلیغ اسلامی قم، یک جلد، قطع جیبی.
- ۳۲ - بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، متوفی ۱۱۱۱ هـ ق، طبع جدید، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۱۱ جلد، قطع وزیری.
- ۳۳ - بشارات عهدین، محمد صادقی، نشر دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۴ - بشارة الاسلام، سید مصطفی آل سید حیدر کاظمی، متوفی ۱۳۲۶ هـ ق، مکتب نینوای جدید تهران، ۲ جلد، قطع وزیری، ۲۸۸ صفحه.
- ۳۵ - پادشه خوبان، سید عباس موسوی مطلق.
- ۳۶ - پاسخ ده پرسش، پیرامون امامت و خصایص حضرت مهدی، آیه الله لطف الله صافی.
- ۳۷ - پرنس دالگورکی، نوشته م. احمد - آ.
- ۳۸ - پیش‌گویی‌های نوسترا داموس، تحقیق از دکتر شرف‌الدین اعرجی، ترجمه یوسف عزیززی.
- ۳۹ - پیشوای دوازدهم؛ حضرت حجة بن الحسن المهدی، مؤسسه در راه حق.
- ۴۰ - تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ترجمه دکتر سید حسین افتخارزاده.
- ۴۱ - تفسیر برهان، سید هاشم بن سلیمان بن اسماعیل بحرانی، متوفی ۱۱۰۷، مطبعة علمیّه، قم، ۴ جلد، قطع رحلی، ۱۹۹۱ صفحه.
- ۴۲ - تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، ۱۱۱۲ هـ ق، دارالکتب العلمیه، قم، ۵ جلد، قطع وزیری.
- ۴۳ - توجهات ولی عصر به علماء و مراجع، عبدالرحمن باقرزاده.

- ۴۴ - تهاجم یا تفاوت فرهنگی، دکتر حسن بلخاری.
- ۴۵ - جزیره خضراء؛ افسانه یا واقعیت، ترجمه ابوالفضل طریقه‌دار، نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۴۶ - حدیقه الشیعه، مقدس اردبیلی، جزء دوم.
- ۴۷ - حضرت مهدی، محمد محمدی اشتهاردی.
- ۴۸ - حکومت عدل‌گستر، حسین حیدری، دفتر انتشارات جامعه مدرسین.
- ۴۹ - خصال صدوق، ابوجعفر محمد بن علی حسین بن بابویه قمی، متوفی ۳۸۱ هـ.ق، جامعه مدرسین قم، ۲ جزء در یک جلد، قطع وزیری.
- ۵۰ - خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی.
- ۵۱ - دادگستر جهان، ابراهیم امینی.
- ۵۲ - در جستجوی قائم، سید مجید پور طباطبایی، انتشارات آستان مقدس صاحب الزمان، قم، قطع وزیری، یک جلد، ۵۰۳ صفحه.
- ۵۳ - درسنامه تاریخ عصر غیبت.
- ۵۴ - درسنامه تاریخ عصر غیبت، مؤلفان، آقای، جباری، عاشوری و حکیم.
- ۵۵ - در شناخت حزب قاعدین زمان، ع، باقی، نشر دانش اسلامی، چاپ اول، قطع رقعی، ۳۵۲ صفحه.
- ۵۶ - دیباچه‌ای بر رهبری، دکتر ناصر الدین صاحب الزمانی.
- ۵۷ - دیباچه‌ای بر رهبری، دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، یک جلد، قطع جیبی، ۵۴۲ صفحه.
- ۵۸ - دیوان ابن یمین.
- ۵۹ - دیوان حافظ، خواجه شمس الدین محمد؛ حافظ شیرازی، چاپ هادی، کتاب‌فروشی فخر رازی، یک جلد، قطع جیبی.
- ۶۰ - دیوان خاقانی.
- ۶۱ - دیوان خواجه‌ی کرمانی.
- ۶۲ - دیوان شاه نعمت‌الله ولی.

- ۶۳- رسالت تشیع در دنیا امروز، علامه سید محمد حسین طباطبایی.
- ۶۴- روش‌های تحقیق و چگونگی ارزش‌یابی آن در علوم انسانی، دکتر نادری و سیف نراقی، دفتر تحقیقات و انتشارات، یک جلد، قطع وزیری، ۲۶۳ صفحه.
- ۶۵- سفینه‌البحار، شیخ عباس قمی، انتشارات سنایی، دو جلد، قطع وزیری.
- ۶۶- سلوک معنوی، اکبر اسدی.
- ۶۷- سیمای آفتاب، حبیب‌الله، طاهری مؤسسه انتشاراتی مشهور.
- ۶۸- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، متوفی ۶۵۶ هـ ق، دارالکتب العلمیه، قم، ۲۰ جزء در ۱۰ جلد، قطع وزیری.
- ۶۹- شیعه در اسلام، علامه سید محمد حسین طباطبایی.
- ۷۰- شیفتگان حضرت مهدی، احمد قاضی زاهدی.
- ۷۱- صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه السلام، تهیه و جمع‌آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۱ جلد، قطع وزیری.
- ۷۲- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ارتشبد فردوست، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، انتشارات اطلاعات، ۲ جلد، قطع وزیری.
- ۷۳- عصر ظهور، علی کورانی، مترجم عباس جلالی، نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۷۴- عقد الدرر فی الأخبار، یوسف بن یحیی بن المقدس سلمی شافعی، قرن هفتم هجری، مکتبه عالم الفکر، قاهره، یک جلد، قطع وزیری، ۴۶۸ صفحه.
- ۷۵- علائم ظهور، حسن قائمیان.
- ۷۶- عهد عتیق، دلیم گلن، ترجمه فارسی، طبع ادن برع، سال ۱۸۴۵ میلادی.
- ۷۷- فرهنگ عمید، حسن عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، یک جلد، قطع وزیری.
- ۷۸- فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی.
- ۷۹- قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، یک جلد.
- ۸۰- کشف‌الحق، محمد صادق خاتون آبادی، ناشر مؤلف، اصفهان، سال ۱۳۷۴ هـ ق، قطع وزیری.
- ۸۱- کمال‌الدین، شیخ صدوق، متوفی ۳۸۱ هـ ق، طبع جامعه مدرسین قم،

- دو جزء در یک جلد، قطع وزیری، ۶۸۶ صفحه.
- ۸۲ - گلشن راز، شیخ محمود شبستری.
- ۸۳ - لطیفه‌ها و خاطره‌ها، رحیمی اصفهانی.
- ۸۴ - مأموریت در تهران، خاطرات ژنرال هایزر، ترجمه رشیدی، انتشارات اطلاعات، یک جلد، قطع رقعی، ۳۲۰ صفحه.
- ۸۵ - مثل‌ها و پندها، آیه الله حائری شیرازی.
- ۸۶ - مجله حوزه، ویژه نامه حضرت مهدی علیه السلام، ش ۷۰ و ۷۱.
- ۸۷ - مجله حوزه، شماره ۷۰ و ۷۱.
- ۸۸ - مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، متوفی ۵۴۸ هـ ق، دار احیاء تراث عربی، بیروت، ۵ جلد، قطع رحلی، ۲۸۰۰ صفحه.
- ۸۹ - مردان علم در میدان عمل، سید نعمت الله حسینی، ج ۵.
- ۹۰ - مروج الذهب و معادن الجواهر، ابی الحسن علی بن حسین بن علی مسعودی، متوفی ۳۴۶ هـ ق، مطبعة السعادة، قاهره، ۴ جلد.
- ۹۱ - مسجد جمکران تجلیگاه صاحب الزمان، سید جعفر میرعظیمی.
- ۹۲ - مسند احمد بن حنبل، متوفی ۲۴۱ هـ ق، دارالفکر بیروت، ۶ جلد، قطع رحلی، ۲۸۸۸ صفحه.
- ۹۳ - معارف اسلامی (۲)، جمعی از نویسندگان، یک جلد.
- ۹۴ - معجم احادیث الامام المهدی، تألیف و نشر مؤسسه الاسلامیه، قم، تحت اشراف شیخ علی کورانی، ۴ جلد، قطع وزیری، ۲۱۶۰ صفحه.
- ۹۵ - مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، یک جلد، قطع وزیری.
- ۹۶ - مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی علی بن حسین بن محمد، متوفی ۳۶۵ هـ ق، مکتبه حیدریه، نجف، یک جلد، قطع وزیری، ۴۷۵ صفحه.
- ۹۷ - مقدمه ابن خلدون، عبدالرحمن مغربی، متوفی ۸۰۸ هـ ق، دارالفکر بیروت، قطع وزیری، ۵۱۸ صفحه.
- ۹۸ - منتخب الاثر فی الإمام الثانی عشر، آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی،

معاصر، مکتبه صدر تهران، یک جلد، قطع وزیری، ۵۲۵ صفحه.

۹۹ - منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، دو جلد.

۱۰۰ - مهدی؛ از صدر اسلام تا قرن سیزدهم، دارمستر، ترجمه محسن جهانسوز، کتاب فروشی ادب.

۱۰۱ - مهدی؛ انقلابی بزرگ، آیه الله ناصر مکارم شیرازی، نشر مطبوعات هدف، یک جلد، قطع رقعی، ۳۳۹ صفحه.

۱۰۲ - مهدی منتظر، شیخ جواد خراسانی.

۱۰۳ - مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار، علی دوانی، دارالکتب الإسلامیه، قطع وزیری، ۱۲۸۴ صفحه.

۱۰۴ - نشانی از امام غایب، دکتر محمد مهدی رکنی.

۱۰۵ - نوید امن و امان، آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی، قطع جیبی، یک جلد.

۱۰۶ - نهاية الحکمه، علامه طباطبایی، نشر دارالتبلیغ اسلامی، یک جلد، قطع وزیری، ۲۹۴ صفحه.

۱۰۷ - نهج البلاغه امیرالمؤمنین.

۱۰۸ - وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ۲۰ جلد.

۱۰۹ - هفت سؤال پیرامون مهدی، ترجمه کتاب حول المهدی، شهید سید محمد باقر صدر، ترجمه عباس مخبر دزفولی، نشر جامعه مدرسین قم، قطع وزیری، ۵۰ صفحه.

۱۱۰ - ینایع الموده، سلمان بن ابراهیم بن قندوزی حنفی، متوفی ۱۲۹۴ هـ ق، دارالکتب العراقیه، مکتبه محمدی، قم، قطع وزیری، یک جلد، ۵۲۷.